

اول نمک پاشید!

بایدها و نبایدهای مسیر تعالی انقلاب اسلامی

الگوی پیشرفت

چشم انداز انقلاب اسلامی در دهه پنجم

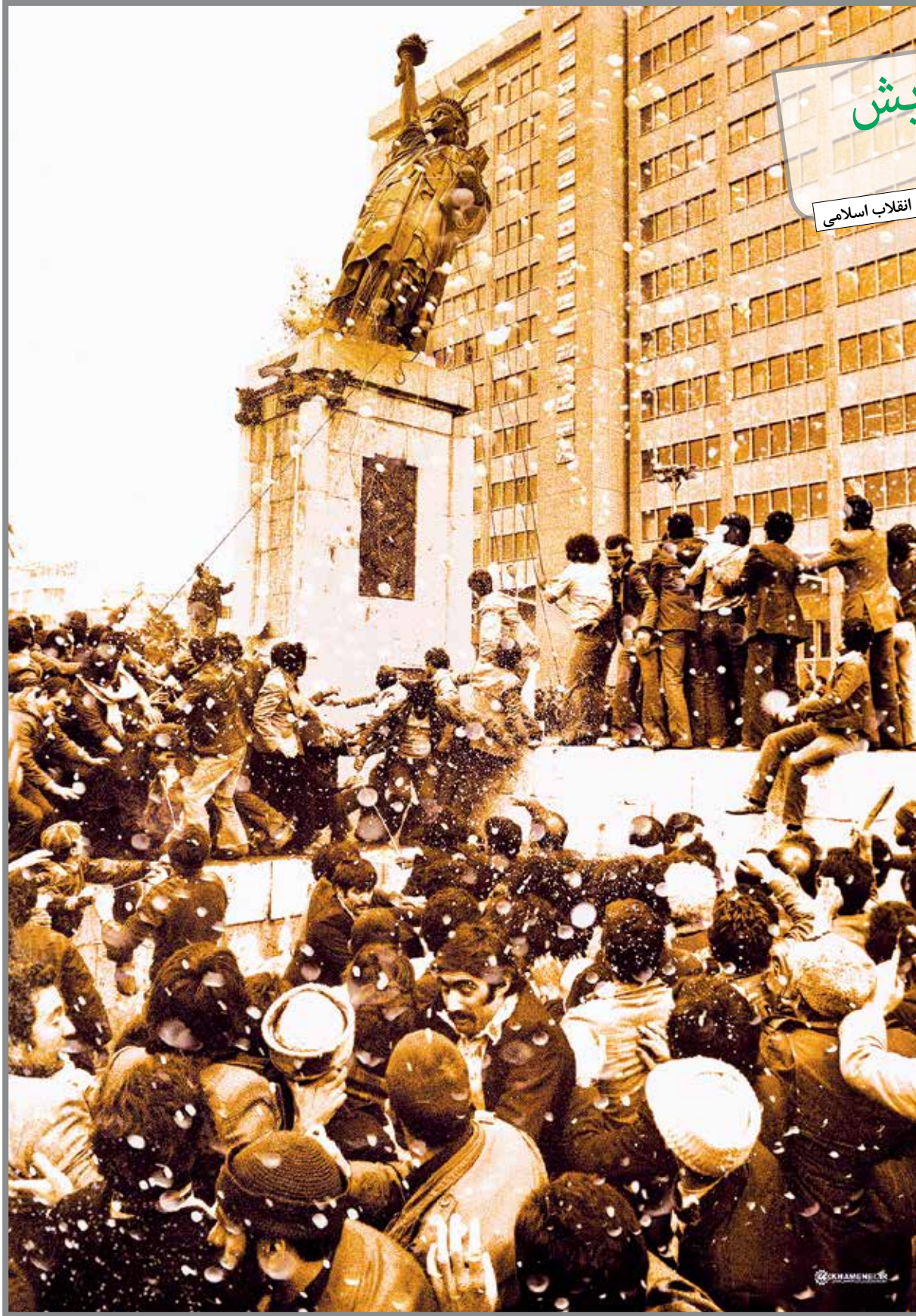
مدیریت خط مقاومت

محافظه کاری با تلاق انقلاب

خنجر محافظه کاری بر خنجر انقلاب

تقویت مردم سالاری دینی

الزامات الگوی تمدن اسلامی



چشم انداز روشن انقلاب اسلامی

رسول سنائی‌راد / انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با سرنگونی رژیم استبدادی و وابسته به استعمار غربی، به برپایی نظام مردم سالاری دینی انجامید و پارادایم قطعی بودن عبور مردم سالاری از معبر سکولاریزم و لیبرالیسم را برهم زد و الگویی عملی از امکان زیست مستقل از نظام بر ساخته قدرت های جهانی را ارائه داد.

شاید به همین جرم بود که به سرعت گروهک های چپگرا و راستگرای سکولار علیه انقلاب اسلامی و نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران فعال شده و با گذشت حدود یکسال و نیم از پیروزی انقلاب اسلامی، صدام حسین تکریتی و سرکرده حزب بعث عراق که سودای برسیدن به رهبری جهان عرب را در سر داشت، با اطلاع از امکان جلب نظر و حمایت قدرت های فرامنطقه ای و دولت های وابسته منطقه ای که در نگرانی از الهام بخش شدن این الگوی جدید و مستقل وجه اشتراک داشتند، به تحمیل جنگ هشت ساله بر کشورمان اقدام کرد. اما با وجود حمایت های گسترده این کشورها و باز بودن دست صدام در اعمال هر گونه جنایت علیه مردم مظلوم و انقلابی مان، حضور نیروهای انقلابی در دفاع مقدس و تکیه رزمندگان اسلام بر ارزش های برآمده از انقلاب و در رأس آن مدیریت و اقدام جهادی نه تنها جنگ، نظام مستقل و نوپای اسلامی را از پای در نیاورد؛ بلکه حماسه ها و مقاومت جانانه ملت انقلابی ما، الهام بخش ملت های مظلوم و خسته از سلطه مستکبران و همچنین مقوم اعتماد به نفس و انگیزه های استقلال گرایان و خودکفایی برای افزایش قدرت ملی برای دوره بعد از دفاع هم شد. لذا اعتبار و کارکرد مدیریت جهادی که خود موجب سسازندگی و پیشرفت های عمرانی، رشد علمی و فناوری و جهش خیره کننده در صنایع و قدرت دفاعی کشور و میدان یافتن برای ایفای نقش منطقه ای شد، از پیامدهای هشت سال دفاع مقدس و تجلی ارزش های انقلاب و انقلابی گری در این عرصه ها به شمار می آید که دشمن برای مهار آن به تهاجم فرهنگی و نفوذ برای استحاله ارزش ها و نیروهای انقلاب و ترویج و جایگزینی ارزش های غربی و نیروهای غربگرا با پوشش میانه رو، رو آورد و چاشنی تحریم و فشار را هم برای درهم شکستن اراده های معطوف به ایستادگی و مقاومت انقلابی، بدان افزود.

همان گونه که در جنگ نظامی و نبرد سخت دادن تلفات اجتناب ناپذیر است، بدیهی است در این مرحله نیز جبهه انقلاب متحمل تلفاتی شد که پرهزینه ترین آن، خستگی و «فاصله گرفتن برخی از نیروها از انقلاب و انقلابی گری» یا «انحراف گروهی دیگر از مسیر انقلاب و انقلابی ماندن» بود. علاوه بر این در نحوه چگونگی جبران و مقابله، چندگانگی در نظر و اختلاف برای اقدام، بروز کرد که نتیجه آن سوء استفاده نیروهای غربگرا از این اختلاف و بهره گیری آنها از فضای روانی و جنگ نرم نظام لیبرال - دموکراسی برای بی اعتبار سازی انقلاب اسلامی و نیروهای انقلاب و رویکرد آنان به مصادره نظام و جایگاه های مسئولیتی به جای جنگ و مقابله با نظام اسلامی بود. جریان غربگرا در پیوند با نفاق جدید، نیروهای خسته و بریده و مدافع نرمالیزاسیون، به همان معنای ختم انقلاب و فاصله گرفتن از انقلابی گری که سبب بقا انقلابی و حتی مسئولیت در نظام اسلامی را داشتند، برای عبور از موانع، نه تنها وقیحانه انقلابی ماندن را افراطی گری نامیده، بلکه رهبر کبیر انقلاب را در مقطعی در موزه تاریخ جای داده و در مقطع دیگر به تحریف معظم له برای خنثی سازی گفتمان انقلابی و مکتب سیاسی او و بالاتر از آن با عبور از اسلام ناب، به دفاع از اسلام آمریکایی و سازش با پوشش اسلام رحمانی رو آوردند. ادامه در صفحه ۲

مدیر کانون بازنشستگان نمایندگی ولی فقیه در سپاه

پاسداری از انقلاب اسلامی رسالتی که با بازنشستگی پایان نمی پذیرد



سردار محمد دهشیری با بیان اینکه در پانزدهمین محفل انس و مودت بازنشستگان (وابستگان) نمایندگی ولی فقیه در سپاه از پدر یک شهید مدافع حرم تجلیل شد، گفت: پاسداری از انقلاب اسلامی شغل نیست؛ بلکه رسالتی است که با بازنشستگی پایان نمی پذیرد. پانزدهمین محفل انس و مودت بازنشستگان (وابستگان) نمایندگی ولی فقیه در سپاه با حضور بیش از ۸۰۰ نفر از بازنشستگان و خانواده های آنان در مجتمع فرهنگی الغدیر برگزار شد. سردار سرتیپ دوم پاسدار محمد دهشیری، مدیر کانون بازنشستگان نمایندگی ولی فقیه در سپاه در حاشیه برگزاری این مراسم ضمن ارائه گزارشی از اقدامات و فعالیت های کانون بازنشستگان نمایندگی ولی فقیه در سپاه گفت: «در راستای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) مبنی بر اینکه بازنشستگان، اعضای وابسته سپاه به شمار می آیند و باید ارتباط مستمری با آنها برقرار شود، کانون بازنشستگان نمایندگی از سال ۱۳۸۹ تشکیل شد.» وی افزود: «در همین راستا کانون بازنشستگان نمایندگی ولی فقیه

جوان خدمات فرهنگی و بصیرتی ارائه می دهند.» سردار دهشیری در ادامه درباره برگزاری پانزدهمین محفل انس و مودت بازنشستگان نمایندگی ولی فقیه در سپاه نیز گفت: «در راستای اجرای برنامه های سالیانه، این مراسم با حضور بیش از ۸۰۰ نفر از بازنشستگان و خانواده های محترم آنان برگزار شد و بازنشستگان در فضایی صمیمی دوستان و هم زمان خود را ملاقات کردند و به تجدید خاطرات پرداختند.»

وی اجرای برنامه های بصیرتی، مشاوره ای و پزشکی و برگزاری نمایشگاه کتاب را از اقدامات صورت گرفته پانزدهمین محفل انس و مودت بازنشستگان محترم خدمات ارائه کرد: «در این مراسم از «صادق عفتی جیرسرای» پدر شهید مدافع حرم - که از اعضای کانون بازنشستگی نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده و خود نیز جانباز ۷۰ درصد است - تجلیل شد؛ همچنین از برگزیدگان مسابقه کتابخوانی «واجب فراموش شده» و مسابقات نیمه نهایی حفظ و قرائت قرآن کریم از همسران و فرزندان نیز در این مراسم با اهدای لوح یادبود و هدایایی تقدیر شد.»

پیامک صبح صادق
۳۳۰۰۹۹۰۰۳۳

کاتال تلگرام صبح صادق
علاقه مندان می توانند برای دسترسی سریع تر به مطالب هفته نامه و دریافت فایلها به کاتال تلگرام هفته نامه مراجعه نمایند
@SobheSadeghWeekly

سؤال تریبون ۲۲
به عملکرد دولت در حوزه اقتصاد مقاومتی چه نمره ای می دهید؟
همراه با ۳ جایزه
پیامک ۳۳۰۰۹۹۰۰۳۳ صفحه ۱۱

نخستین شماره هنری و ترویجی
۱۳ و ۱۴ بهمن ۱۳۹۵
ستاد فرماندهی کل سپاه

شاخص های دولت تراز دهه پنجم انقلاب اسلامی

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و دهه مبارک فجر، فرصت مغتنمی برای بررسی بسیاری از موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی است. دستاوردها، فرصت ها، چالش ها و موانع انقلاب اسلامی، از جمله مهم ترین موضوعاتی است که در این ایام می تواند مورد بررسی و تبادل نظر میان صاحب نظران قرار گیرد. دهه چهارم انقلاب اسلامی رو به پایان است و به زودی انقلاب اسلامی وارد دهه پنجم خود خواهد شد. با توجه به آسیب شناسی انقلاب اسلامی و موفقیت ها و ناکامی ها، یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی، شاخص های دولت تراز انقلاب اسلامی در دهه پنجم انقلاب است؛ موضوعی که در این نوشتار، به اختصار بررسی می شود.

گفت و گوی خبرنگار صبح صادق با کسانی که به عشق امام و انقلاب اسلامی مسلمان شدند

در دریای عشق خمینی غرق شدیم

آفاق	بررسی عملیات کربلای ۵ در گفت و گو با مهدی رمضانی	رهیافت	استقبال هفتمند از تأکید عارف بر حمایت از روحانی
جنگ نرم و بنیادهای تربیتی قدرت سیاسی	تمام دانش پدافندی و رشو در شلمچه پیاده شده بود	مقدمه	مقدمه

یادداشت

اهداف انتقال سفارت آمریکا به قدس

محمد رضا بلوردی / از زمانی که دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا شرکت کرد، یکی از وعده هایی که وی پیوسته مطرح می کرد، انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس بود؛ اقدامی که با وجود مصوب بودن دستورالعمل قانونی آن، هیچ یک از دو رئیس جمهور قبلی آمریکا (بوش پسر و اوباما) تمایلی برای اجرای آن نداشتند؛ چرا که از نگاه آنها این اقدام مخالف منافع ملی ایالات متحده تلقی می شد؛ اما اکنون و با شروع به کار ترامپ در کاخ سفید بار دیگر موضوع انتقال سفارت مطرح شده است و تندروهای صهیونیستی بیش از هر زمان دیگری امیدوارند تا از فرصت ایجاد شده، نهایت استفاده را برده و موضوع انتقال سفارت آمریکا را قطعی کنند. این در حالی است که دونالد ترامپ نیز در همین روزهای نخست ریاست جمهوری خود با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی تماس گرفته و ضمن تأکید بر ضرورت گفت و گوهای مستقیم بین طرف های اسرائیلی و فلسطینی (موضوعی که خواسته اصلی نتانیاهو بوده و از همین رو تمام تلاش خود را برای سنگ اندازی در مقابل برگزاری نشست اخیر پاریس به کار گرفته بود)، وی را برای سفر به آمریکا و ملاقات با خودش دعوت کرده است.

در چنین شرایطی و با وجود اینکه کاخ سفید اعلام کرده است، انتقال سفارت به قدس در مراحل اولیه خود قرار دارد و این موضوع باید بیشتر بررسی شود، به نظر می رسد اهداف متعددی پیش روی آمریکا در این زمینه وجود داشته باشد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: - انتقال سفارت به قدس و اعتراف به اینکه قدس شرقی جزئی از این رژیم است؛ هر چند که این گزینه از سوی فلسطینیان و جامعه بین الملل تأیید نمی شود.

- حفظ وضع موجود و تشویق طرف های صهیونیستی و فلسطینی به مذاکرات سازش برای رسیدن به راه حل؛ - انتقال سفارت به قدس غربی برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی و حفظ کنسولگری در قدس شرقی برای برقراری رابطه با فلسطینیان؛

- پذیرش قدس غربی به منزله پایتخت رژیم اشغالگر و قدس شرقی به عنوان پایتخت فلسطین، گزینه ای که احتمالاً رژیم صهیونیستی با آن مخالف است و احتمال اجرای آن هم ضعیف است؛ - حفظ سفارت در تل آویو و انتقال محل کار سفیر به قدس؛ رسانه های صهیونیستی به این گزینه دامن می زنند و در آن تأکید می شود سفیر جدید آمریکا تمایل دارد در قدس زندگی کند؛ - اعلام شروع به ساخت سفارت در قدس به گونه ای که پس از چند سال شرایط برای انتقال سفارت آماده شود.

در چنین شرایطی تردیدی نیست که نمی توان نسبت به رهبران سیاسی فلسطینیان و به طور خاص تشکیلات خودگردان فلسطین امیدوار بود و انتظار داشت در مقابل چالش جدید بتوانند مطالبات قدیمی و به حق فلسطینیان را محقق کنند، همچنان که شروع هر گونه مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی نیز به ارائه امتیاز بیشتر این رهبران سیاسی به صهیونیست ها منجر خواهد شد. به همین دلیل تنها راهی که برای فلسطینیان باقی می ماند، این است که شرایط را به طور کامل تغییر دهند و برای این منظور نیز چاره ای جز دامن زدن به انتفاضة کنونی وجود ندارد. هر چند فردی همچون محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و جنبش فتح چنین چیزی را نمی پذیرند؛ اما امید مردم فلسطین به گروه های مقاومت است تا با شدت و بخشیدن به انتفاضة در کرانه باختری و قدس و ناکام گذاشتن برنامه های پهلوی سازی صهیونیست ها، تشکیلات خودگردان را در شرایطی قرار دهند که مجبور شوند خواسته و مطالبات گروه های مقاومت فلسطین را مد نظر داشته باشند.



سر مقاله

چشم‌انداز روشن انقلاب اسلامی

ادامه از صفحه اول

در حالی که نظام سلطه برای شکست انقلاب اسلامی و براندازی مردم‌سالاری دینی، جنگ نرم پرشددت را دنبال می‌کرد و در مقاطعی با حمایت از گروهک‌های ضد انقلابی مسلح و فتنه‌گران زمینه‌ساز انقلاب رنگی، دشمنی خود را پنهان نکرده و تروریسم تکفیری ساخته و پرداخته نظام استکبار نیز ایایی از نزدیک شدن به مرزها و تلاش برای توسعه نامتنی به عمق داخلی کشورمان نداشت. اما تأسف‌بارتر اینکه همراهی با نظام سلطه که جمهوری اسلامی ایران و الهام‌بخشی انقلاب اسلامی را جدی‌ترین مانع هژمون و سلطه خویش در غرب آسیا می‌دید، نه تنها از سوی برخی عناصر تابلودار و غربزده، بلکه از سـوی برخی چهره‌های سیاسی دارای سابقه انقلابی‌گری و حتی همنشینی با امام راحل(ره) صورت می‌گرفت. کسانی که به خصلت‌های دنباطلی، رفاه‌گرایی، اشرافی‌گری و فساد آلوده شده، نه تنها دیگر دل و پای همراهی با انقلاب را نداشتند؛ بلکه وجه اشتراک آنان با مستکبران و دشمنان نظام جمهوری اسلامی این بود که انقلابی ماندن و انقلابی‌گری را مانع دستیابی به اهداف حقیر مادی خویش می‌دیدند که با قدرتی بیوند خورده بود؛ لذا همین گروه در حالی که به مستکبران روی خوش نشان داده و از گفت‌وگو و تعامل سخن می‌رانند، به مدافعان انقلاب روی ترش کرده و برای بی‌اعتبارسازی و حذف آنان از هیچ تلاشی فروگذار نبوده‌اند.

کسانی که نه تنها در عرصه نظری، نرمالیزاسیون به معنای پایان انقلاب را دنبال می‌کنند؛ بلکه در عرصه عمل نیز با تسخیر استقلال، انقلابی‌گری، مدیریت و کار جهادی، حقیرانه وابستگی را تحمل و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانسته و دستاوردهای انقلاب را نفی کرده و با بی‌انصافی حتی فرسایش قدرت ملی که خواسته اصلی نظام استکبار است را پیش می‌برند. تردید آفرینی درباره توان و صنعت دفاعی کشور، ارائه تحلیل‌های نادرست و یکسویه از دستاوردهای جهادی در مقابله با تروریسم تکفیری و جنگ نیابتی جهان استکبار در منطقه، حمایت از واردات کالاهای غربی و گرم کردن بازار مصرف و مصرف‌گرایی و… بخشی از کزراهه انتخابی جریان فاصله‌گرفته و منحرف از ارزش‌های انقلابی است که با خوش‌رقصی در برابر سردمداران نظام لیبرال –دموکراسی در بخش‌هایی ناآگاهانه و در بخش‌هایی آگاهانه صدق همان ضرب‌المثل معروفند که بر شاخه نشسته و بن می‌برند.

مکمل این جریان خودباخته، جنگ شدید رسانه‌ای نظام سلطه و مزدوران وابسته به آنان در سیاه‌نمایی علیه نظام و انقلاب اسلامی است که سعی در مایوس کردن مردم از آینده انقلاب اسلامی دارد. اما در همین حال دستاوردهای منطقه‌ای نیروهای انقلاب از یک سو و عبرت‌آموزی از برخی غفلت‌های داخلی و درک واقعی از نفوذ جریان فاصله‌گرفته از انقلاب و معارض با ارزش‌های انقلابی از سوی دیگر، ضرورت بازگشت به انقلاب و خصلت‌های انقلابی، اتحاد و وحدت بین تمامی مدافعان نظام اسلامی و معتقدان به انقلاب اسلامی و به کارگیری روحیه انقلابی‌گر و جهادی‌گر برای حل مسائل اساسی کشور گوشزد می‌کند. با اتحاد این نیروها که البته مستلزم داشتن بصیرت نافذ، حلم و ایثار انقلابی است، می‌توان چشم‌انداز روشنی پیش روی انقلاب در مرحله دولت اسلامی، یعنی اسلامی شدن کارگزاران نظام، تصور کرد.

آسیب‌هایی چون خودباختگی نسبت به بیگانگان و احساس ترس و وحشت در برابر بیگانگان، تکبر و نخوت نسبت به مردم، اشرافی‌گری و فساد برای دستیابی به امتیازات تاری، حرام‌خواری و دریافت حقوق‌های نجومی، کسلی و تنبلی و کم‌تحرکی در عرصه مدیریتنی و بر زمین ماندن وظایف و حل نشدن مسائل اساسی که کارآمدی نظام ضربه می‌زند و طمع بیگانه و ضدانقلاب را برمی‌انگیزد، تنها با ارزش‌های دینی و انقلابی درمان می‌شود که در رأس آن ترجیح خدمت بر قدرت، مردم‌گرایی و ساده‌بستی، کار جهادی، عدالت‌ورزی و فاصله گرفتن از قبیله‌سالاری، تبعیض و تمکین به قانون است.

ایجاد فضای مثبت نسبت به فسادستیزی، عدالت‌خواهی و وحدت و همگرایی نیروهای وفادار و معتقد به انقلاب اسلامی و تحکرات میدانی برای خدمت به مردم و تکریم محرومان نودیبخش چشم‌انداز روشنی پیش روی انقلاب اسلامی است که می‌تواند همان جهش در عرصه‌های نظامی – امنیتی، فناوری‌های پیشرفته و نفوذ منطقه‌ای جیع بنفش روباه پیر انگلیس خبیث در کنار ادعان برخی از اعضای اتاق‌های فکر آمریکایی مبنی بر تبدیل شدن ایران اسلامی به یک قدرت منطقه‌ای در کنار برخی رفت و آمدهای دیپلماتیک به ایران، نشانگان روند رو به جلو و امیدبخشی است که پشتوانه آن روحيات و انگیزه‌های انقلابی و جهادی بوده است. توسعه این توفیقات هم لازم است و هم مقدور و شدنی است و البته شرط آن هم بازگشت به همان خصلت‌ها و روحیات مولد انقلاب اسلامی و درخشش در صحنه‌های دفاعی، علمی و عمق‌بخشی منطقه‌ای است که امام خامنه‌ای از آن به انقلابی ماندن و انقلابی‌گری یاد می‌فرماید.

نکته‌ونظر

پلاسکوها در حال سوختن

نکته: آتش زبانه می‌کشید و هرچه در مسیرش بود را می‌سوزاند و جای پای سیاه خود را می‌گذاشت و می‌رفت در حالی که کسی قدرت نزدیک شدن به آن را نداشت، گنجشکی با عجله و با تمام توان به آتش نزدیک می‌شد و برمی‌گشت؛ پرسیدند: چه می‌کنی؟ پاسخ داد: در این نزدیکی چشمه آبی هست، من مرتب نوک خود را از آب پر می‌کنم و آن را روی آتش می‌ریزم. گفتند: حجم آتش در مقایسه با آبی که تو می‌آوری بسیار زیاد است و این کار فایده‌ای ندارد؛ گفت: شاید نتوانم آتش را خاموش کنم، اما آن هنگام که خداوند می‌رسد، زمانی که خانه دوستت در آتش می‌سوخد تو چه می‌کری؟ پاسخ می‌دهم هر آنچه از من بر می‌آید!

نظر: در اطفاي حريق سـاختمان پلاسکو ملت ايران هر يك به گونه‌های کمک کردند؛ آتش‌نشانان فداکارانه برای نجات انسان‌ها گرفتار شعله‌های آتش شدند و مردم قدرشناس در حال جبران این ایثار برادران خود هستند؛ از سـوی دیگر سایر مسئولان در حال انجام خدماتی برای بنای مجدد این قطب اقتصادی کشور هستند و همه ملت هم مسئول هستند که مسیر این آتش را به گونه دیگری ببندند.
درست است که پلاسکوی چهار راه استانبول در جلوی دیدگان همه سوخت؛ اما پلاسکوها در حال سوختن بسیارند، ما با خرید کالاهاي خارجی هیزمی بر شعله آنها می‌اندازیم، کاش پیدارتر بودیم و آتش پنهان بر اقتصاد کشورمان را می‌دیدیم و قطره‌ای آب بر شعله‌های آن می‌باشیدیم تا در اشتغال جوانان مملکت‌مان هم سهیم شویم.



تقریظ رهبر معظم انقلاب بر سه کتاب دفاع مقدس

گفت‌وگوی خبرنگار صبح صادق با کسانی که به عشق امام و انقلاب اسلامی مسلمان شدند

در دریای عشق خمینی غرق شدیم

□**معصومه طاهری /** زندگی ساده، چهره عرفانی و مواضع انقلابی حضرت امام خمینی(ره) تصویری از ایشان در دل مستضعفان جهان و ملت‌های آزاده ایجاد کرد و میلیون‌ها جان عاشق را از سیرت خود سیراب نمود؛ دم مسیحایی امام(ره) چنان جان جهانیان را تشنه اسلام ناب کرد که بسیاری از متفکران ادیان دیگر در میانه راه متوجه انقلاب اسلامی ایران شدند و مرید آن حضرت گردیدند. خبرنگار صبح صادق در گفت‌وگو با چند نفر از این اندیشمندان توصیف لحظه‌های شیرین گرایش آنان به سمت انقلاب، اسلام و تشیع را جویا شده است که از نظر تان می‌گذرد.

من لحظه‌ای بدون امام می‌میرم

«روبرت رایکو» (سلمان) تازه‌مسلمان ایتالیایی که متأثر از انقلاب اسلامی و شخصیت امام راحل پژوهش‌ها و مطالعات زیادی انجام داده است و بسیار اشتیاق دارد این مطالب بکر را در اختیار سایر هموطنان ایتالیایی خود نیز قرار دهد، با گلایه از کم‌کاری در این حوزه می‌گوید: «متأسفانه طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی وضعیت ترجمه آثار دینی و انقلاب اسلامی در ایتالیا خیلی کم و ضعیف است. مسلمانان در ایتالیا تشنه فهمیدن اسلام و مفاهیم ناب انقلاب اسلامی و شخصیت امام خمینی(ره) هستند؛ اما در این زمینه کار زیادی نشده است.»

به او گفتم دعا کن امامم را ببینم. گفت: من لحظه‌ای بدون امام باشم می‌میرم. گفتم: تو امام را دیده‌ای؟ گفت: دیدار امام چشم ظاهری نمی‌خواهد، باید با تمام وجود او را دید.

به دلیل علاقه به امام کارم را از دست دادم

«میلاتی فرانکلین» (مرضیه هاشمی) تازه مسلمان دیگر از اهالی ایالت لوئیزیانای آمریکا و دانش‌آموخته رشته رادیو – تلویزیون است که فعالیت‌های زیادی در این حوزه دارد؛ به دلیل اهمیت رسانه در آمریکا رسم بر این است که از شاگردان ممتاز این رشته برای کار در شبکه‌های مختلف دعوت به همکاری می‌کنند. او هم در یکی از شبکه‌های تلویزیونی مشغول به کار شد تا اینکه در سال ۱۳۷۹ زمزمه‌هایی از یک حرکت بزرگ اسلامی در ایران به گوش رسید. وی می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران و به ویژه شخصیت حضرت امام(ره) خیلی من را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد تا در زمینه اسلام و زندگی بزرگان دینی، از جمله امام خمینی(ره) مطالعه کنم و به اسلام روی بیاورم؛ چون الحق مرد بزرگی بود، البته به دلیل تشرّف به اسلام و عقاید دینی و انقلابی و حجابی که داشتم، در جامعه‌ای که مدعی آزادی است، شرایط کاری خود را از دست دادم؛ اما عشقم را نه.»

شرح دعای سحر روی من تأثیر بسیاری گذاشت

پروفسور «کریستین بونو» (یحیی) صاحب کرسی فلسفه در دانشگاه سوربن فرانسه، از جمله کسانی است که به واسطه آثار عرفانی امام خمینی(ره) به اسلام و تشیع گرویده است. رساله دکتری او «الهیات در آثار فلسفی و عرفانی امام خمینی(ره)» در دانشگاه سوربن به عنوان پژوهش سال برگزیده شد. دو کتاب امام؛ از جمله «مصباح‌الهدایه الی خلافة‌الولایه» و «شرح دعای سحر» روی من خیلی اثر گذاشت؛ از این رو تصمیم گرفتم درباره چهره تحریف شده امام خمینی(ره) بنویسم. کم‌کم دریافتم ادیان مختلف اصالت ندارند؛ تنها اسلام شیعی اصالت دارد و ادیان دیگر دین خود را از آن گرفته‌اند. دین یکی است؛ چون خدا یکی است و تنها هدف آن انسان شدن است.

درس امام خمینی جاودانه مانده است

دکتر «علی لینستاد» پزشک نروژی، که در ابتدا عقاید مارکسیستی و کمونیستی داشته، ولی به دین اسلام گرویده است و پس از آشنایی با انقلاب اسلامی، شیفته امام خمینی(ره) شده است، درباره تأثیرات حضرت امام(ره) و انقلاب اسلامی می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران تأثیر بسیار زیادی روی من داشت و به من کمک کرد که مسلمان شوم. امام خمینی(ره) راهنمای بزرگ من در جهت‌گیری دینی و بین‌المللی بود. او الگویی را ارائه داد که چطور یک انقلاب حقیقی باید پیروز شود؛ درسی که برای تمام خاورمیانه جولان مانده است. اکنون آیت‌الله خامنه‌ای راهنما و رهبر است، ان‌شاءالله خداوند راهنمای او باشد و به او طول عمر عنایت کند.»

خبر تحلیلی

موج دوم انقلاب بحرن

□ **جعفر قنادباشی /** آل خلیفه خود را آماده می‌کند تا با موج دوم انقلاب بحرن برخوردی آهنین داشته باشد و به زعم خود، انگیزه انقلابیون را از بین ببرد؛ انگیزه‌ای که برای مقابله با رژیم آل خلیفه در ششمین سالگرد انقلاب این کشور نه تنها فروکش نکرده، بلکه با شدت بیشتری جریان دارد و در آخرین تحولات، مردم بحرن با تجمع مقابل منزل شیخ‌عبسی قاسم، رهبر شیعیان این کشور، علیه رژیم آل خلیفه راه‌پیمایی کردند و همزمان گروه‌های مخالف بحرینی مستقر در خارج با صدور بیانیه‌ای بر پایبندی به خواست و راه شهدا و ادامه حضور در صحنه مقابله با استبداد تأکید کردند.

مدت شش سال از آغاز حرکت بیداری اسلامی در بحرن می‌گذرد و به عبارت دیگر انقلاب مردم این کشور در آستانه ورود به هفتمین سال حیات و حرکت خود قرار دارد؛ ولی به‌هیچ‌وجه از ظرفیت انقلاب برای ادامه راه و از انگیزه‌های مردم برای رسیدن به اهداف‌شان کاسته نشده است و این به معنای استثنایی بی‌سابقه و بی‌نظیر در بین کلیه انقلاب‌های جهان است و بسیار مهم‌تر اینکه مردم انقلابی بحرن در طول این شش‌سال، تنها با اقدامات سرکوبگرانه و انواع خدعه‌ها و فریبکاری‌های رژیم آل خلیفه روبه‌رو نبوده‌اند؛ بلکه همزمان اقدامات خسونت‌آمیز نیروهای سرکوبگر رژیم عربستان و دیگر امیرنشین‌ها و سلطان‌نشین‌های منطقه را با عنوان «نیروی سیر جزیره» تجربه کرده‌اند. در همین حال، دولت آمریکا با هدف جلوگیری از فروپاشی پایگاه دریایی بسیار مهم خود در بحرن (مرکز فرماندهی پنجم نیروی دریایی آمریکا) و انگلیس به لحاظ برنام‌ها و سیاست‌های جدید خود برای احیای پایگاه نظامی سابقش در بحرن در طول این شش سال بیشترین حمایت‌ها را از رژیم آل خلیفه به عمل آورده و به صورت غیر مستقیم و گاهی مستقیم در سرکوب انقلاب مردم بحرن، با هدف تثبیت و تحکیم پایه‌های لرزان حکومت پادشاهی مشارکت داشته است.

اخبارویژه

اوهام پهلوی

پایگاه آمریکایی «ریت بارت» ضمن مصاحبه با «رضا پهلوی» فرزند شاه مخلوع ایران اظهارات وی را بازتاب داده است. رضا پهلوی مدعی شده است: «با مرگ [دردگشت] رفسنجانی نشانه‌هایی از شروع تکه‌تکه شدن حکومت ایران به چشم می‌خورد و در نهایت نیز به فروپاشی آن خواهد انجامید.» وی گفته است: «ما می‌دانیم که حکومت فعلی ایران به صورت داوطلبانه صحنه را ترک نخواهد کرد و به همین علت ما کمپین مقاومت و نافرمانی مدنی را تشکیل داده‌ایم. ما با افراد زیادی در ایران در تماس هستیم که نماینده دیدگاه‌های اقشار مختلف هستند.» این اظهارات نشان می‌دهد که فرزندان پهلوی هیچ‌گونه شناختی از ایران ندارند و بر اساس اوهام خود سخن می‌گویند.

ششمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت به همراه انتشار سه تقریظ حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بر کتاب‌های «وقتی مهتاب گم شد»، «گلستان یازدهم» و «دختر شینا» برای اولین بار با تقدیر از راویان و نویسندگان این کتاب‌ها در شهر همدان برگزار خواهد شد.

گفت‌وگوی خبرنگار صبح صادق با کسانی که به عشق امام و انقلاب اسلامی مسلمان شدند

در دریای عشق خمینی غرق شدیم

□**معصومه طاهری /** زندگی ساده، چهره عرفانی و مواضع انقلابی حضرت امام خمینی(ره) تصویری از ایشان در دل مستضعفان جهان و ملت‌های آزاده ایجاد کرد و میلیون‌ها جان عاشق را از سیرت خود سیراب نمود؛ دم مسیحایی امام(ره) چنان جان جهانیان را تشنه اسلام ناب کرد که بسیاری از متفکران ادیان دیگر در میانه راه متوجه انقلاب اسلامی ایران شدند و مرید آن حضرت گردیدند. خبرنگار صبح صادق در گفت‌وگو با چند نفر از این اندیشمندان توصیف لحظه‌های شیرین گرایش آنان به سمت انقلاب، اسلام و تشیع را جویا شده است که از نظر تان می‌گذرد.

در دریای عشق خمینی غرق شدیم

«فلپپ یاز» (عبدالکریم) امام جماعت آرزانتین از شخصیت‌های برجسته و شناخته شده در آرزانتین است که پس از تشرّف به اسلام برای نشر مبانی دینی فعالیت زیادی داشته است. وی می‌گوید: «پس از آنکه شیعه شدم، بعضی افراد بر من تأثیر گذار بودند؛ از جمله علامه طباطبایی که کتاب‌های‌شان را ترجمه کرده‌ام، شهید مطهری و در رأس همه امام راحل(ره) که بسیار بر من اثر داشت. چهره ایشان، بیان‌شان و نوشته‌های‌شان همه جالب و مؤثر بود. امام را نماینده واقعی انبیا می‌دیدم؛ شخصیتی باعظمت و قدرتمند که در مقابل فرهنگ سکولار غربی محکم ایستاد و موفق هم شد. در سال ۶۶

برای جشن ۲۲ بهمن ما را به تهران دعوت کردند و به جماران بردند، وقتی امام(ره) آمدند، چهره نورانی و جاذبی داشتند. همه بلند شدند و شعار دادند. ما که نمی‌فهمیدیم، تنها «اشهد ان لا اله الا الله» می‌گفتیم و از دیدن امام گریه می‌کردیم. آن روز در دریای عشق امام غرق شدیم؛ بعداً سخنان امام را برای ما ترجمه کردند.»

رهبر معظم انقلاب، شاگرد اصلح امام خمینی(ره) است

«تینا ماری هاسکی» که پس از مسلمان شدن نامش را «نجمه ترابیان» گذاشته است، متولد آمریکاست و با همسر ایرانی‌اش در شیراز سکونت دارد. وی در گفت‌وگو با صبح صادق درباره امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) گفت: «من رهبر انقلاب را خیلی دوست دارم. همیشه آرزو داشته‌ام یک بار به دیدن ایشان بروم. نزدیکان یا به هر کسی که به دیدار امام خامنه‌ای رفته، توصیه می‌کنم کاری نکنم تا من هم به دیدارشان بروم، برای‌شان شعر بخوانم یا کتابی را که به نام «مثلث عشق» نوشته‌ام، تقدیم‌شان کنم و برایم امضا کنند؛ اما تا حالا قسمت‌م نشده‌است. معتقدم ایشان مانند خلبان یک هواپیمای مسافربری است که در هر شرایطی هواپیما را هدایت می‌کند تا به سلامت به مقصد برسد. ما مسافران اصلاً متوجه خطرات نیستیم؛ چون به خلبان اعتماد داریم. او نمی‌خواهد برای کسی اتفاق بدی بیفتد. رهبر معظم انقلاب، شاگرد اصلح امام خمینی(ره) است. من خیلی دوستش دارم و حرف‌هایش را گوش می‌دهم.»

رهبری بزرگ که مهر بانانه صحبت می‌کند

«اگوستین زوالیوس» جوان هنرمند آرزانتینی است که پس از تشرّف به اسلام نام «خلیل» را بر خود نهاده است. وی در شهر بوئنوس آیرس و در خانواده‌ای کاتولیک و معتقد به مسیحیت متولد شد. خلیل از همان بچگی به هنر علاقه زیادی داشت؛ از این رو در رشته نقاشی و مجسمه‌سازی تحصیلات دانشگاهی دارد؛ اما از وقتی که به لطف خدا با اسلام آشنا شد و به تشیع گروید، همه چیز را به حال خود رها کرد و برای جست‌وجوی حقیقت تشیع و تکمیل باورهای دینی‌اش راهی ایران شد و در رشته فقه و معارف اسلامی مشغول به تحصیل گشت تا روزی بتواند در کشورش فعالیت دینی و تبلیغی داشته باشد و دیگر هموطنانش را هم با طعم دلچسب اسلام آشنا کند.

خلیل می‌گوید: «چندی پیش امام خامنه‌ای نامه‌ای خطاب به جوانان اروپایی و آمریکایی نوشتند، ما ترجمه آن را در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌هایی که می‌توانستیم منتشر کردیم تا همه کسانی که ایشان را نمی‌شناسند بدانند رهبر مسلمانان جهان کیست و چه پیامی دارد؛ به ویژه آنکه ایشان در نامه آورده بودند ظرف ده دقیقه می‌توانید رژیم صهیونیستی را نابود کنید. این جمله کوتاه، اما تأثیر گذار بسیار شجاعانه بود؛ زیرا معظم‌له نابودی رژیم صهیونیستی را که خیلی‌ها آن را قدرتی بزرگ می‌دانند، به راحتی اعلام کردند و برای همین بیشتر مردم دوست داشتند و خوشبختانه نامه با استقبال هم روبه‌رو شد. پس از انتشار خیلی‌ها دوست داشتند بدانند رهبر مسلمانان جهان چه نوشته است. از سویی وقتی سبک نوشتاری ایشان را می‌دیدند، بیشتر شوق و اشتیاق نشان می‌دادند که چطور رهبری بزرگ، مهربانانه با آنها صحبت می‌کند؛ انگار با فرزندان‌شان حرف زده بود؛ برخلاف تصویری که رسانه‌ها مدام از ایشان و اسلام نشان می‌دهند و این نشان از آگاهی و شناخت رهبر اسلام دارد که نامه را در بهترین موقعیت زمانی نوشتند.»



واقعیت این است که اعتراضات انقلابی مردم بحرن-با جمعیتی کمتر از یک میلیون نفر از چنان بسامد پرقدرتی برخوردار است که ابتکار عمل را از دست آل خلیفه و هم‌پیمانانش خارج کرده و به مثابه سدی محکم در برابر مظالم استکبار در منطقه عمل می‌کند.

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که موج اعتراضات خشمگینانه مردم بحرن پس از اعدام‌های اخیر، شدت خواهد گرفت و با واکنش مقامات امنیتی این کشور، شرایط به سمت تحولات جدیدتر و در نهایت به سوی پیروزی کامل پیش خواهد رفت.

منبع: پایگاه خبری – تحلیلی بصیرت

روی خط خبر

اثر برجام

در حالی که برخی از جریان‌های داخلی با استفاده از برجام به دنبال بزک کردن چهره آمریکا بودند، اکنون یکی از مراکز نظر‌سنجی آمریکا اعلام کرده است، مردم ایران به آمریکا بدبین‌تر شده‌اند. بر اساس نظر‌سنجی دانشگاه مرلند، در پاسخ به این پرسش که چرا برجام هنوز شرایط اقتصادی مردم را بهتر نکرده است، ایرانی‌ها عمدتاً گفته‌اند دلیل آن دخالت‌های آمریکاست. حدود ۷۷ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند، اعتمادی به پایبندی آمریکا به تعهداتش ندارند و ۹۰ درصد اظهار داشته‌اند، آمریکا تحریم‌ها را یا برنداشته یا تأثیرات منفی تحریم‌ها را نگه داشته است.

مسلمان شدن سرباز روسی

یک سرباز روسی در جریان دیدار با «صلاح مؤریف» مفتی چچن در حلب که هفته گذشته وارد این شهر در شمال سوریه شده است، اسلام می‌آورد و در مسجد تخریب شده «هوی» در حلب نماز می‌گزارد. در فایل ویدئویی منتشر شده که هیئت رسانهای همراه مفتی چچن آن را تهیه کرده است، سرباز روسی، که از افراد «پلیس نظامی» است، در حضور صلاح مؤریف با بیان شهادتین اسلام می‌آورد.

کاسه داغ‌تو از آش

عربستان به اندازه‌ای جزیره‌خوار صهیونیست‌ها شده است که حتی ادعاهای دروغ آنها را هم پیگیری می‌کند. یک مجله سعودی وابسته به خاندان سلطنتی این رژیم در اقدامی بی‌سابقه مقاله‌ای از یک روزنامه‌نگار برجسته صهیونیستی با عنوان «ایران باید جولوگو باشد» را چاپ کرده و در آن ادعاهایی درباره نقش ایران در بمب‌گذاری بوئیس آیرس مطرح کرده است. این در حالی است که دادگاه‌های آرزانتین این پرونده دروغین را از دستور کار خارج کرده‌اند.

نحوه وفات آیت‌الله هاشمی

دکتر سید محمود علیزاده طباطبایی، وکیل خانواده مرحوم آیت‌الله هاشمی در گفت‌وگو با روزنامه «آرمان» جزئیاتی از نحوه فوت وی مطرح کرده و گفته است: «آیت‌الله هاشمی هفته‌ای دو جلسه ورزش می‌کردند و روز یکشنبه برای ورزش به استخر «کوشک» رفته بودند. این استخر تحت نظارت حفاظت مجمع تشخیص صلحت نظام بود و شخص دیگری نمی‌توانست از آن استفاده کند. آیت‌الله هاشمی اجازه نمی‌دادند که در زمان ورزش ایشان دوربین‌ها روشن باشد و محافظان نیز در اطراف ایشان حضور نداشتند. به همین دلیل هنگامی محافظان ایشان از مسئله مطلع می‌شوند که کار از کار گذشته بود؛ یعنی آیت‌الله هاشمی قبل از اینکه به بیمارستان برسند، رحلت کرده بودند. ایشان تا ساعات ۵ عصر در مجمع تشخیص صلحت حضور داشتند. پس از آن نماز خود را می‌خوانند و برای ورزش وارد آب می‌شوند. پس از مدتی که ایشان وارد آب می‌شوند، گویا عارضه قلبی رخ می‌دهد.»

فروپاشی نظام بانکی

محمد جواد شریف زاده اقتصاددان با تشریح وضعیت سیستم بانکی و بیان این که بازی باخت-باخت در شبکه بانکی شروع شده است گفت: بانک‌ها یکی پس از دیگری در حال ورشکستگی هستند اما با حمایت بانک مرکزی روی پا ایستاده‌اندوی گفت: متأسفانه بحث ورشکستگی بانک‌ها از سوی تصمیم‌گیرندگان اقتصادی جدی گرفته نشده است اما واقعیت این است که بانک‌ها به هر علتی که بحث روی آن بسیار مفصل است، با کاهش سوددهی در گام اول و زیان‌دهی در مرحله دوم مواجه شده‌اند و تسهیلات زیادی پرداخت کردند که هنوز بازنگشته است.در این شرایط بانک‌هاخودشان متقاضی پول شده‌اند تا بدهی‌های خود را تسویه بپردازند.شریف زاده اضافه کرد: ممکن است برخی از بانک‌ها در صورت‌های مالی خوب سود درج کنند اما سود این بانک‌ها در واقعیت عملیاتی نیست و با این حساب با واگذاری یک ملک به زیرمجموعه خود بوده است که از محل آن سود شناسایی شده است.

احکام سنگین برای سخنرانی اربعین

در حالی که صهیونیست‌ها در آذربایجان شوروی برای هر اقدامی در این کشور آزادند، اما شیعیان به دلیل برگزاری مراسم اربعین به احکام سنگین محکوم می‌شوند. جلسه‌نهایی دادگاه جرایم سنگین باکو، در زمینه محاکمه طالع باقرزاده، رهبر «جیش اتحاد مسلمانان جمهوری آذربایجان» و

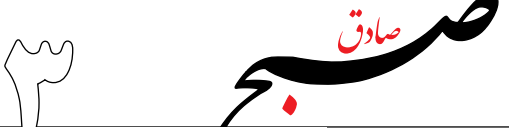
۱۷ متهم دیگر پرورنده حوادث «نارداران» برگزار شد و متهمان با ۲۰ سال زندان محکوم شدند. گفتنی است شیعیان نارداران اربعین سال گذشته برای برگزاری مراسم عزاداری دور هم جمع شده بودند و حجت‌الاسلام طالع باقرزاده نیز برای آن سخنرانی می‌کرد که پلیس به این تجمع یورش برد و چهار نفر را به شهادت رساند و طالع باقرزاده را به همراه چند نفر دیگر دستگیر کرد.



کیی ریگان

روزنامه وال‌استریت ژورنال در مطلبی نوشت: «به گزارش منابع آگاه، دولت ترامپ در حال استفاده از فرماندهان نظامی آشنا به مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی در شورای امنیت

ملی و به دنبال محدود کردن قدرت ایران در خاورمیانه است. مقامات فلتی و سابق آمریکایی معتقدند که ترامپ بعد از رونالد ریگان بیش از هر رئیس‌جمهور ایالات متحده تا اندازه زیادی برای حل مسائل امنیتی ملی به کارکنان نظامی وابسته است.»



تبیین

مؤلفه‌های کلیدی تصمیم‌گیری و اجرا از منظر امام‌خامنه‌ای (۳)

□ حسن‌خدادی/ رهبر معظم انقلاب در جایگاه تعیین‌کننده راهبردها و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی، مؤلفه‌هایی را برای تصمیم‌گیری و اجرای همه مسئولان در نظر گرفتند که در ادامه با عنایت به بیانات ایشان، این مؤلفه‌ها بررسی خواهد شد. معظم‌له با اشاره به سه مؤلفه کلان «آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی»، «راهبردهای عمومی و کلی» و «واقعیات» وظیفه همه مسئولان و دولت جمهوری اسلامی ایران را در نظر گرفتند این سه مؤلفه در نظام تصمیم‌گیری و اجرا می‌دانند. در شماره پیش سه شاخصه از مؤلفه اول (اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، پرهیز از تجر و ارتجاع، بدعت و التقات و ایجاد رشد اقتصادی محور) بررسی شد و در این شماره سایر شاخصه‌های مؤلفه اول بررسی خواهد شد.

۱- اقتصاد اسلامی؛ رشد و پیشرفت اقتصادی و داشتن اقتصادی قدرتمند از نیازهای پایه‌ای هر کشور برای ایفای نقش اساسی در سطح بین‌الملل است. امروزه، قدرت و نفوذ اقتصادی می‌تواند ابزاری برای اشاعه فرهنگی کشورها باشد. بسیاری از امور فرهنگی نیازمند سرمایه‌گذاری بجا و مناسب است که لازمه آن اقتصادی پویا و توانمند است. نظام اقتصاد اسلامی با سه مفهوم «رانت»، «ریا» و «فخرفروشی» در مبارزه است و معظم‌له در این باره می‌فرمایند: «شاخصه اصلی و عمومی این تمدن... در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر است.» (۱۳۹۲/۱۲/۱۹) «اسلام روش خاص خود را دارد. مسلکی در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن سلك را طی می‌کند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد؛ اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد.» (۱۳۷۲/۵/۱۲)

۲- گسترش اخلاق انسانی؛ تمدن اسلامی مبتنی بر جامعه‌ای است که در آن فرد انسان به مقام عبودیت می‌رسد و از این طریق خلق و رفتار این جامعه هم الهی می‌شود. «جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد؛ یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلق به اخلاق‌الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف باید از آن است.» (۱۳۹۰/۱۲/۱۹)

۳- دفاع از مظلومان عالم؛ حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) که خود نماد عدالت و دفاع از مظلوم بودن، سفارش فرمودند که باور مظلومان باشید و در برابر ستمگران بایستید. از این نظر، رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسیع ما باشد وظیفه ما است؛ اسلام به ما گفته است که «کُونُوا لِلْمَظْلُومِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» - این سفارش امیرالمؤمنین است - ما نمی‌گوییم «انْتَصِرْ أَحَاكُم ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» این شعار جاهلی است؛ می‌گفتند اگر بردارت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی. قرآن این را نمی‌گوید؛ معرفت اسلامی این را منع می‌کند. نخیر؛ ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جولی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هر کسی هست باید از او حمایت کرد.» (۱۳۹۲/۱۲/۱۶)

۴- فرهنگ کار و نوآوری؛ یکی از نقاط تمایز کشورهای پیشرفته با کشورهای عقب مانده، فرهنگ کار است. کشوری مانند ژاپن بخش بیشتر توسعه خود را مدیون فرهنگ کار آن جامعه است. به گفته معظم‌له، «یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار، با نداشتن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمی‌شود به اهداف عالی دست پیدا کرد. اینکه می‌بینید جامعه اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال - دو صد سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه ما داریم می‌خوریم، این به خاطر غفلت‌ها بود.» (۱۳۹۰/۱۱/۱۹)

یادداشت

اولویت‌های حکیم برای پیشبرد انقلاب

□ اکبر ادراکی/ انقلاب اسلامی در آستانه پنجمین دهه حیات طبیه خود قرار دارد و برای رسیدن به افق‌های خود راهی طولانی را باید طی کند. حکیم بزرگ انقلاب اسلامی که مدیریت نهضت از پس از بنیانگذار انقلاب بر عهده دارند، با بیان مراحل پنج‌گانه تمدن اسلامی، موقعیت کنونی نهضت و آنچه را که پیش روی ماست، ترسیم کرده‌اند. معظم‌له در بیست‌وهفتمین سالگرد رحلت امام خمینی(ره) با بیان اینکه امام بزرگوار ریل حرکت کشور را به سمت هدف‌های بزرگ، یعنی «حاکمیت دین خدا»، «تحقق عدالت اجتماعی واقعی»، «ریشه‌کنی فقر و جهل»، «ریشه‌کنی استضعاف و آسیب‌های اجتماعی»، «برقراری منظومه ارزش‌های اسلامی»، «تأمین سلامت جسمی، اخلاقی و معنوی»، «پیشرفت علمی کشور»، «تأمین عزت و هویت ملی و اقتدار بین‌المللی» و «فعال کردن ظرفیت‌های کشور» تغییر دادند، از ضرورت تلاش برای رسیدن به آرمان‌ها سخن گفتند.

برای تحقق اهداف متعالی فوق، کلام حکیم انقلاب سال‌هاست که در حال ریل‌گذاری بوده و اولویت‌هایی را در عرصه‌های مختلف کشور تبیین و هدف‌گذاری کرده‌اند. رهنمودهای راهبردی معظم‌له را می‌توان در دو حوزه «خودشناسی» و «دشمن‌شناسی» تقسیم کرد.

الف - در حوزه دشمن‌شناسی گزاره‌های زیر، دکترین‌های راهبردی تفکر ایشان را تشکیل می‌دهند: ۱- دشمن‌شناسی (شامل ضرورت شناخت دشمن، هوشیاری در برابر دشمن، تبعیت نکردن از دشمن، اعتماد نکردن به دشمن، ایستادگی در برابر دشمن، شناخت توطئه‌ها و سناریوهای دشمن، اعم از تهدید نظامی، نفوذ و براندازی، جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای، تهاجم فرهنگی، تحریم‌های اقتصادی، کودتای مخملین و...)؛ ۲- مبارزه با آفات و انحرافات (شامل عافیت‌طلبی، دنیازدگی، فقر و فساد و تبعیض، تکاثر و ثروت‌اندوزی، محافظه‌کاری، خستگی و انفعال و وادادگی، استحاله و فراموشی آرمان‌ها و...)؛

ب- در حوزه خودشناسی و بخش‌هایی که باید تلاش همه‌جانبه در آن انجام گیرد، حکیم فرزانه انقلاب به چند عرصه تأکید ویژه داشته‌اند: ۱- عرصه سیاسی (مواردی از قبیل مردم‌سالاری دینی، حفظ وحدت ملی، تأمین امنیت ملی، حفظ استقلال سیاسی، عدالت‌خواهی و گسترش عدالت، تثبیت و تأمین آزادی و آزاداندیشی، ثبات و آرامش سیاسی، شایسته‌سالاری، کارآمدسازی نظام سیاسی و...)؛ ۲- عرصه اقتصادی (مواردی از قبیل طرح‌ریزی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، شکوفایی اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، تقویت ساخت درونی، مدیریت جهادی، اصلاح الگوی مصرف، حمایت از تولید داخلی و خرید کالای ایرانی، حل مشکلات بیکاری و...)؛ ۳- عرصه فرهنگی - اجتماعی (مواردی شامل تقویت هویت اسلامی و انقلابی، تقویت خودباوری ملی، سبک زندگی اسلامی - ایرانی، جهاد علمی و جنبش نرمنافزاری، مسئله جمعیت، تربیت اسلامی نسل‌های آینده، نشاط و پویایی جامعه و...)؛

اما آنچه می‌توان از آن به موتور محرک و دال مرکزی گفتمان تحول و تمدن‌سازی اسلامی یاد کرد، روحیه مجاهدت و انقلابی‌گری است. به واقع، هر یک از موارد برشمرده از عرصه‌های جهادی است که ورود به آن نیازمند مجاهدان راه حق است و بدون روحیه جهادی امکان موفقیت در آن وجود ندارد. «روحیه جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن. کار را وظیفه خود دانستن، همه نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیه جهادی است.» (۹۴/۷/۲۲)

این تعبیر حکیم انقلاب اسلامی می‌تواند امیدبخش قلوب همه مجاهدانی باشد که زندگی خود را وقف تحقق آرمان‌های بزرگ یک ملت کرده‌اند؛ «راهی که خداوند متعال و اسلام را به ما می‌آموزد، این است: «فلذلک فادع و استقم کما امرت و لا تتبع اهلوائهم» راهی را که شناختید، با دقت پیش بروید، قدم‌ها را محکم و استوار بردارید و استقامت به‌خرج بدهید. اگر استقامت به خرج دادیم، آن وقت به اهداف عالی اسلامی خواهیم رسید. میدار انسان انقلابی است که می‌تواند به پیش برود، افق‌های دوردست را در نظر بگیرد و امیدوار باشد که به آنها دست خواهد یافت.» (۹۰/۱۷/۲۷)

سردار حاجی‌زاده با طرح سوالاتی گفت: چرا الگوی صحیح به سایر بخش‌ها داده نمی‌شود و چرا دشمنی آمریکا جدی گرفته نمی‌شود؟ چرا فکر می‌کنیم ملت ایران توان حل مشکل خود را ندارد؟ چرا یک روز تصور می‌کنیم حل مشکل امروز کشور سخت‌تر از حل مشکلات در دوران دفاع مقدس است؟ ما آن دوره را با سربلندی طی کردیم، در طول هشت سال دفاع مقدس یک وجب از خاک کشور جدا نشد، در صورتی که پیش از انقلاب در هر جنگی قطعاتی از سرزمین ایران جدا می‌شد.



چرا الگوی صحیح داده نمی‌شود؟

رهیافت

استقبال همدفند از تأکید عارف بر حمایت از روحانی

□ حسین عبداللهی‌فر/ هفته گذشته عارف بار دیگر بر عبور نکردن اصلاح‌طلبان از روحانی تأکید کرد و گفت: «قطعاً از روحانی عبور نخواهیم کرد.» این سخن عارف اگرچه تکراری بود و تازگی نداشت؛ اما با استقبال وسیع رسانه‌های وابسته به اعتدال و اصلاحات روبه‌رو شد. تا جایی که روزنامه «شهروند» که همواره تیتیر غیر مستقیم سیاسی را انتخاب می‌کرد، در شماره (۵۶) تیتیر یک خود را به «از روحانی عبور نمی‌کنیم» اختصاص داد و از قول عارف نوشت: «نظر شخصی من این است که باید حتی‌الامکان مسیصر سال ۹۲ طی شود و جریان اصلاح‌طلبی و شورای عالی سیاست‌گذاری از آقای روحانی حمایت کنند.»

«اعتماد» هم «از روحانی عبور نمی‌کنیم» را از قول عارف تیتیر کرد و نوشت: «به نظر او مهم‌ترین راهبرد اصلاح‌طلبان در شورای سیاست‌گذاری در سال ۹۴ این بود که گفتمان اصلاحات در سال ۹۲ را ادامه دهند و در انتخابات ۹۶ هم همین راهبرد را دنبال خواهند کرد.»

«آفتاب یزد» نیز به نقل از عارف «قطعاً از روحانی عبور نمی‌کنیم» را تیتیر کرد و نوشت: «مهم‌ترین راهبرد ما در زمان تأسیس شورای عالی، حفظ راهبرد انتخابات سال ۹۲ بود و در دوره جدید این شورا نیز در کنار بالا بردن مشارکت مردم، حفظ دستاورد جریان اصلاحات مهم‌ترین راهبرد ما در شورای عالی اصلاح‌طلبان است. بر این اساس قطعاً از روحانی عبور نخواهیم کرد و سعی می‌کنیم همان رویکرد را نسبت به حمایت از رئیس‌جمهور فعلی حفظ کنیم و قطعاً از ایشان حمایت می‌کنیم.»



این پوشش خبری گسترده که در سایر روزنامه‌ها و رسانه‌های اصلاحات صورت گرفت، به دلیل تکراری بودن مواضع مطرح شده و تیتیر کردن این بخش از سخنان عارف که بر عبور نکردن از روحانی تأکید داشته، این سؤال را ایجاد می‌کند که علت این استقبال چیست؟

۱- برداشته شدن مانعی به نام عارف برای معرفی نامزدی غیر از روحانی

بخشی از این استقبال از جانب کسانی صورت می‌گیرد که خواستار معرفی نامزدی جایگزین روحانی بوده؛ اما عارف را مانع راه خود می‌دانستند؛ از این رو از نظر این گروه، تأکید عارف بر عبور نکردن از روحانی به مفهوم انصراف خودش از نامزدی و برداشته شدن مانع آنها برای معرفی نامزد مدنظرشان است. در این زمینه اظهار نظر عطریانفر، عضو ارشد حزب کارگزاران سازندگی کاملاً گویاست. وی با اعلام اینکه برای عارف نامزدی ریاست‌جمهوری منصور نیستیم، می‌گوید: «اگر بخواهیم ارزیابی واقع‌بینانه و قابل دسترس پیدا کنیم، افرادی مناسب‌تر از جهانگیری و نجفی خواهیم داشت، چراکه این دو بزرگوار هر دو در این صلاحیت و کفایت را دارند؛ اما آقای جهانگیری به اعتبار اینکه در موقعیت معاون اول و در مسائل به روز است و مأموریت‌های بسیار مهمی را از طریق دولت دنبال می‌کند، حتی نسبت به آقای نجفی در اولویت قرار می‌گیرد.»

۲- فشار به روحانی برای پذیرش نامزد جایگزین از سوی اصلاح‌طلبان یکی از دلایل اصلی پوشش وسیع سخنان عارف از آن روست که وی ضمن تأکید بر حمایت از نامزد واحد، این پیام را نیز به روحانی می‌دهد که حمایت آنها مشروط بوده و اصلاح‌طلبان همچنان بر گزینه جایگزین خود اصرار داشته و نمی‌توانند چک سفید امضا بدهند. این پیام را عارف به شکل واضحی با عنوان خستگی روحانی مطرح کرده که به مذاق برخی خوش نیامده است. وی در یک گفت‌وگوی خبری اعلام کرد: «ما قطعاً یک کاندیدای واحد خواهیم داشت، شورای سیاست‌گذاری با یک کاندیدا در انتخابات شرکت می‌کند. نامی اصل ما بحث رّد صلاحیت روحانی وجود داشته باشد، چراکه به هر حال رئیس‌جمهور کشور است و ویژگی‌هایی که داشته تغییر نمی‌کرده است. من نسبت به رّد صلاحیت او نظر خاصی ندارم و بعید می‌دانم او رّد صلاحیت شود، مگر اینکه او به هر دلیلی مانند خستگی یا گرفتاری تمایل نداشته باشد بیاید؛ اگر تمایل داشته باشد و بیاید مبنای ما بر کاندیدای واحد خواهد بود؛ اما حتماً کاندیدا خواهیم داشت. قاعدتاً افرادی که تمایل دارند می‌آیند و ممکن است از جریان اصلاحات وارد شوند؛ اما در نهایت ما فقط از یک کاندیدای واحد حمایت خواهیم کرد.»

رخداد

چرایی تأسیس نخستین مرکز فرماندهی ناتو در خلیج فارس

□ محمد رضا مرادی/ در چند ماه اخیر خلیج فارس شاهد تحولات بسیار مهمی بوده است که برخی از این تحولات از نگاه رسانه‌ها چندان جدی گرفته نشده‌اند؛ اما می‌توانند سبب تغییرات مهمی در خلیج فارس شوند. اولین خبر مربوط به بازگشت انگلیس به خلیج فارس پس از چهار دهه می‌شود. چند ماه پیش انگلیس پایگاه دریایی جدید خود را در بحرین افتتاح کرد. این پایگاه نظامی دریایی اولین پایگاه دائمی بریتانیا در خلیج فارس طی ۴۰ سال گذشته است و این کشور قصد دارد حدود ۶۰۰ نیروی نظامی را در این پایگاه مستقر کند. نیروهای ویژه امنیتی نیز از این پایگاه که در بندر «مینا سلمان» بحرین واقع شده است، برای مقاصد خود استفاده می‌کنند. این خبر از آنجا اهمیت دارد و مورد توجه کارشناسان قرار گرفته که انگلیس همواره یکی از کشورهای بحرانباز در منطقه بوده است. بیشتر کارشناسان معتقدند، با توجه به نگاه ترامپ در سیاست خارجی (که بیشتر تأکید کرده است از کشورهای عربی در صورت دریافت پول حمایت می‌کند) کشورهای عربی دست به دامان انگلیس شده‌اند. دومین جز به تأسیس مرکز فرماندهی ناتو در کویت مربوط می‌شود که اواخر هفته گذشته منتشر شد.



این مرکز فرماندهی طی نشست‌هایی با حضور «ینس استولتنبرگ»، دبیر کل ناتو و در چارچوب طرح ابتکاری نشست استانبول برای همکاری بین کشورهای عرب خلیج فارس و ناتو تأسیس شده است. دبیر کل ناتو در این نشست‌ها می‌شود، این نشست‌ها در نوع خود نخستین مرکزی است که «با هدف ایجاد همکاری در ثبات منطقه در بلنمدت» در منطقه خلیج فارس تأسیس شده است. وی افزود: مرکز مذکور برای همکاری بین ناتو و شرکای آن در خلیج فارس در همه زمینه‌ها، به ویژه در زمینه جنگ علیه تروریسم فعال و پویا خواهد بود. نکته جالب در این باره این است که ناتو با شعار مبارزه با تروریسم به خلیج‌فارس قدم نهاده است؛ در حالی که این سازمان همواره عامل جنگ در منطقه بوده است.

مروری بر کارنامه پر از جنگ ناتو نشان می‌دهد، این کشور به هر جایی که وارد شده، ناامنی و کمک به رشد تروریست‌ها را به همراه داشته است. پس از آغاز جنگ افغانستان و جنگ عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نیروهای ناتو در چهارچوب جنگ علیه تروریسم، حوزه فعالیت‌های خود را به داخل مرزهای این دو کشور گسترش دادند که سبب نابودی زیرساخت‌های این کشورها و فراهم شدن زمینه برای رشد تروریست‌ها شد. لیبی نیز مهم‌ترین نمونه در این زمینه است که ناتو و آمریکا به آن حمله و قذافی را برکنار کردند. اکنون از لیبی تنها یک نام وجود دارد و کشور عملاً چند پاره شده و داعش بر بخش‌هایی از آن مسلط شده است. پس از گذشت دو سال از انقلاب لیبی و سقوط حکومت دیکتاتور «معمر قذافی»، ثروت نفتی لیبی از سوی آمریکا و ناتو کنترل می‌شود. آمریکا و متحدانش به ویژه انگلیس و فرانسه، تحت پوشش قطعنامه سازمان ملل درباره «منطقه پرواز ممنوع» و «حفاظت از غیر نظامیان» لیبی به این کشور وارد شدند؛ اما نسبت به زمان حکومتی قذافی اکنون غیر نظامیان بیشتری زیر «حفاظت» آمریکا و ناتو جان خود را از دست داده‌اند.

اما ناتو از تأسیس مرکز فرماندهی خود در خلیج فارس به دنبال چیست؟ نفوذ ایران در منطقه سبب شده است تا هم کشورهای عربی و هم کشورهای غربی احساس شکست کنند. این مسئله از آنجا بسیار با اهمیت است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اعتقاد دارد سیاست خود را بر پایه نگاه به درون بنیان نهد. این به معنای کاهش توجه آمریکا به منطقه است؛ از این رو کشورهای عربی برای جلوگیری از نفوذ بیشتر ایران دست به دامان کشورهای اروپایی شده‌اند. بنابراین، بازگشت انگلیس به خلیج فارس پس از چهار دهه و تأسیس مرکز فرماندهی ناتو در کویت را باید در راستای تلاش برای سدّ نفوذ ایران از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تفسیر کرد.

اخبار

یاد سخنان رهبری افتادم



حجت‌الاسلام مهدی شیخ نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس درباره فرمان اجرائی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جدید آمریکا گفت: «من با این فرمان ترامپ، یاد فرمایش رهبری افتادم که گفتند هر یک از اینها «ترامپ یا کلینتون» روی کار بیایند، می‌توانند آمریکا را نابود کنند و ترامپ هم ظاهراً در همین جهت در حال حرکت است.» شیخ با یادآوری اینکه آمریکا از این‌گونه اقدامات علیه ایران زیاد داشته است، اما هیچ وقت هم از آنها طرفی نبسته است، گفت: «محدودسازی صدور روایت برای ایرانیان به جز ضربه به خود آمریکا نتیجه‌ای برایش ندارد و آسیبی به ما وارد نمی‌کند.» عضو فرانسویون امید مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه نگرانی از بابت این تصمیم دولت آمریکا ندارد، خاطر نشان کرد: «این گونه حرکت، وجهه آمریکا را نزد دوستانش تخریب می‌کند.» عبدالحمید نقره‌کار، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت با بیان اینکه راهبرد عملی و سیاست‌های کلی آمریکا با تغییر رئیس‌جمهور تغییر نمی‌کند، گفت: «برنامه‌های کلی آمریکا مربوط به سه‌ویست‌ساله‌های حاکم بر این کشور است؛ آنها تمام حرف‌هایشان دروغ است و هرگاه از مقابله با تروریسم و دفاع از حقوق بشر صحبت کردند، برعکس عمل کردند و به جای اینکه با تروریست‌ها که اساس آن از تکفیری‌ها و عربستان سعودی است، مقابله کنند، آنها را پرورش می‌دهند و با کشورهای مخالف تروریست مقابله می‌کنند.»

هدف از تشکیل جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی

علی‌رضا مرندی، عضو هیئت مؤسس «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» در نخستین همایش جامعه پزشکی و سلامت این جبهه گفت: «پزشکان جامعه اسلامی در انقلابی بودن مشترک هستند و نام جبهه مردمی انقلاب اسلامی همه را به یاد روزهای آغاز انقلاب می‌اندازد.» وی هدف از تشکیل این جبهه مردمی را «حمایت از مردم جامعه دانست» و گفت: «مردم بیشتر از همه در انقلاب و جنگ تحمیلی و دیگر عرصه‌ها نقش اساسی داشته‌اند و تشکیل این جبهه نیز برای نقش‌آفرینی بیشتر مردم در عرصه اداره کشور است.» مرندی افزود: «باید تمام تلاش خود را به کار گیریم تا عدالت را در جامعه اسلامی ایران پیاده کنیم که خواست و هدف اصلی جامعه خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب بوده است.» وی تأکید کرد: «این جبهه مردمی برای حرکت در راه امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی تشکیل شد و به دنبال این هستیم که کار در دست دلسوزان انقلاب قرار گیرد.» مرندی دو هدف مهم را دلیل تشکیل «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» دانست و گفت: «این جبهه به دو دلیل تشکیل شد؛ یکی کوتاهمدت که انتخاب ریاست‌جمهوری است و هدف بلندمدت آن نظارت بر عملکرد مسئولان و همفکری با مسئولان برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی است.» وی در پایان تأکید کرد: «باید جلوی برخی انحرافات مانند فسادهای اقتصادی و حقوق نجومی، را در جامعه گرفت.»

روی خط انتخابات

استفاده سیاسی از پلاسکو

اصلاح‌طلبان در راستای موضوع پلاسکو سه موضوع مهم را از طریق اتاق جنگ روانی به رسانه‌ها ابلاغ کرده‌اند تا در راستای اهداف انتخاباتی آنها را اجرا کنند که عبارتند از: ۱- انتقاد از شهرداری و پر رنگ کردن چهره قالیباف به منزله مقصر اصلی و متعاقب آن کم‌رنگ کردن نقش دولت و وزارت کار در این عرصه؛ ۲- تخریب صدواسیما درباره بازتاب اخبار پلاسکو؛ ۳- به راه انداختن موج استعفا و به‌کارگیری اهرم‌هایی، مانند شورای شهر و نمایندگان اصلاح‌طلب برای ایجاد فشار بر شهرداری تهران و ناکارآمد نشان دادن شهرداری در مدیریت بحران.

هفت حزب جدید

هفت حزب جدید ضمن اعلام حمایت از «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی»، به آن پیوستند. اسامی احزاب زبانی که به تازگی به «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» پیوسته‌اند، به شرح زیر است: ۱- جمعیت زنان انقلاب اسلامی؛ ۲- جمعیت زنان پیام‌آور؛ ۳- حزب فاطمیون؛ ۴- جمعیت زنان مسلمان؛ ۵- جمعیت زنان پیرو حضرت زهرا(س)؛ ۶- مؤسسه قرآن و عترت مشکات‌البصائر؛ ۷- انجمن بین‌المللی زنان طرفدار صلح و عدالت اجتماعی.

نامزد پوشی

محمد عطریانفر، عضو ارشد حزب کارگزاران سازندگی با اشاره به انتخابات پیش‌رو، در نظر گرفتن نامزد پوششی برای روحانی را هوشیاری جریان اصلاحات عنوان کرد و اظهار داشت: «نجفی و جهانگیری بهترین گزینه‌ها برای ایفای این نقش هستند.» در همین حال محمدعلی نجفی گفت: «پس از اعلام حضور آقای روحانی در انتخابات سال ۹۶، حتماً ایشان نامزد اصلاح‌طلبان خواهند بود.»

حرف‌های متناقض!

مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز با اشاره به آمار انتخابات گذشته و با بیان اینکه طرفداران روحانی نیز اطمینانی به انتخاب دوباره او ندارند، گفت: «به تازگی زمه‌هایی مبنی بر رّد صلاحیت شدن آقای روحانی شنیده می‌شود که به نظر من حرف بیپه‌وده‌ای است. به هر حال احتمال رأی آوردن ایشان هست، اما قوت ندارد.»

نامزدی غیر از روحانی

آرش حبیبی، عضو شورای مرکزی حزب مردم‌سالاری با اشاره به تمهیدات حزب متبوعش برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ گفت: «جازه بررسی مصادیق برای انتخاب نامزدی غیر از روحانی به دفتر سیاسی حزب مردم‌سالاری از سوی شورای مرکزی صادر شده است.»

حمایت از سیدحسین

علی شکوری‌راد، دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران درباره اینکه اگر سیدحسین خمینی بخواهد برای انتخابات دوره‌های خبرگان شرکت کند، از وی حمایت خواهد شد یا خیر، گفت: «در صورتی که سیدحسین خمینی بخواهد در انتخابات خبرگان ورود کند، قطعاً از سوی جریان اصلاحات حمایت خواهد شد.» وی تأکید کرد: «جریان اصلاح‌طلب از سیدحسین خمینی نه تنها در انتخابات مجلس خبرگان، بلکه در هر انتخاباتی که ایشان بخواهد شرکت و اعلام نامزدی کند، حمایت خواهد کرد.»

ساده‌زیستی و نفی اشرافیت

امام خمینی(ره): «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکنند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید...»(صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۱)



یادداشت

محافظه کاری با تلاق انقلاب



□ **حسین عبداللهی فر** / نتایج پژوهش «کرین برینتون‌مور» دانشمند بزرگ فرانسوی روی چهار انقلاب بزرگ جهان نشان داد که این انقلاب‌ها به آرمان‌ها و اهداف خود دست نیافته و پس از مدتی به حالت اولیه برگشته‌اند و امواج و احساسات انقلابی فروکش کرده است. یکی از علل مشترک و مؤثر در این واپسگرایی، کاهش روحیه انقلابی‌گری و غلبه روحیه محافظه‌کاری است که دلایل آن عبارتند از:

۱- اختلاف برداشت در تعریف از انقلاب؛ بسیاری معتقدند انقلاب حرکتی اجتماعی است که برای ایجاد تغییر و تحولاتی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی یا حتی فرهنگی صورت می‌گیرد و پس از مدتی با دستیابی به برخی اهداف و خواسته‌های انقلابیون به خاموشی می‌گرایند. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «انقلاب یعنی یک دگرگونی همه‌جانبه در یک مجموعه بشری یا در یک ملت یا فراتر از یک ملت، در یک نسل، در یک تمدن، معنای انقلاب این است. حالا در دنیا اسم کودتاها را هم گاهی انقلاب می‌گذارند؛ اما انقلاب معنای خیلی عمیق‌تری دارد و این همان چیزی است که در کشور ما اتفاق افتاد. آنچه در کشور ما اتفاق افتاد، به معنای واقعی کلمه، یک انقلاب بود و هست و این ادامه دارد.» از این منظر موتور محرکه انقلاب همان تفکر و اندیشه انقلابی و عمل جهادی و خالصانه‌ای است که اقدام انقلابی بر اساس آن شکل گرفته است.

۲- مخالفت محافظه‌کاران با حرکت عمودی و افقی انقلاب؛ حرکت انقلاب در دو جهت عمودی و افقی ضروری و لازم به نظر می‌رسد. حرکت فراینده انقلاب به شکل عمودی به تعمیق آن در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌انجامد و از مشکلات موجود جامعه انقلابی که بخشی از آن به دلیل وارد نشدن اندیشه و عمل انقلابی به همه عرصه‌هاست، جلوگیری می‌کند. حرکت در مسیر افقی نیز به گسترش امواج انقلاب کمک کرده و خط اول مبارزه با دشمنان انقلاب اسلامی را به کیلومترها از طرف‌تر از مرزهای ام‌القرای جهان اسلام می‌برد. اندیشه محافظه‌کاری به دلیل ماهیت رضایت‌مندی که از وضع موجود داشته و برای حفظ آن تلاش می‌کند، از ادامه حرکت عمودی و افقی انقلاب پس از تثبیت نظام جمهوری اسلامی جلوگیری می‌کند؛ زیرا معتقد است اسرار بر سیر تکاملی مراحل انقلاب، به ویژه تشکیل دولت اسلامی که لازمه آن عمل انقلابی همه دستگاه‌ها، ادارات و روابط بوروکراتیک کشور است، سبب کاهش مطامع دنیوی برخی از مدیران میانی شده و در حرکت افقی انقلاب نیز ناخرسندی و ایجاد تنش در روابط خارجی کشور را بهانه قرار داده و چنین ادعا می‌کنند که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را برآورده نمی‌کند.

۳- بروز پدیده رزیشی‌ها و پشیمان شده‌ها! استمرار جدال میان این دو نگاه موجب می‌شود عده‌ای با عنوان تجدیدنظر طلب به تنوریزه کردن رفتارها و باورهای خود بپردازند؛ از این رو تلاش می‌کنند خود را به صورت خرده‌گفتنمان در مقابل گفتنمان انقلاب اسلامی مطرح کنند. در این میان، عده‌ای با مبانی فکری دچار ریزش شده و برخی به سبب منافع شخصی و کاهش مطامع دنیوی در صف پشیمان شده‌های انقلاب قرار می‌گیرند و در بزنگاه‌هایی مانند فتنه ۸۸ در برابر گفتنمان برتر خودنمایی می‌کنند.

۴- تلاش محافظه‌کاران برای توجیه رفتار خود؛ در چنین شرایطی نیروهای انقلاب هم به تفکرات محافظه‌کاری روی آورده و به جای حرکت‌های پیش‌رونده و پیش‌برنده به حفظ وضع موجود رضایت داده و همه اهتمام خود را در رعایت حفاظت از موقعیت فعلی کشور مصروف می‌دارند. همچنین، با اقدامات انقلابی به بهانه فرافاط‌گرایی به مخالفت برمی‌خیزند.



جواز مردم‌انقلابی



فسادستیزی، اولویت نظام

اول نمک پاشید!



□ **محمد صرفی** / در حالی

که به پایان چهارمین دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران نزدیک می‌شویم، نگاهی به دغدغه‌های اصلی کشور نشان می‌دهد، بی‌شک مبارزه با فساد اقتصادی یکی از اولویت‌های نظام است؛ مطالبه‌ای اساسی که ریشه در اهداف قیام ملت ایران علیه نظام طاغوت دارد و همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند؛ «ما باید به سمتی برویم که برخلاف نظام طاغوت، امتیازات غلط و بی‌دلیل، حذف و ازاله شود و ان‌شاءالله همان عدل حقیقی اسلامی برقرار شود.»(۱۳۶۸/۸)

توجه و دانش‌تن درک عمیق از اهمیت این مسئله، کمیت و کیفیت تلاش‌ها در این راستا را شکل می‌دهد. نخستین و مهم‌ترین نکته آن است که فسادستیزی رابطه‌ای مستقیم با مشروعیت نظام حاکم دارد و گسترش فساد و عدم مبارزه جدی با آن، همچون موربانه‌ای است که پایه‌های حاکمیت را به مرور سست می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی دو عبارت تأمل‌برانگیز در زمینه فسادستیزی و مشروعیت نظام دارند، معظم‌له می‌فرمایند:

«مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست.»(۱۳۸۲/۶/۵)

«از جمله مهم‌ترین کارها، مبارزه با فساد است. مبارزه با فساد، یک جنبه اخلاقی محض نیست؛ اداره کشور متوقف به مبارزه با فساد است.»(۱۳۸۲/۳/۲۷)

چرایی این پیوند عمیق نیز روشن است. نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی برآمده از حضور مردم است؛ نظامی بر مبنای مردم‌سالاری دینی. اولین اثر مخرب گسترش فساد، ایجاد آسیب و خدشدار کردن اعتماد عمومی است. در یک نظام مردم‌سالاری دینی کاهش اعتماد عمومی به نظام نیز ضربه‌ای مستقیم به مشروعیت نظام است. نکته دیگر آنکه عدالت یک آرمان اسلامی و الهی است و مبارزه با فساد، نسخه‌ای دینی

و دارای ریشه در سیره پیامبران و ائمه معصوم(ع) - به ویژه حضرت علی(ع) در مقاصد تنها امامی که چند سالی زمامداری امت اسلامی را بر عهده داشتند - است. از این منظر نیز فساد و مشروعیت رابطه‌ای معکوس دارند.

نکته مهمی که در این میان وجود دارد، نسبت فساد واقعی و تصور عمومی و بازتاب‌ها و فضاسازی‌های رسانه‌ای در این زمینه است. اما آیا باید با هدف محافظت از لطمه دیدن افکار عمومی و در نتیجه مشروعیت نظام، وجود فساد را انکار و در خفا با آن مبارزه کرد، یا از آن سوی پام افتاد و هر روز مفاسد را در بوق و کرنا کرد و برای تهییج و بسیج افکار عمومی علیه مفسدان، رسانه‌ها را به صف کرد و جار و جنجال به راه انداخت؟ راهکار رهبر معظم انقلاب در این زمینه عمیق و راه‌گشاست؛

«فساد را نباید انکار کرد؛ مبارزه با فساد را باید قبول کرد؛ اما مبالغه در مسئله فساد هم نباید باشد.»(۱۳۸۲/۲/۲۲)

«برای مبارزه با فساد، نباید منتظر جنجال بود و پیش‌دوری کرد. بایستی منتظر عمل و کار واقعی بود.»(۱۳۸۲/۱/۱)

فهم و تشخیص مرز باریک میان این دو موضوع - مبارزه با فساد یا مبالغه در فساد- به کیاستی عمیق نیاز دارد که در جریان‌ها، چهره‌ها و رسانه‌های کشور کمتر به چشم می‌خورد. از این منظر، فساد و امنیت

مختلف - از جمله نفوذ و مدیریت غلط رسانه‌ای در کشور - تصور عمومی درباره ابعاد فساد، بیش از واقعیت‌های موجود است.

مسئله فساد و فسادستیزی را می‌توان از ابعاد مختلف بررسی و تحلیل کرد و سخنان و نوشته‌های بسیاری در این‌باره موجود است؛ اما شاید یکی از اصلی‌ترین نکات مغفول در این زمینه، رابطه گسترش فساد با تمایلات آزمندانه و حریصانه آدمی است که سبک زندگی مصرف‌گرایانه و اشرافی همچون بنزینی بر این آتش است. برخی‌ها معتقدند برای مبارزه با فساد باید سطح مطلوب و بالایی از رفاه را برای افراد ایجاد کرد تا تمایل آنها به فساد از میان برود، اما آیا اگر چنانچه دیو حرص و آز در وجود فردی از قید و بند رها شود، با چند ده، چند صد و چند هزار میلیارد تومان سیر خواهد شد؟! ایجاد و تقویت نهادهای نظارتی،

پالایش و وضع قوانین لازم، شفافیت اطلاعات، برخورد قاطع، سریع و بدون اغماض با مفسدان و... همگی عواملی واجب و مؤثر در مبارزه با فساد هستند که نمی‌توان نسبت به آنها بی‌اعتنا بود؛ اما همه این اقدامات به نوعی در گسره درمان قرار می‌گیرند، در حالی که پیشگیری مقدم بر درمان است. جابه‌جایی ارزش‌ها (مانند ذخیره نظام خواندن مدیران نجومی!) و پیشی گرفتن مادیات از معنویات در زندگی افراد - فارغ از شغل و جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد - جامعه را شبیه جاده یخ‌زده‌ای می‌کند که به مرور نلغزیدن در چنین جاده‌ای استتنا و سبب تعجب می‌شود. راه‌داران می‌توانستند با پاشیدن کمی شن و نمک جاده را ایمن کنند؛ اما حالا باید به همراه چندین و چند نهاد دیگر و بسا صرف هزینه‌های صدها و بلکه هزاران برابری، به پاک کردن عوارض این لغزش‌ها بپردازند و خود نیز در چنین شرایطی با خطر روبرو هستند. نمک پاشیدن بر جاده نیز زمانی دارد. اگر یخ‌زدگی از سطحی بگذرد، دیگر نمک‌پاشی چاره کار نیست؛ راهکارها روز به روز پیچیده‌تر شده و نتایج ضعیف‌تر می‌شوند.

مشارکت مردم در مدیریت کشور و در یک کلام تقویت و نهادینه‌سازی حکمکنتری گفتنمان مردم‌سالاری دینی است و با این کار مسیر را برای تحقق تمدن اسلامی هموار خواهد کرد.

بی‌شک، تداوم این وضعیت و حفظ مردم در صحنه، یکی از ضرورت‌های پیش روی آینده انقلاب اسلامی است. همه تصمیمات و ریل‌گذاری‌ها در کشور باید با این معیار سنجیده شود و هر تفسیر و نگرش و اقدامی برای تضعیف جمهوریت نظام و کاستن از نقش مردم در مدیریت کشور، به یقین ایجاد انحراف در مسیر صحیح انقلاب خواهد بود. به همین دلیل نظام اسلامی در راستای پیشرفت خود نیازمند تقویت نهادهای مردم‌سالار و بسترسازی برای افزایش مشارکت مردم در مدیریت کشور و در یک کلام تقویت و نهادینه‌سازی حکمکنتری گفتنمان مردم‌سالاری دینی است و با این کار مسیر را برای تحقق تمدن اسلامی هموار خواهد کرد.

یادداشت

تقویت

مردم‌سالاری دینی



□ **مهدی سعیدی** / اگر قرار باشد برای تبیین هویت انقلاب اسلامی دو کلیدواژه بنیادین برشماریم، بی‌شک یکی از آنان «مردم» است. در واقع، هیچ انقلابی بدون وجود و حضور مردم شکل نمی‌گیرد و در این باره در میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود دارد؛ اما درباره تداوم انقلاب و نقش مردم اختلاف نظرانی وجود دارد. از آنجایی که بزرگان خردورز فلسفه اسلامی گفته‌اند: «علت موجهه همان علت بمقیه نیز هست»؛ از این‌رو در نگاه بزرگان انقلاب اسلامی حفظ انقلاب اسلامی به تداوم حضور مردم در صحنه انقلاب وابسته خواهد بود.

انقلاب اسلامی برخلاف بسیاری از انقلاب‌های مشهور قرون جدید که یا مبتنی بر منافع طبقاتی شکل گرفته‌اند یا از سوی بخش خاصی از جامعه هدایت و حمایت شده‌اند و اهداف خاص قشری، طبقاتی و فرقه‌ای را دنبال کرده‌اند، نهضتی بود که اهداف خود را منافع همه اقشار و طبقات و توده‌های ملت با اعتقادات و گرایش‌های مختلف مذهبی قرار داده بود و به دنبال شکل‌گیری نظامی بود که همه مردم ایران زمین در آن از حقوق اولیه انسانی برخوردار باشند. به عبارتی، انقلاب اسلامی با این اهداف توانسته بود اقشار مختلف جامعه را به صحنه مبارزه با رژیم کُشدانده و همه را در این «اعتراض بزرگ» همراه کند.

از سویی دیگر، مردم در همه امور پیروزی و استقرار گام‌به‌گام انقلاب و رهبری در حرکت بودند و زمانی را نمی‌توان به یاد آورد که مردم به خانه‌ها رفته و امور انقلاب را به دیگری سپرده باشند. رهبر کبیر انقلاب نیز هیچ‌گاه به قرائت‌هایی که معتقد بود توده‌ها پس از پیروزی انقلاب باید عرصه سیاست را به نخبگان بسپارند، وقتی ننهادهند و همواره از آنان خواستند که در همه امور نظام مستقر حضور داشته باشند.

این روند حدود چهار دهه از عمر این شجره طیبه ادامه یافته و تقریباً هر سال شاهد برگزاری انتخابات و حضور باشکوه مردم در صحنه انتخابات بوده‌ایم و همه از کان نظام به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق رأی ملت برگزیده شده‌اند. در این میان، جایگاهی نیست که مردم در قدرت‌یابی آن نقشی نداشته و از نظرات مردمی خارج باشد.

از سویی مشورت با مردم و بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در اعتلای کشور نیز نماد دیگری از جلوه‌های مردم‌سالاری در نظام مقدس جمهوری اسلامی است. به این معنا که مردم در عرصه‌های ساختن کشور بازیگر اصلی به شمار آمده و علم و توان و استعداد آنهاست که نظام اسلامی را شکل می‌دهد.

از دل همین نگاه است که مسئولیت پاسخگویی کارگزاران در قبال ملت شکل می‌گیرد. در این نظام همه مسئولان در هر سطحی باید در قبال ملت پاسخگو باشند و عدم پاسخگویی به معنای خروج از شایسته‌سالاری و مشروعیت‌زدایی است و این مهم بارها به انتهای مختلف از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی یادآوری شده است.

بی‌شک، تداوم این وضعیت و حفظ مردم در صحنه، یکی از ضرورت‌های پیش روی آینده انقلاب اسلامی است. همه تصمیمات و ریل‌گذاری‌ها در کشور باید با این معیار سنجیده شود و هر تفسیر و نگرش و اقدامی برای تضعیف جمهوریت نظام و کاستن از نقش مردم در مدیریت کشور، به یقین ایجاد انحراف در مسیر صحیح انقلاب خواهد بود. به همین دلیل نظام اسلامی در راستای پیشرفت خود نیازمند تقویت نهادهای مردم‌سالار و بسترسازی برای افزایش مشارکت مردم در مدیریت کشور و در یک کلام تقویت و نهادینه‌سازی حکمکنتری گفتنمان مردم‌سالاری دینی است و با این کار مسیر را برای تحقق تمدن اسلامی هموار خواهد کرد.

بی‌شک، تداوم این وضعیت و حفظ مردم در صحنه، یکی از ضرورت‌های پیش روی آینده انقلاب اسلامی است. همه تصمیمات و ریل‌گذاری‌ها در کشور باید با این معیار سنجیده شود و هر تفسیر و نگرش و اقدامی برای تضعیف جمهوریت نظام و کاستن از نقش مردم در مدیریت کشور، به یقین ایجاد انحراف در مسیر صحیح انقلاب خواهد بود. به همین دلیل نظام اسلامی در راستای پیشرفت خود نیازمند تقویت نهادهای مردم‌سالار و بسترسازی برای افزایش مشارکت مردم در مدیریت کشور و در یک کلام تقویت و نهادینه‌سازی حکمکنتری گفتنمان مردم‌سالاری دینی است و با این کار مسیر را برای تحقق تمدن اسلامی هموار خواهد کرد.



یادداشت



آسیب‌شناسی

ساختار انتخاباتی

□ **دکتر حسن بنیانیان /**

یکی از مشخصه‌های بسیار ارزشمند نظام جمهوری اسلامی، اعتقاد عمیق مسئولان به ضرورت حضور مردم در صحنه است؛ به همین دلیل همواره انتخابات گسترده و وسیعی در جریان بوده است، اما این پدیده ارزشمند در بستر غلط فرهنگی جامعه ما، متأثر از تخریب ابعادی از فرهنگ جامعه در رژیم گذشته، منشأ آثار منفی نیز بوده است؛ زیرا نمایندگان محترم مردم برای پاسخگویی به خواسته‌های مردم حوزه انتخابیه خود همواره در پی کسب منابع جدید بوده‌اند تا مطابق تعریف پذیرفته شده در فرهنگ جامعه به سازندگی بپردازند؛ چون در این تعریف، کار فیزیکی و عمرانی بیش از اندازه منطقی جایگاه دارد. این پدیده همراه با رشد بی‌رویه جمعیت با تمامی ساختارهای غلط رژیم گذشته پیوند خورده و اجازه نداده است تخصیص منابع با وجود خواست بسیاری از کارشناسان، مدیران و برنامه‌ریزان جامعه پس از جنگ، مطابق با یک الگوی صحیح صورت گیرد از این‌رو بسیاری از منابع صرف ساختن تأسیسات، ابنیه و ساختمان شده

راهبرد معقول و منطقی برای کشور می‌توانست در چارچوب کلی زیر باشد:

۱- تلاش برای اصلاح فرهنگ عمومی به منظور ایجاد آآمدگی برای یک سازندگی درون‌زا؛ متناسب و متجانس با اهداف مقدس جمهوری اسلامی؛
۲- تلاش برای اصلاحات بنیادین در نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، اداری و…؛
۳- تلاش به منظور ساخت زیربناهای لازم برای توسعه پایدار؛
۴- تأمین کالا و خدمات حداقل برای پاسخگویی به نیازهای ضروری مردم؛
۵- فراهم‌سازی بستر جامعه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با هدف بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های جامعه در رشد و توسعه اقتصادی.

آنچه در دوران پس از جنگ رخ داد، عمدتاً در پاسخگویی به تأمین کالا و خدمات برای گذران زندگی روزمره مردم بود. در این راستا تا اندازه‌ای نتوانستیم بخشی از منابع را برای ساخت زیربنایها به کار ببریم که برای نجات از بحران‌ها و آسیب‌های آینده توجه به اشتباهات این دوران بسیار اهمیت دارد. گفتنی است، در این دوران اشتباهاتی داشتیم که اهم آنها عبارت است از:

۱- نظام‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی را بدون اصلاح محتوا با سرعت گسترش دادیم و اکنون خیل عظیم دانش‌آموختگان بی‌کار با آموزش‌های ناقص و فرهنگی ناکارآمد برای سازندگی واقعی در راهند .

۲- با توسعه نظام‌های اداری و اجرایی در اعماق نقاط جغرافیایی، انتظارات مردم را از دولت افزایش دادیم؛ در حالی که به واسطه اتمام درآمدهای نفتی، ناچاریم دولت را کوچک کنیم و بخشی از وظایفی را که بر عهده آن گذاشته شده است، به مردم واگذار کنیم؛ در حالی که چنین آمادگی در مردم وجود ندارد.

۳- مسئولیت‌های دولت را به قیمت کاهش کیفیت و کمیت فعالیت‌های نهادهای حاکمیتی گسترش دادیم.

در یک برداشت عمومی از مجموعه مشکلات جنگ، فشارهای دشمنان انقلاب و اشتباهات دوران پس از جنگ، می‌توان گفت با توسعه نظام‌های اصلاح نشده گذشته عملاً در دام ناپسامانی‌های ریشه‌ای دوران ستمشاهی قرار گرفتیم؛ یعنی نهادهای نامتعادل به ارت رسیده و اصلاح نشده از رژیم گذشته را توسعه دادیم و با

دامن زدن به تقاضاها و نیازهای مادی و جسمی مردم کشورمان و سوار کردن نظام انتخابات روی این پدیده عملاً پاسخگویی علمی به نیازهای فرهنگی، معنوی و اخلاقی مردم و اصلاح نهادهاء، ساختارها و نظام‌های مختلف در پشت قیل و قال‌های حاصل از اوج‌گیری تقاضاها و نیازهای مادی و

مردمی مخفی شد.



پایبندی به استقلال کشور

دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۵ | سال هفدهم | شماره ۷۸۶

امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی): استقلال سیاسی معنایش این است که ما در زمینه سیاسی فریب [دشمن را] نخوریم… استقلال فرهنگی که از همه مهم‌تر است در این است که سبک زندگی را سبک زندگی اسلامی – ایرانی انتخاب بکنیم… استقلال اقتصادی هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی است.

شاخص‌های دولت تر از دهه پنجم انقلاب اسلامی



نیازهای انقلاب و نظام اسلامی

در دهه پنجم چیست؟

وقتی صحبت از نیازهای انقلاب در یک مقطع زمانی می‌شود؛ برای احصای این نیازها باید به موقعیت انقلاب از منظر فرآیند تکاملی انقلاب، موقعیت انقلاب در منطقه و جهان، شرایط و مسائل داخلی کشور و نظام توجه کرد. از منظر فرآیند تکاملی انقلاب، براساس مراحل پنج‌گانه مطرح شده از سوی رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی در مرحله سوم، یعنی مرحله دولت‌سازی اسلامی قرار دارد. بدیهی است برای ورود به مرحله نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان، سرزمین‌های اشغالی، یمن، بحرین و دیگر کشورهای منطقه، یک واقعیت است. دولت تر از دهه پنجم، دولتی است که باید بتواند با پشتیبانی از طرح‌ها و برنامه‌های شکل‌دهنده به نظم منطقه‌ای در راستای جریان انقلاب اسلامی، موقعیت برتر ایران در منطقه را تثبیت کند. به یقین تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران با ایفای نقش کلیدی در شکل‌دهی به نظم و ترتیبات این منطقه، جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت مؤثر بین‌المللی تبدیل خواهد کرد. در مسائل داخلی، اولویت با حل مشکلات اقتصادی و رسیدگی به معیشت مردم و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی است. حل این مشکلات و معضلات نگران‌کننده، یک ضرورت است که این دولت با رویکردهای اسلامی و انقلابی، بتواند به ساخت دولت اسلامی به معنای عام کلمه

□ **دولت تر از دهه پنجم انقلاب**

اسلامی، یعنی آن دولتی که بتواند به نیازهای انقلاب اسلامی در دهه پنجم، پاسخ مناسب دهد و توانایی حل مسائل کشور و نظام متناسب با صلاحیت‌های خود در این دهه را داشته باشد.

چهارم و مرحله پنجم (به عنوان آخرین مرحله)، باید از مرحله سوم، یعنی ساخت دولت اسلامی عبور کرد. همان‌طور که اشاره شد، قوه مجریه در ساخت دولت اسلامی، نقشی اساسی و بی‌بدیل دارد. بنابراین، یکی از شاخص‌های دولت تر از دهه پنجم، آن است که این دولت با رویکردهای اسلامی و انقلابی، بتواند به ساخت دولت اسلامی به معنای عام کلمه

کمک کند. از دیگر نکات کلیدی در تعیین شاخص‌ها برای دولت تر از دهه پنجم، مسائل اساسی در دو حوزه سیاست خارجی و شرایط داخلی کشور است.اکنون انقلاب اسلامی توانسته در منطقه راهبردی غرب آسیا، با پدید آوردن جریان‌های مقاومت و بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت منطقه‌ای، با برخورداری از نفوذ بالا تبدیل کند. دولت تر از دهه پنجم، دولتی است که این موقعیت بسیار ارزشمند را در ک کرده، قادر به تثبیت این موقعیت با فراهم ساختن الزامات آن باشد.

نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان، سرزمین‌های اشغالی، یمن، بحرین و دیگر کشورهای منطقه، یک واقعیت است. دولت تر از دهه پنجم، دولتی است که باید بتواند با پشتیبانی از طرح‌ها و برنامه‌های شکل‌دهنده به نظم منطقه‌ای در راستای جریان انقلاب اسلامی، موقعیت برتر ایران در منطقه را تثبیت کند. به یقین تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران با ایفای نقش کلیدی در شکل‌دهی به نظم و ترتیبات این منطقه، جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت مؤثر بین‌المللی تبدیل خواهد کرد. در مسائل داخلی، اولویت با حل مشکلات اقتصادی و رسیدگی به معیشت مردم و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی است. حل این مشکلات و معضلات نگران‌کننده، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای جریان انقلاب اسلامی در دهه پنجم است و این

مشکلات و معضلات، هنگامی حل خواهند شد که دولت در تر از دهه پنجم شکل بگیرد .
شاخص‌های دولت تر از دهه پنجم وقتی بحث شاخص‌های دولت تر از دهه پنجم انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، این شاخص‌ها ناظر به ویژگی‌های رئیس‌جمهور منتخب مردم، ویژگی‌های مسئولان اصلی دولت شامل معاونین رئیس‌جمهور، وزرا، رؤسای سازمان‌ها، استانداران، فرمانداران و عناصر هم‌تراز آنان می‌باشد. چنین دولتی با رأی مردم انتخاب می‌شود. مردم هر چه در انتخاب خود دقت بیشتری داشته باشند، دولت برآمده از رأی آنان، در پاسخگویی به نیازهای انقلاب و نظام توانمندتر و متعهدتر خواهد بود. بنابراین انتخابات برای مردم ایران، فرصتی برای گزینش بهترین‌ها است. بهترین‌ها در دهه پنجم، همان‌هایی خواهند بود که بتوانند با تشکیل دولت در تر از دهه پنجم انقلاب، با پاسخ شایسته به نیازهای انقلاب، مشکلات مردم و نظام را در حوزه‌های مختلف رفع کنند.

این افراد کسانی هستند که دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های زیر باشند:
۱- به اصول، مبانی، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی معتقد و وفادار باشند.
۲- اعتقاد راسخ به نظام لایبی داشته و در عمل ولایت‌محور باشند و تمام توان خود را برای یاری رساندن به ولایت به منظور پیشبرد انقلاب و

یادداشت

ضرورت‌های نظامی و دفاعی

□ **علیرضا جلالیان /** درباره

ارتباط جمهوری اسلامی ایران با انقلاب اسلامی باید گفت که جمهوری اسلامی ایران مرکز ثقل انقلاب اسلامی است؛ اما در واقع، انقلاب اسلامی به مرزهای جغرافیایی محدود نبوده و به عنوان یک تفکر داعیه‌دار جهانی شدن اسلام در قالب تفکر شیعه اثنی‌عشری است که مبتنی بر آن انقلاب اسلامی مقدمه‌ای برای انقلاب مهدوی بوده که در آن مستضعفان با دین اسلام بر سراسر زمین حاکم می‌شوند. این تفکر که بر اساس حرکت زعمای شیعه در حال تسری بوده، با انقلاب اسلامی اعتلا پیدا کرده و به طور عینی در جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته و در حال گسترش است. بر این اساس با توجه به ماهیت ضد استکباری دین اسلام در این روند، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دشمنان قسم‌خورده‌ای خواهد داشت که همواره مترصد بر هم زدن و نابودی تفکر انقلاب اسلامی و قلب انقلاب، یعنی جمهوری اسلامی هستند. بنابراین بالا بردن توان دفاعی در انقلاب اسلامی امری الزامی است.

در اندیشه انقلاب اسلامی مفاهیمی همچون نبرد آخرازمان و آمادگی‌های لازم برای آن بسیار اهمیت دارد که البته لازمه این نبرد در سیر مراحل پنج‌گانه‌ای که رهبر معظم انقلاب آن را بیان کرده‌اند داشتن کشوری مقتدر با دولت و مردمی مسلمان است که بتواند پنجمین مرحله از مأموریت انقلاب اسلامی را برای پیوند با انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) مهیا کرد.

مبتنی بر قواعد قرآنی در حوزه دفاعی، تفکر جهاد در دو گونه جهاد اکبر و جهاد اصغر تعریف می‌شود. در حوزه جهاد اصغر در مقابل دشمنان، اصلی‌ترین دکتزین دفاعی در قالب «واعودالیهم ما استلظتم من قوه» تعریف شده است؛ یعنی آنکه هر چه می‌توانید بر قدرت خود اعم از نیرو و تجهیزات بیفزاید تا دشمن توان مقابله با شما را نداشته باشد. در این موضوع در قالب دکتزین بازدارندگی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تعریف شده و راهبردهای لازم این دکتزین در حال اقدام است و در جمهوری اسلامی ایران به خوبی جواب داده است. اما با گسترش مرزهای انقلاب اسلامی، به ویژه در قالب جبهه مقاومت و با توجه به تفاوت در مدیریت سیاسی کشورهای این جبهه، راهبردهای جدیدی در این میان باید مطرح می‌شد که تشکیل نیروهای دفاعی مردمی الهام گرفته از بسیج مستضعفان در ایران، در این راستا در حال انجام است که بخشی در قانون اساسی کشورها جای گرفته و بخشی هم در آینده نزدیک جزء نیروهای رسمی این کشورها خواهند شد. در این میان تجارب دفاع مقدس اسلامی بازی کرده است.

در مقابل انقلاب اسلامی، جبهه‌های عبری، عربی و غربی وجود دارد که بزرگ‌ترین تهدیدات از ناحیه رژیم صهیونیستی و سپس ناتو و به ویژه آمریکا بوده که به نظر می‌رسد در حوزه دفاعی ضرورت دارد انقلاب اسلامی به پیمان‌های دفاعی در جبهه مقاومت روی آورد، البته این پیمان‌ها واقع بر اساس اینکه نیروهای مسلح در اندیشه اسلام همان مردم هستند و مردم باید دفاع را خود انجام دهند؛ لذا استفاده از توان بسیج در همه این کشورها و ایجاد یک اتحاد عظیم از بسیجیان جهان اسلام برای مقابله با پیمان‌های نظامی و دشمنان جهان اسلام لازم است.

پس از آنکه دکتزین بازدارندگی در جمهوری اسلامی منتهج از توجه به دو وجه نبرد تراز و نامتراز شکل گرفت و نتوانست نتایج بسیار مطلوبی را حاصل کند، برای ادامه این روند لازم است به تداوم گسترش کمنی و کیفی توان دفاعی داخلی و گسترش این توان در آب‌های بین‌المللی برای ارتقای سطح امنیت دفاعی، اقتصادی و تجاری و گسترش کمنی و کیفی بسیج، به مثابه پیمان دفاعی مشترک در بین مردم کشورهای جبهه مقاومت برای توسعه توان عملیات زمینی، گسترش ارتفاع عملیاتی در فضا و افزایش برد عملیات و تأثیرگذاری تسلیحات پرداخت. به نظر می‌رسد در دهه پنجم انقلاب باید منتظر ظهور قدرت دفاعی عظیم و بلامناع در جبهه انقلاب اسلامی بود.

۱۱- روحیه انقلابی و عمل انقلابی داشته باشند.
۱۲- پرچمدار جهاد کبیر و عدم تبعیت از کفار بوده، با نفوذ دشمنان در هر شکل آن مبارزه کنند.
۱۳- درک درستی از مکتب و خط امام(ره) داشته باشند و با تمام توان بسا جریان فعال برای تحریف شخصیت آن عزیز سفر کرده مقابله کنند.

۱۴- بین‌المال را امانت در اختیار بدانند و از آن صیانت کرده و با هر نوع رانت‌خواری و خاصه‌خواری در حیطه مسئولیتی خود مقابله کنند.
۱۵- اهل مبارزه جدی با فسادهای مالی، اقتصادی و اخلاقی در هر شکل آن باشند.

۱۶- حفظ استقلال کشور در تمامی ابعاد راه، به عنوان یک اصل ثابت مورد توجه قرار دهند.

۱۷- به پیشرفت‌های علمی و فناوری ایران پس از انقلاب اعتقاد داشته، برای سرعت‌بخشی به این پیشرفت‌ها با اتکا بر توانایی‌های داخلی تلاش کنند.

۱۸- در تمامی موضوعات و مسائل در برخورد با مردم صادق باشند.
۱۹- از شرح صدر بالایی در برخورد با مسائل و مشکلات برخوردار باشند.

۲۰- در همه مسائل و موضوعات مختلف، کلام رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌المظلمی امام خامنه‌ای را فصل‌الخطاب بدانند.

به نظر می‌رسد اینکه چون شخصی فرزند فلان شخصیت بزرگوار است، نباید امتیاز برای او تلقی شود؛ بلکه باید به تخصص، تعهد و التزام او به آرمان‌های انقلاب و امام توجه شود. چه بسا در همین سال‌ها بارها مشاهده شده است آقازاده‌هایی که با مشی پدر یا خویشاوند خود، در امور اساسی انقلاب مخالفت علمی و عملی کرده‌اند! در این صورت چرا باید فضل پدر به فرزند منتقل شود؟

این افراد مانند سایر شهروندان و مردم حق و حقوقی دارند و کسی نمی‌تواند این حقوق را از آنها سلب کند؛ اما سخن اینجاست که در دورانی که قرار است نسل بعدی انقلاب سکاندار امور کشور شود، نسبت‌های فامیلی با نسل اول انقلاب نباید به مثابه یک شاخص در انتصابات و حتی انتخابات مورد ملاک قرار گیرد. شاید بهتر باشد به دلیل اینکه این افراد شائبه استفاده از این رانت را دارند برای ورود آنها احتیاط بیشتری صورت گیرد!

اسام خامنه‌ای در همین راستا در زمینه اشرافیت و آقازادگی فرهنگی فرموده‌اند: «واقعاً اگر چنین چیزی هست، خیلی بد است. … البته ممکن است پسر یا دختر فلان مسئول توی دبیرستان یا توی دانشگاه پُر بدهد که من مثلاً پسر فلائی‌ام، اما این به صورت یک فرآیند تربیتی دربیاید، تأثیراتی بگذارد بر روی گزینش، بر روی سواد بیشتر پیدا کردن و چه و چه، خیلی چیز بدی است. اگر چنین پدیده‌ای وجود داشته باشد، باید جلوبش را گرفت.»(۹۰/۷/۱۷) اگر آقازادگی به عرصه سیاست و امور حکومتی – که با ثروت و قدرت و امنیت درآمیخته است – کشیده شود، به طور حتم از امور فرهنگی خطرناک‌تر و ضرباتش مهلک‌تر است. توجه به این مطلب هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که به زندگی اشرافی و غیر انقلابی فرزندان بسیاری از مسئولان نظر انداخته شود و در کنار آن به راهکار دشمن در عرصه نفوذ به ساختار حاکمیت نیز امعان نظر داشت!

هنگامی که در کشوری هزاران جوان مختصص و انقلابی و متعهد وجود دارد و مانند اوایل انقلاب خلأیی در این زمینه وجود ندارد، درباره مناصب نیز نگرانی وجود ندارد!

تحقق آرمان‌ها و اهداف به کار گیرند.
۳- متناسب با نیازهای انقلاب و کشور در دهه پنجم از توان علمی، تجربه و تخصص بالا برخوردار باشند.
۴- درک عمیق از موقعیت انقلاب، نظام اسلامی و اوضاع داخلی و خارجی جمهوری اسلامی داشته باشند.

۵- درک درست و عمیقی نسبت به تهدیدات، نقشه‌های دشمنان و جبهه استکبار داشته باشند.

۶- به استکبارستیزی و مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا معتقد بوده و مرعوب غرب نشوند.

۷- خود را خدمتگزار مردم تلقی کنند.
۸- به اهداف انقلاب اسلامی معتقد و وفادار باشند.

۹- مخالفان و معاندان انقلاب و نظام، مرزبندی روشنی داشته باشند.

۱۰- از مدیریت جهادی و اندیشه و تفکر بسیجی برخوردار باشند.

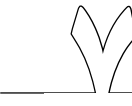
آیا انقلابیگری به ارث می‌رسد؟

فضل پدر و حاصل آن برای آقازاده!



انتخابات‌های مختلف، فرزند یا برادر یا یکی از بستگان بزرگان و مشهوران صدر انقلاب، با رأی مردم به مجلس یا سایر نهادها راه یافته و چه بسا در کارنامه او، سابقه‌ای جز همین نسبت خویشاوندی وجود نداشته است و در واقع اگر آن فرد، این نسبت را نداشت، تفاوت خاصی با سایر هم‌دهه‌ای خود نداشت و چه بسا افرادی متخصص‌تر و کارآمدتر از او نیز بوده‌اند که به دلیل نداشتن این نسبت‌ها از حضور در عرصه‌های خدمتگزاری محروم شده و می‌شوند!

نابسندتر اینکه فرد بدون رأی مردم و با انتصاب و حکم به پست‌های بالا دست پیدا می‌کند و معیار و ملاک انتصابش در وهله اول همین نسبت‌ها و به تعبیر امروز آقازادگی اوست! در سال‌های اخیر متأسفانه یک اتفاق خطرناک‌تر در حال رخ دادن است و آن اینکه برخی افراد کم‌کم آقازاده بودن را وارد معیارها و شاخص‌های مناصب می‌کنند و سوابق این افراد را پررنگ و با اهمیت جلوه می‌دهند؛ به خصوص آنکه در برهه‌ای قرار خواهیم گرفت که به ناچار و به جبر زمانه باید تغییرات اساسی در بسیاری از جایگاه‌های مسئولیتی رخ دهد. برخی رسانه‌ها و جناح‌های سیاسی به هر دلیل که اصلی‌ترین



کار تشکیلاتی و تحقق اهداف انقلاب



یادداشت

الزامات الگوی تمدن اسلامی

□ **فتح‌الله برینشان / رهبر** معظم انقلاب اسلامی با رویکردی گفتمانی و راهبردی بلندمدت، ۱۶ سال پیش(۱۳۷۹/۹/۱۲) الگوی پیش روی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در مراحل پنج‌گانه «انقلاب اسلامی»، «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه اسلامی» و «تمدن اسلامی» ترسیم کردند و در سال‌های بعد ابعاد، ویژگی‌های کارگزاران، الزامات و ضرورت‌ها و چگونگی عملیاتی‌سازی هر یک از مراحل و فرایندهای این چشم‌انداز راهبردی را تبیین فرمودند.

ضرورت و اهمیت ساخت تمدن اسلامی بر اساس مراحل پنج‌گانه ترسیمی از سوی اندیشمند مولد و گفتمان‌ساز در عرصه تداوم انقلاب، به اندازه‌ای بود که «مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» راه‌اندازی و مأمور شد در قالب جلسات و گفت‌وگوهای راهبردی با کارشناسان و مسئولان باورمند به این موضوع، وجوه مختلف این الگو را بر اساس اولویت‌ها، نیازها و آن افق درخشان تمدنی بررسی و تبیین کند؛ زیرا معظم‌له معتقدند: «این جوامع (غربی) اگرچه پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند؛ اما پیشرفت‌ها تا اعماق آن جوامع نفوذ نکرده و به «اخلاق، عدالت، معنویت و امنیت» منتهی نشده است؛ بنابراین ما باید الگوی پیشرفت بومی خود را متکی بر مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی، تعریف و ارائه کنیم.»(۱۳۹۵/۲/۶)

تأکید رهبر معظم انقلاب بر مراحل پنج‌گانه تمدن‌سازی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در واقع ترجمه دیگری از همان تداوم انقلاب و به سر منزل رساندن آن است. سخنان رهبر اندیشمند انقلاب اسلامی، کاملاً واضح، مبتنی بر واقعیات جوامع غربی و فارغ از هر گونه پیچیدگی خاص است؛ اما با وجود این باز هم افراد یا جریاناتی هستند که به شنیدن آنها تمایلی ندارند یا اگر در رأس کاری قرار می‌گیرند، ممکن است این باب زینت‌المجالس خودشان مروری هم به این بیانات راهبردی داشته باشند؛ بدون اینکه جهت‌گیری و عزم خود را به محقق‌سازی عملی آنها معطوف کنند. این مسئله با انتشار متن برنامه ششم توسعه در رسانه‌ها و شروع بحث‌ها در زمینه مبانی کاملاً سکولار و لیبرال آن بار دیگر خود را در جامعه نشان داد.

گفتنی است، بیشترین حجم سخنان رهبر معظم انقلاب در طرح و بحث مراحل پنج‌گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی مربوط به مرحله سوم، یعنی شکل‌گیری دولت اسلامی است. ایشان به صراحت فرموده‌اند، الآن ما در مرحله اسلامی کردن دولت(تشکیل دولت اسلامی) هستیم و باید کارها و فعالیت‌ها بر روی تحقق شایسته این مرحله متمرکز باشد. بیشترین دغدغه و توصیه‌های رهبری در این مرحله، «خودسازی دولتمردان» است. دولت اسلامی، یعنی شکل‌گیری منش و روش دولتمردان به گونه‌ای اسلامی که افزون‌بر سرگزیدن اسم دولت اسلامی، باید عمل و جهت‌گیری‌شان هم اسلامی باشد؛ دستیابی به تمدن نوین اسلامی، سخت‌ترین مرحله است و مهم‌ترین گام و پیچ سرنوشت‌ساز تاریخ آینده ما به شمار می‌آید؛ چراکه دو مرحله اول، قیام برای راه‌اندازی انقلاب به نحو عالی شکل گرفت و نظام‌سازی اسلامی هم به خوبی انجام شد؛ اما مرحله سوم به مثابه نقطه عطف متحنی حرکت نظام اسلامی است که هم می‌تواند ما را به افق درخشان آینده برساند و ما را به شکل‌گیری خود ماده اولیه و زمینه اصلی جهش به دو گام بلند بعدی، یعنی شکل‌دهی به جامعه اسلامی و تمدن نوین جهانی اسلامی را به مثابه الگوی عملی فراهم کند و هم با شناختن شرایط و وضعیت موجود و مطلوبی، به توجیه به جهت‌گیری اسلامی در سیاست‌گذاری‌ها و اصلاح نکردن نفس و مذهب نبودن کارگزاران، همچنان ما را در این مرحله متوقف کند یا حتی با فعالیت دشمنان برای هویت‌زدایی و نفوذ زمینه‌روند بقیصری و بازگشت به صد پله پایین‌تر از پیش از انقلاب را نیز فراهم آورد.

شهید بهشتی: بدون شک برای دوران سازندگی، نیازهای جدیدی است، باید بعد از شناسایی استعدادها آنها را گروه‌بندی کرد، تا معلوم شود هر کس و هر گروهی در کجا می‌توانند قرار بگیرند و بعد از گروه‌بندی باید به آنها میدان شکستگی داد. وجود یک مدیریت هماهنگ و همفکر و منسجم، با شاخه‌ها و رشته‌های فراوان برای مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی در دوران سازندگی بعد از پیروزی انقلاب لازم است.

بازخوانی شاخصه‌های انقلابی‌گری



شاخصه‌های انقلابی‌گری برای همه اقتدار، به‌ویژه مسئولان در سطوح مختلف یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ موضوعی که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز آن را سبب «هاندگاری انقلاب» دانستند و بارها در مناسبت‌های مختلف بر آن تأکید کرده‌اند. **تلاش برای رایج کردن قرآنت‌های بدلی در مقابل اسلام جایگاه واقعی مردم و نگاه ابزاری به نقش و رأی آنها در نظام مردم‌سالار دینی و در اداره کشور، تغییر در نگرش و منش برخی مسئولان و رواج ارزش‌های مغایر با گفتمان اصیل انقلاب از مصادیق آسیب‌هایی است که میزان پایبندی برخی اشخاص و جریان‌های سیاسی را مورد تردید قرار می‌دهد؛ موضوعی که شهید مطهری در بررسی «آفات انقلاب اسلامی» از آن به «رجعت تدریجی به ارزش‌های فرهنگی طرد شده» نام برد و بر این باور بود که اگر مبارزه‌ای مستمر و طولانی با ارزش‌های فرهنگی گذشته صورت نگیرد، به طور تدریجی با رشد مجدد این ارزش‌ها موجبات انحراف و آلوده شدن ارزش‌های اصیل انقلابی، فراهم می‌شود.**

۱- پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی؛ حفظ جهت‌گیری‌های اصلی انقلاب و نظام و هدف‌گیری مستمر آرمان‌ها از مهم‌ترین شاخصه‌های انقلابی‌گری است. این مبانی، ارزش‌ها، اهداف و جهت‌گیری‌ها به سیره نظری و عملی مبارز کبیر انقلاب اسلامی و در میثاق ملی و اصول مترقی قانون

ساخته شده است، باید بعد از شناسایی استعدادها آنها را گروه‌بندی کرد، تا معلوم شود هر کس و هر گروهی در کجا می‌توانند قرار بگیرند و بعد از گروه‌بندی باید به آنها میدان شکستگی داد. وجود یک مدیریت هماهنگ و همفکر و منسجم، با شاخه‌ها و رشته‌های فراوان برای مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی در دوران سازندگی بعد از پیروزی انقلاب لازم است.

شاخصیت و مکتب امام(ره) شکل گرفته بود، در دوران فتنه ۸۸ و پس از آن به شیوه‌های دیگری فعال شد و با محدود کردن سیره امام(ره) به بعد جمهوریت نظام، محصور کردن قیام و حرکت امام(ره) به محدوده جغرافیایی ایران، معرفی شخصیتی جدید از امام با تأکید بر ویژگی‌های رحمانی، اخلاقی و عاطفی ایشان و نادیده‌انگاری جنبه‌های نظام‌سازی، عدالت‌محوری، استکبارستیزی و نگرش‌های متفکرمعاصر و جهانی ایشان و فراموشی سیره امام در رویارویی با جریان‌های انحرافی و رویکردهای اشرافی‌گری ادامه یافت. انقلابی‌گری در چنین وضعیتی، تبیین مستمر شاخصه‌های مکتب امام، ایستادگی در برابر تحریف‌کنندگان و مطالبه‌گری از سطوح مختلف جامعه و مسئولان در پایبندی به این شاخصه‌ها است.

۲- پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور؛ افزایش اقتدار جمهوری اسلامی ایران، زمینه تهدیدات نظامی علیه استقلال کشور را به حداقل رسانده و آن را امری غیرمحتمل کرده است؛ اما مخاطرات آن در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همچنان باقی است و نسبت به گذشته از گستره و پیچیدگی بیشتری برخوردار شده است. در این وضعیت، انقلابی‌گری تنها با اعتماد به مسیر نفوذ را برای دشمن باز کند

تنها با اعتماد به توانمندی‌های داخلی، تمرکز بر ظرفیت‌های درون‌زا و اتکا به مدل‌های اسلامی - ایرانی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سازگار است.

۳- استکبارستیزی، حساسیت در برابر دشمن و توهم پنداشتن دشمن، ندیدن مخملی، کاهش حساسیت عمومی نسبت به شیوه‌ها و حیل‌های دشمن، بی‌توجهی به واقعیت‌های صحنه جهانی و موقعیت منطقه‌ای و جهانی ایران، اعتماد به دشمن و بی‌اعتمادی به وعده نصرت خدا تنها می‌تواند مسیر نفوذ را برای دشمن باز کند

تنها با اعتماد به توانمندی‌های داخلی، تمرکز بر ظرفیت‌های درون‌زا و اتکا به مدل‌های اسلامی - ایرانی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سازگار است.

۴- استکبارستیزی، حساسیت در برابر دشمن و توهم پنداشتن دشمن، ندیدن مخملی، کاهش حساسیت عمومی نسبت به شیوه‌ها و حیل‌های دشمن، بی‌توجهی به واقعیت‌های صحنه جهانی و موقعیت منطقه‌ای و جهانی ایران، اعتماد به دشمن و بی‌اعتمادی به وعده نصرت خدا تنها می‌تواند مسیر نفوذ را برای دشمن باز کند

تنها با اعتماد به توانمندی‌های داخلی، تمرکز بر ظرفیت‌های درون‌زا و اتکا به مدل‌های اسلامی - ایرانی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سازگار است.

۵- تکلیف‌گرایی و تقوای دینی و سیاسی؛ از مشخصه‌های انقلابی‌گری است و این یکی از رموز موفقیت امام خمینی(ره) در سبک زندگی و در رهبری انقلاب و نظام بود. دال مرکزی گفتمان امام(ره) «اسلام ناب» بود و مجاهدت امام و «قیامت‌الله» ایشان برای پیادسازی اسلام و احکام مترقی آن در جامعه و در بستر نظام مردم‌سالار دینی صورت گرفت. باور به چنین رویکردی و پایبندی به آن می‌تواند نوعی مصونیت ایجاد کند و جلوی انحراف و لغزش را بگیرد.

۶- مبارزه جدی و عملی با فقر، فساد و تبعیض؛ این شاخصه از ارزش‌های اسلامی و از آرمان‌های انقلاب بوده و همواره به مثابه یکی از مطالبات جدی امام(ره)، رهبری و مردم دنبال شده است؛ اما این معضلات که بر ضریب اعتماد عمومی نسبت به نظام و کارآمدی آن تأثیرگذار است، در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و در نتیجه اجرای الگوهای عاریتی رشد و توسعه، روز رند به رشدی یافت و فرمان هفتص ماده‌ای رهبر معظم انقلاب برای مبارزه با مفاسد اقتصادی در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ نیز در پیچ‌وخم بحث‌های نظری و سهل‌انگاری‌های مدیریتی گرفتار شد و با وجود تأکیدات معظم‌له در این فرمان بر ضرورت برخورد یکسان با فساد در هر جا و هر مسند، قاطعیت و تزلزل نیافتن دستگاه‌های دولتی و قضایی در برخورد با مجرم و متخلف تبعیض قائل نشدن در امر مبارزه با فساد و معاف نبودن هیچ شخص یا نهادی با عذر انتساب به رهبری یا دیگر مسئولان کشور، به نظر می‌رسد تحقق این امر مهم همچنان انتظاری طولانی می‌طلبد و با وجود مجموعه اقدامات دستگاه قضایی در سال‌های اخیر و بازشدن پرونده‌های جدید، باید اذعان کرد که موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی همچنان یک مطالبه به روز و همیشگی است.

یادداشت



خنجر محافظه‌کاری بر خنجره انقلاب

□ **مهدی عامری /** «انقلاب تمام شده و اینک وقت حکومت کردن است.» این جمله از جملات و تفکرات خطرناکی است که به جد باید در مقابل آن ایستاد و از نشر و ترویج آن به عنوان یک منکر بزرگ جلوگیری کرد.

ثمره چنین دیدگاهی فروکاستن از ماهیت انقلاب مردمی ایران به یک اعتراض خرد در برابر یک حاکم طاغوتی و ظالم است. فهم نادرست از ماهیت انقلاب موجب القای این موضوع می‌شود که نهایت تلاش یک مسئول، آبادانی و رفاه مردم کشور است که البته به همان هم نخواهد رسید. پشیمان‌ها و رفاه‌زدگان که حتی از شعارهای انقلابی مانند ساده‌زیستی و مردم‌داری و کار بی‌منت و جهادی خسته شده‌اند، چگونه توان عمل انقلابی خواهند داشت؟ ثمره نگاه پایان انقلاب و آغاز حکومت، محافظه‌کاری در تمام امور است و اینکه در برابر این تفکر باید بدون مامشات ایستاد به این دلیل است که به فرموده رهبر معظم، محافظه‌کاری قتلگاہ انقلاب است و در حقیقت این تغییر در «ماهیت» انقلاب، «وجود» انقلاب را هدف قرار داده و به مخاطره می‌اندازد. محافظه‌کاران گاه با جذب عقلانیت، گاه با شعار صلح و جدج، گاه با زرمزه اعتدال و دوری از افراط‌گرایی، تیشه به ریشه انقلاب می‌زنند و آرمان‌های اساسی امام راحل مانند استکبارستیزی، کمک و همراهی با مظلومان و مستضعفان عالم، عزت‌خواهی و عزت‌طلبی را به مسلخ محافظه‌کاری خود می‌برند. در دهه پنجم انقلاب با وجود رویش‌های کاربلد انقلابی باید بدان کار از محافظه‌کاران گرفته شود. روحیه انقلابی به معنای حضور فعال و مؤثر، همراهِ با مقاومت و تکیه به توان بالای مردم و توکل الهی با پشتوانه تقوای فردی و اجتماعی و تعبد تنها راه نجات کشور از سختی‌ها و مشکلات است. حوزه علمیه، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های مختلف در هر رفتار و گفتار خود باید اندیشه انقلابی داشته باشند. در این صورت خلاقیت، نوآوری، شجاعت، غیرت و انضباط گسترش یافته و مدیریت در عرصه‌های علمی، سیاسی و فرهنگی روز به روز به پیش خواهد رفت.

مختصر اینکه روحیه انقلابی همان تفکر بسیجی است که اسامه راحل طیارنداز شدن آن در کشور را مانعی برای طمع دشمن دانستند؛ چرا که انسان انقلابی مخلص با خداوند معامله کرده و تلمیع و تهدید در او اثر نخواهد کرد. از سوی دیگر، به تعبیر امام(ره) فقدان چنین روحیه‌ای حادثه‌ساز است و در نبود آن هر روز باید منتظر حادثه ماند؛ چرا که بستر نفوذ دشمن همین افراد خسته و محافظه‌کارند و منشأ هر فساد و کم‌کاری نیز محافظه‌کاران و رفاه‌طلبان هستند. افرادی که نه برای استقلال کشور در برابر دشمن خارجی ارزش قائل هستند و نه در داخل آزادی ملت و عدالت را برمی‌تابند. بی‌تفاوت بودن و نداشتن موضع در مواقع حساس از ترس از دست دادن موقعیت و مقام سبب می‌شود تصمیم‌گیری‌ها بر مبانی منافع شخصی و گروهی باشد و لذا در نظر گرفتن منافع ملی در تفاوت انسان انقلابی و غیر انقلابی در همین نکات است، نه در ظاهر افراد. تفکر انقلابی لازمه پیشرفت و حلال مشکلات کشور در دهه آینده خواهد بود.

چراکه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در تقابل با دشمنان قسم خورده ملت ایران که از هیچ اقدام و جنایتی برای متوقف کردن ملت ما دریغ نمی‌کنند تنها و تنها با تجهیز به روحیه انقلابی و ارزش‌های برآمده از انقلاب شکوهمند سال ۱۳۵۷ ممکن و میسر خواهد بود و لاغیر.

بایدها و نیاید‌های مسیر تعالی انقلاب اسلامی

الگوی پیشرفت



عنوان مقصد انقلاب اسلامی مورد توجه باشد. **ب- راه‌های رسیدن به الگوی پیشرفت**

۱- باور همگانی

برای رسیدن به پیشرفت به همراهی سه ضلعی دولت، نخبگان و مردم نیاز است. اگر دولت در رأس این اضلاع باشد، نخبگان باید با انجام پژوهش‌ها و الگوسازی و همچنین تولید نظریه‌هایی که به پیشرفت کشور کمک می‌کند، راه را برای فعالیت‌های مسئولان اجرایی دولت هموار کنند و مردم نیز ضمن مطالبه پیشرفت اسلامی به دولت در اجرایی کردن آن و در ریل قرار دادن دولت‌ها کمک می‌کنند. نخبگان باید توجه کنند که تحقیقات دانشگاهی و پروژه‌ها به سمتی بروند که مشکلات کاستی‌های نظام اسلامی بدون الگویی از غرب بر طرف شود و طبق فرمایش حضرت آقا در این موضوع ما باید توجه داشته باشیم که دوباره به سمت اندیشه‌های غربی گرایش پیدا نکنیم

۲- فعالیت‌های اجرایی؛ پس از باور این موضوع از طرف اضلاع مورد اشاره (نخبگان، مسئولان و مردم) در سیاست‌های کلی نظام و همچنین برنامه‌نویسی‌ها اولین هدف باید پیشرفت ایرانی اسلامی باشد؛ زیرا اگر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت صرفاً بر روی کاغذ باشد و در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار نگیرد و در زندگی مردم ملموس نباشد، ارزشی ندارد. پس مسئولان برای محقق شدن اهداف انقلاب باید آن را وارد برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی خود کنند.

۳- عزت ملی؛ پیشرفت باید به استقلال اقتصادی منجر شود و وابستگی‌ها از بین برود، اکنون در بسیاری از کشورهای به اصطلاح پیشرفته شاهد انواع مختلفی از وابستگی به کشورهای صاحب قدرت هستیم؛ اما این پیشرفت‌ها به عزت ملی منجر نشده است، در حالی که در الگوی جمهوری اسلامی باید این موضوع سبب اعتماد ملی و عزت نفس شود.

این مسیر بسیار دشواری است، چرا که جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که می‌خواهد به تنهایی در جاده پر پیچ و خم آن قدم بگذارد. اما تجربه انقلاب اسلامی در مقابله با مشکلات نشان داده است که در صورت همراهی‌ها و پشتیبان‌ها این راه نیز اختفاری دیگر برای انقلاب اسلامی می‌آفریند.

دادگاهی پاسخگو نباشند و حتی مدال افتخار نیز دریافت کنند، در این مقطع پیشرفت انسان صرفاً برای لذایذ مادی، حتی به قیمت کشتن آدم‌ها صورت می‌گیرد؛ اما در مکتب نورانی اسلام قیامت‌گشایی اسلامی مختصر به زینت آن است، پیشرفت معنای دیگری دارد و انسان تک‌بعدی نیست؛ بلکه با دو بعد معنوی و مادی به سوی پیشرفت می‌رود و در آن نه تنها جان انسان‌ها محترم است، بلکه روح انسان‌ها هم در آن احساس خوشایندی دارد که البته جا دارد مسئولان در تبیین پیشرفت اسلامی بیشتر تأمل کنند.

۲- ناکافی بودن پیشرفت غربی برای کشور ما؛ اگر تمام توسعه غرب به عین در ایران اتفاق بیفتد و حتی جمهوری اسلامی ایران یک ژاپن اسلامی و بلکه بهتر از آن بشود، ولی در اهداف اسلامی و انقلابی خود در دوران جاهلیت پیش از انقلاب باشد، انقلاب متضرر شده است و نمی‌توان ادعا کرد که این انقلاب اسلامی هنوز هم ادامه دارد؛ بلکه بسان گندم سن زده‌ای است که شیره جانش را مکیده، ولی شمای زیبای آن دل و جان هر بیننده‌ای را می‌رباید. این تفاوت به دلیل تفاوت در نگاه ریشه‌ای

عنوان مقصد انقلاب اسلامی مورد توجه باشد. **ب- راه‌های رسیدن به الگوی پیشرفت**

۱- باور همگانی

برای رسیدن به پیشرفت به همراهی سه ضلعی دولت، نخبگان و مردم نیاز است. اگر دولت در رأس این اضلاع باشد، نخبگان باید با انجام پژوهش‌ها و الگوسازی و همچنین تولید نظریه‌هایی که به پیشرفت کشور کمک می‌کند، راه را برای فعالیت‌های مسئولان اجرایی دولت هموار کنند و مردم نیز ضمن مطالبه پیشرفت اسلامی به دولت در اجرایی کردن آن و در ریل قرار دادن دولت‌ها کمک می‌کنند. نخبگان باید توجه کنند که تحقیقات دانشگاهی و پروژه‌ها به سمتی بروند که مشکلات کاستی‌های نظام اسلامی بدون الگویی از غرب بر طرف شود و طبق فرمایش حضرت آقا در این موضوع ما باید توجه داشته باشیم که دوباره به سمت اندیشه‌های غربی گرایش پیدا نکنیم

۲- فعالیت‌های اجرایی؛ پس از باور این موضوع از طرف اضلاع مورد اشاره (نخبگان، مسئولان و مردم) در سیاست‌های کلی نظام و همچنین برنامه‌نویسی‌ها اولین هدف باید پیشرفت ایرانی اسلامی باشد؛ زیرا اگر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت صرفاً بر روی کاغذ باشد و در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار نگیرد و در زندگی مردم ملموس نباشد، ارزشی ندارد. پس مسئولان برای محقق شدن اهداف انقلاب باید آن را وارد برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی خود کنند.

۳- عزت ملی؛ پیشرفت باید به استقلال اقتصادی منجر شود و وابستگی‌ها از بین برود، اکنون در بسیاری از کشورهای به اصطلاح پیشرفته شاهد انواع مختلفی از وابستگی به کشورهای صاحب قدرت هستیم؛ اما این پیشرفت‌ها به عزت ملی منجر نشده است، در حالی که در الگوی جمهوری اسلامی باید این موضوع سبب اعتماد ملی و عزت نفس شود.

این مسیر بسیار دشواری است، چرا که جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که می‌خواهد به تنهایی در جاده پر پیچ و خم آن قدم بگذارد. اما تجربه انقلاب اسلامی در مقابله با مشکلات نشان داده است که در صورت همراهی‌ها و پشتیبان‌ها این راه نیز اختفاری دیگر برای انقلاب اسلامی می‌آفریند.



یادداشت



تجربه موفق اعتماد به نسل جوان

□ **اکبر معصومی /** پیروزی

انقلاب اسلامی ایران در نیمه دوم قرن بیستم یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های بین‌المللی است.انقلاب اسلامی ایران بدون تأثیرپذیری از قدرت‌های جهانی، توانست بود نیز در عرصه‌های بین‌المللی تأثیرگذار باشد. اصولاً انقلاب‌ها دو نوع هستند:

۱- انقلاب‌هایی که ماهیت مصادی دارند و صرفاً برای حل مشکلات اقتصادی یک کشور اتفاق افتاده است؛ از این رو ماندگاری چنین انقلاب‌هایی بسیار کم است و پس از مدتی هویت انقلابی خود را از دست می‌دهند.

۲- انقلاب‌هایی که ماهیت دینی و جهان‌شمولی دارند. در واقع، این انقلاب‌ها ماندگاری بیشتری دارند و برخلاف نوع اول در مبدأ خود محصور نمی‌شوند و خیلی زودتر به فراتر از مرز خود گسترش پیدا می‌کنند. انقلاب اسلامی ایران نیز از چنین هویت و ماهیتی برخوردار است. این انقلاب توانست در همان روزهای نخست خود با اتکا بر جوانان خود به بیرون از مرزهای خود گسترش پیدا کند. نشانه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی از همان روزهای نخستین انقلاب اسلامی به وضوح دیده شد.

مسلمانان منطقه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دچار بی‌هویتی دینی شده بودند و اصولاً به سمت جریان‌های چپی سوق داده می‌شدند؛اما با پیروزی انقلاب اسلامی مسلمانان هویت دینی پیدا کردند و توانستند به نوعی به خویشتن برگردند. امروز با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، می‌توان به وضوح تأثیر انقلاب اسلامی را در ترویج و گسترش فرهنگ ناب اسلام که خاستگاه آن انقلاب اسلامی است، در جای‌جای جهان لمس کرد. این انقلاب از همان ابتدا توانست با اعتماد امام راحل بنیانگذار انقلاب اسلامی به جوانان انقلابی در برهه‌های حساس، از جمله ترورهای افراد انقلابی و جنگ تحمیلی پایه‌های خود را مستحکم کند و امروز نیز باید چنین باشد. با توجه به تجربه موفق انقلاب اسلامی در روزهای حساس و نخست انقلاب اسلامی به جوانان انقلابی، امروزه نیز به نظر می‌رسد راه ثبات و ماندگاری انقلاب اسلامی جوان‌گرایی و اعتماد به جوانان در سطوح مختلف اجرایی و مدیریتی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز که

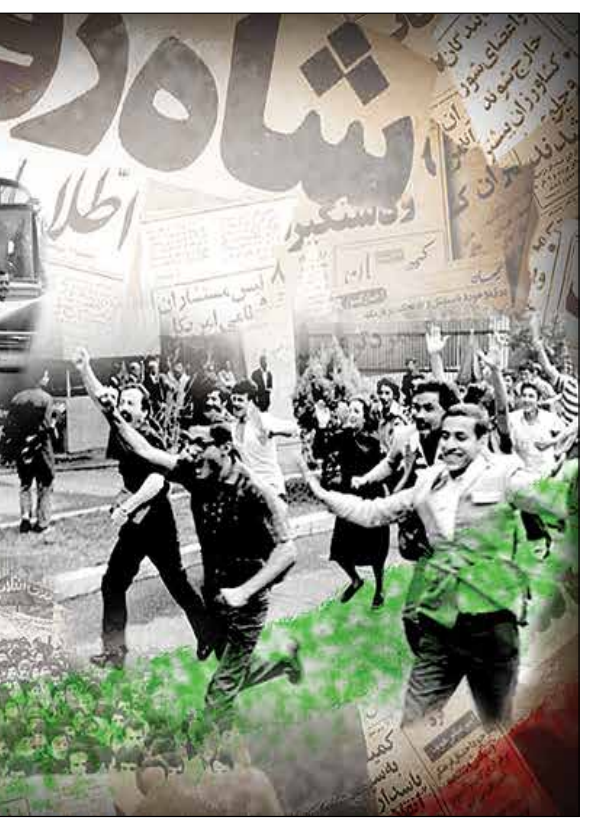
همواره بر استفاده از نیروهای مؤمن و انقلابی، به ویژه جوانان تأکید دارند، در دیدار اخیر خود با دانش آموزان و دانشجویان فرمودند: «سازش با آمریکا مشکلات کشور را حل نمی‌کند؛ بلکه افزایش خواهد داد، مشکلات اقتصادی اگر داشته باشیم مشکلات ما را خودمان باید حل کنیم، مشکلات ما را باید جوانان حل کنند.»

در واقع، طبق تجربه موفق قبلی نظام در اعتماد به جوانان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رهبری راه حل مشکلات فعلی کشور را در اعتماد به جوانان مطرح می‌کنند. نگاه به امروزه دولت یازدهم در حل مشکلات اقتصادی به بیرون از مرزها دارد و هیچ توجهی به جوانان کشور ندارد، نظام جمهوری اسلامی ایران را دچار مشکلات عدیده‌ای کرده

است. به عبارتی، دولت یازدهم نه تنها نتوانسته است با چنین تفکری مطرح می‌کند؛ بلکه مشکلات هر روز بر مشکلات مردم افزوده شده‌است. به نظر می‌رسد، یکی از ضرورت‌های اصلی امروز انقلاب اسلامی ایران توجه به نسل جوان است تا بر همه مشکلات اساسی همانند دهه‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی فائق آید.



انقلاب اسلامی ایران خط بطلانی بر سیاست‌های منطقه‌ای غرب



تا دیروز مناسبات همکاری‌جویانه با رژیم صهیونیستی داشت، دارای یک حکومت اسلامی شد که نه تنها با رژیم غاصب صهیونیستی مخالف بود؛ بلکه بر این باور بود که این رژیم هیچ گونه مشروعیتی نداشته و باید نابود شود.

به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی ایران با برجسته شدن مسئله اشغال فلسطین و تأکید بر ضرورت مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی تا نابودی آن موجب شد یکی از شعارهای اصلی

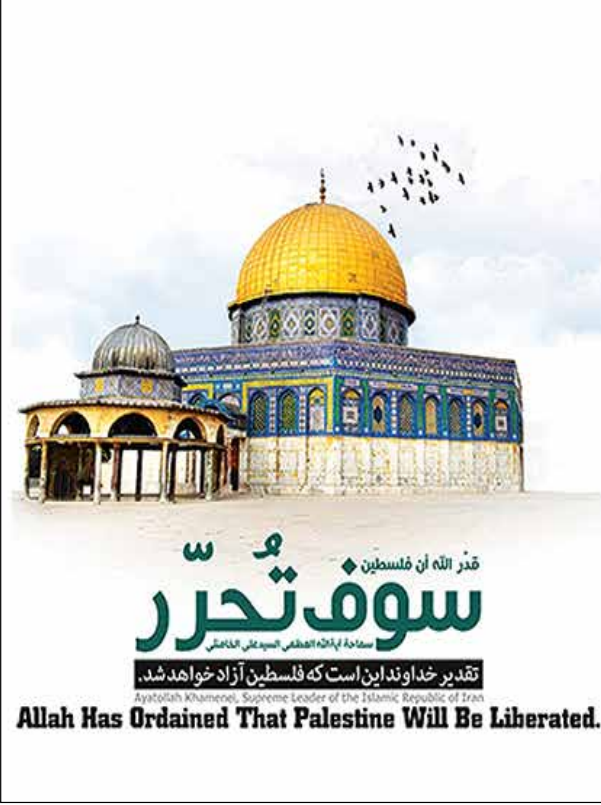
مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران تجدید حیات اسلامی در منطقه راهبردی غرب آسیا بود

که بیداری و همگرایی اسلامی میان مسلمانان منطقه و متزلزل کردن رژیم‌های وابسته به نظام سلطه در ممالک اسلامی و بلاد عربی را به دنبال داشت

بنیادگرایی اسلامی در منطقه ضدیت با رژیم جعلی صهیونیستی در آید. به همین منظور ابتدا با زیر سؤال بردن مشروعیت این رژیم و جعلی خواندن آن و سپس با بیان اینکه موضوع فلسطین یک قضیه اسلامی است و نه عربی، خواستار تشکیل جبهه‌ای برای مبارزه با رژیم اشغالگر قدس شد. اما آنچه در این میان اهمیت دارد و بررسی آن به نوعی مغفول مانده است، تبیین راهبردها و

دکتر حسن بنیانیان: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اولین و شاید یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌های وارده به انقلاب اسلامی ترور جمعی از بهترین نظریه‌پردازانی بود که از یک سو سال‌ها در محضر حضرت امام(ره) آموزش دیده بودند و از سوی دیگر در کوران تجربیات انقلاب با مسائل داخلی و جهانی آشنا شده بودند و در عین حال از هوش و ذکاوت و تکنیک‌های علمی لازم برای نظریه‌پردازی جهت استقرار یک نظریه جدید در لباس حکومت برخوردار بودند.

انقلاب اسلامی ایران خط بطلانی بر سیاست‌های منطقه‌ای غرب



این‌رو، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رسانه‌های غربی نوعی تصویرسازی از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کنند و به دنبال آن فشار دول غربی و روند بی‌نتیجه و هدف‌دار مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای غربی موسوم به گروه ۵+۱ شکل می‌گیرد؛ اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، اینکه جریان صهیونیسم اهدافی چون انحراف افکار عمومی منطقه و جهان از وجود تهدیدات مخرب تأسیسات، اینک به کشورهای غربی موسوم به گروه ۵+۱ شکل می‌گیرد؛ اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، اینکه جریان صهیونیسم اهدافی چون انحراف افکار عمومی منطقه و جهان از وجود تهدیدات مخرب تأسیسات، اینک به کشورهای غربی موسوم به گروه ۵+۱ شکل می‌گیرد؛ اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، اینکه

انقلاب اسلامی ایران با انتخاب مسئله فلسطین به یکی از آرمان‌های اصلی خود توانست در راستای آزادی فلسطین «گفتنمان‌سازی» کرده و تحول بزرگی در روش مبارزاتی گروه‌های فلسطینی به وجود آورد

اتمی رژیم صهیونیستی و وجود پایگاه‌های تسلیحات کشتار جمعی غرب در کشورهای منطقه و همچنین انبارهای اتمی نظام سلطه را دنبال می‌کند.

بهار عربی و جنگ نیابتی ایران با رشد فزاینده بیداری اسلامی در منطقه و متزلزل شدن پایه‌های حکومت دول غرب‌گرای عربی، جریان

غرب که بر اساس ذهنیت‌ها و تصورات صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده، برسی و تحلیل می‌شود.

راهبرد ایران‌هراسی

جریان صهیونیسم با بزرگنمایی تهدید جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا و غرب را بر اساس پروژهای به نام «ایران‌هراسی» کلید زدند. این پروژه که بیشتر جنبه روانی داشت و امپراتوری رسانه‌ای نظام سلطه را به کار گرفته بود، تلاش داشت با به چالش کشیدن قدرت منطقه‌ای ایران، اهداف مهم‌تری چون خارج کردن مسئله اشغالگری فلسطین، عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با دول غربگرای عربی، دامن زدن به اختلافات مذهبی شیعه و سنی و انحراف افکار عمومی، چپاول منابع انرژی منطقه را دنبال کند.

پرونده‌ای ساختگی به نام سلاح اتمی

جریان صهیونیسم بین‌الملل طی دهه اخیر به شکل افراق شد‌ای در صحنه سیاسی و رسانه‌ای جهان، تلاش کرده است برنامه صلح‌آمیز انبارهای اتمی نظام سلطه را دنبال می‌کند.
جریان صهیونیسم بین‌الملل تلاش کرده است برنامه صلح‌آمیز انبارهای اتمی نظام سلطه را دنبال می‌کند.
جریان صهیونیستی با به کار گرفتن قدرت و ظرفیت لابی‌های یهودی تلاش کردند با بزرگنمایی تهدیدات جمهوری اسلامی ایران، راهبردها و سیاست‌های غرب را حول محور مقابله جمعی علیه ایران سازماندهی کنند. در ادامه سیاست‌های منطقه‌ای

چشم‌انداز انقلاب اسلامی در دهه پنجم

مدیریت خط مقاومت



روز برای حفظ وضع موجود اقدام کنند. بر همین اساس نیز آنها ادعا دارند که ایران باید در چار چوب جمهوری اسلامی رفتار کرده و انقلاب اسلامی را به تاریخ سپرد. پیروان این نظر به مدعی هستند که عمر انقلاب تا زمان استقرار نظام است و پس از آن دیگر نباید به دنبال آرمان‌ها و اهداف انقلابی بود. بر اساس این دیدگاه نیز کنار نهادن حضور در جبهه مقاومت و حتی مؤلفه‌های جایگزینی همچون رویکرد به قدرت‌ها(ممالک عنوانی آمریکا) برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای را مطرح می‌کنند. آنها معتقدند با کنار نهادن روحیه انقلابی و مقاومت می‌توان با همراه شدن با آمریکا در معادلات منطقه از انزوا خارج و به عبارتی وارد جامعه جهانی شد.

حال این سؤال مطرح است که آیا ورود به چنین عرصه‌ای می‌تواند دستاوردهای ادعایی را به همراه داشته باشد، یا همچنان تنها تحقق‌بخش اهداف همان روحیه مقاومتی است؟ بررسی تحولات در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد که در هر مقطعی که مقاومت محور حرکت‌های نظام و مردم بوده، دستاوردهای چشمگیری داشته است. برای

یادداشت



چرخش نخبگان

□ **مصطفی قربانی /** کارگزاران

نظام‌های سیاسی را در حکم قوای حاسه و دست و پاهای این نظام‌ها دانسته‌اند که جز با وجود آنها تحقق اهداف این نظام‌ها، امکان‌پذیر نیست. براساس تحلیل‌های کارگزارمحور، برای تجزیه و تحلیل و فهم کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی باید به تحلیل کارگزاران، اندیشه‌ها و نیت‌های آنها پرداخت. هر چند این دست تحلیل‌ها ساده و تک‌علتی هستند و در نهایت باید به قوام‌بخشی متقابل ساختار و کارگزار در تعیین‌بخشی به پدیده‌های اجتماعی معتقد بود؛ اما همین موضوع هم اهمیت بی‌بدیل کارگزاران را در تعیین سرنوشت نظام‌های سیاسی نشان می‌دهد.

گردش یا چرخش منطقی و مناسب کارگزاران ضرورتی اساسی برای کشورداری موفق محسوب می‌شود؛ زیرا طبیعتاً همه نخبگان یا کارگزاران نظام دیدگاه یکسانی ندارند و چنانچه چرخش منطقی در میان آنها صورت نگیرد، چه بسا روند اداره امور کشور دچار یکنواختی، ایستایی و رکود شود. بر همین اساس است که در همه نظام‌های سیاسی سازوکارهایی چون وجود احزاب سیاسی که محل تجمع نخبگان سیاسی است، شکل گرفته تا در قالب انتخابات برای چرخش نخبگان رقابت صورت بگیرد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به این مهم توجه شده و وجود احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف در کشور و همچنین برگزاری به طور میانگین هر سال یک انتخابات به خوبی تعبیه این سازوکار و توجه به آن را در نظام جمهوری اسلامی ایران نشان داده است. با این وجود، سرعت تحولات جهانی از یک‌سو، تغییرات هرم سنی جامعه و افزایش جمعیت جوانان تحصیل کرده و نخبه و همچنین وجود پارای از معضلات و چالش‌ها در کشور

که ریشه در بی‌تحریکی و بی‌مسئولیتی نخبگان و کارگزاران کشور دارد، ضرورت چرخش پیاده و سریع‌تر نخبگان و واگذاری مقصد، امور به نخبگان با مهارت کافی، متعهد به آرمان‌ها و ارزش‌های نظام و انقلاب و برآمده از متن مردم را گوشزد می‌کند. شاید براساس همین ضرورت بود که رهبر فرزانه انقلاب در ۱۴ خرداد امسال در جوار بارگاه ملکوتی امام راحل(ره)، انقلاب را رودی روان و حقیقتی همیشگی معرفی کردند و در تبیین مفهوم انقلابی‌گری و شاخص‌هایش، آن را مفهومی شتیک و ذی‌مراتب دانستند و فرمودند: «توقع یک میزان انقلابی‌گری از همه کسانی که در مسیر شاخص‌ها و جهت‌گیری‌های انقلاب حرکت می‌کنند، اشتباه است و اصل بر این است که شاخص‌های انقلابی‌گری وجود داشته باشد. … ممکن است فردی نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی، بهتر حرکت کند و فرد دیگری با شدت و جدیت او حرکت کند؛ اما هر دو انقلابی هستند و نمی‌توان هر فردی را که در مسیر شاخص‌های انقلاب قرار دارد، اما خوب حرکت نمی‌کند، متهم به غیرانقلابی‌گری و ضدانقلاب بودن، کرد.»

در واقع، به نظر می‌رسد، یکی از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب از بیان فراز فسوق، فراهم کردن زمینه برای چرخش منطقی و مناسب نخبگان و جوان‌گرایی و شایسته‌سالاری در دستگاه دپواتی کشور است؛ زیرا با عنایت به اینکه کشور در آستانه یک گذار برون‌نسلی قرار دارد که طی آن نسلی‌های دوم و سوم انقلاب باید جایگزین نسل اول انقلاب شود و به نفعی مسئولیت‌های خطیر انقلاب، نظام اسلامی و کشور را برعهده بگیرد، معظم‌له می‌خواهند با این مسئله احتمالی که ممکن است در برخی جاها به نیروهای مؤمن و انقلابی جوان، میدان ندهند، مقابله کرده و خطرات آن را گوشزد کنند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که باتوجه به اینکه نسل اول انقلاب باید دیر یا زود پرچم انقلاب را به نسل‌های بعد واگذارد کند، ایشان با تأکید بر این مسئله، تصمیم دارند ضمن مقدمه‌چینی برای تسهیل ورود نسل‌های دوم و سوم انقلاب به عرصه‌های خطیرتر، به نوعی روحیه خودباوری را به آنها تزریق کنند؛ بنابراین، چرخش نخبگان در برهه کنونی ضرورتی برای انقلاب و ضامن کارآمدی آن است.

و همچنان می‌تواند زمینه‌ساز دستاوردهای عظیمی در عرصه داخلی کشور باشد.

باید در نظر داشت که مقاومت صرفاً در بعد نظامی و امنیتی تعریف نمی‌شود؛ بلکه مقاومت یک فرهنگ و اصل است که نهادینه شدن آن در هر ملتی آن را به سر منزل مقصود خواهد رساند.

نکته دیگر شرایط حاکم بر منطقه است. از یک سو تروریسم همچنان در منطقه جولان می‌دهد و از سوی دیگر ساختار سلطه‌گر در حال گسترش تحرکات خود در منطقه است، چنانکه رقابتی سخت میان قدرت‌ها برای نفوذ در منطقه ایجاد شده است. آنچه تاکنون مانع از نفوذ تروریسم به کشور و حفظ امنیت ملی شده و از سوی دیگر مقابله با طراحی‌های سلطه‌گران را رقم زده است، حضور ایران در عرصه مقاومت بوده است. با توجه به روند تحولات منطقه استمرار حضور در عرصه مقاومت مهم‌ترین اصلی است که می‌تواند در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و در مجموع مقابله با تهدیدات منطقه‌ای نقشی مهم و مؤثر داشته باشد. یک نکته مهم در معادلات منطقه مشاهده می‌شود و آن اینکه آمریکا خود بخشی از بحران است و نه حلال بحران. آمریکایی که خود زمینه‌ساز ایجاد تروریسم و بحران‌های منطقه‌ای بوده و از سوی دیگر اصل اولیه آن مقابله با انقلاب‌های مردمی و به ویژه جمهوری اسلامی است، قطعاً نمی‌تواند اسباب ارتقای جایگاه و اهداف منطقه‌ای ایران را فراهم آورد. ساختار آمریکا نشان می‌دهد که این کشور نه به دنبال تعامل و تقسیم منافع با کشورهای دیگر، بلکه خواستار بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورها برای منافع خود است و در این راه حتی متحدانش را نیز قربانی می‌کند که نمود آن رفتارش با صدام، ترکیه و بسیاری از کشورهای منطقه است. آمریکا در نهایت به دنبال نابودی کل منطقه است و لیخنده‌های آن تصنعی است.

در مجموع می‌توان گفت، حفظ و استمرار حرکت در چارچوب مقاومت با آسیب‌شناسی گذشته و ایجاد چشم‌اندازی روشن برای آینده مهم‌ترین اصل در تحقق اهداف منطقه‌ای و جهانی است و این مؤلفه‌ای است که قطعاً دستاوردهای بسیاری را همچون گذشته برای نظام اسلامی و ملت ایران رقم خواهد زد.

روایت بار

امام خامنه‌ای در گذر زمان -۱۲۷ انتخاب نخست‌وزیر

□ **سیدمهدی حسینی/ا**

در میحث گذشته به نحوه نامزدی امام‌خامنه‌ای در چهارمین دوره ریاست‌جمهوری پرداخته شد. رئیس‌جمهور پَس از انجام مراسم تنفیذ، الزاماً می‌بایست خودش فردی را برای مقام نخست‌وزیری انتخاب و به مجلس معرفی کند. از آنجا که معظم‌له نسبت به نخست‌وزیری میرحسین رضیانت نداشتند، تصمیم می‌گیرند برای دوره دوم فرد دیگری را معرفی کنند؛ اما فضای سیاسی به گونه‌ای دیگر مِم می‌خورد و عده‌ای از نمایندگان مجلس گزارش‌هایی به حضرت امام می‌دهند، حضرت امام خمینی نیز در تعیین نخست‌وزیری مجدد میرحسین تقریباً امر به تکلیف می‌کنند، علی‌اکبر ناطق‌نوری وزیر کشور وقت در خاطراتش به این موضوع اشاراتی داشته و آورده است: «پیشنهاد کردم که به اتفاق آقایان مهدوی، جنتی و یزدی خدمت امام برویم. این آقایان را دیدم و گفتم چهارتایی نزد امام می‌رویم و اگر امام جملهای گفت و قانع نشدید، زود بلند

نشویم... ما چهار نفر خدمت امام رفتیم، ابتدا آقای مهدوی موضوع را طرح کردند و آقایان هم به نوبت صحبت کردند تا نوبت من شد... گفتم: «آقای خامنه‌ای می‌گویند که اگر نظر شما آقای مهندس موسوی است حکم کنید، من در روز قیامت جواب شرعی ندارم، اما اگر ولی‌فقیه به من دستور دهد، حجت دارم.»

اینجا امام‌خمینی(ره) خیلی جدی فرمودند که «من حکم نمی‌کنم، اما من به عنوان یک شهروند حق دارم نظر خودم را بدهم یا خیر؟» خیلی جالب بود این عین عبارت امام بود.

این جمله را که ایشان فرمودند، همه چیز روشن شد و واقعاً معلوم شد که موضوع چقدر عمق دارد. پس از اینکه فهمیدیم نظر قطعی ام‌م، مهندس موسوی است، در محل دفتر ریاست‌جمهوری خدمت آقای خامنه‌ای رفتیم و ماجرا را خدمت ایشان شرح داده و گفتیم: این دیگر حکم است، امام فقط لفظ حکم را نگفتند، امام تا آخر ایستاده است، اینکه ایشان می‌فرمایند جز موسوی خیانت به اسلام است، حکم است، آقای خامنه‌ای فرمودند: «برای من اتمام حجت شد.»

وقتی که امام خامنه‌ای، مجدداً موسوی را در مقام نخست‌وزیر به مجلس معرفی کردند، ۹۹ نفر از نمایندگان به آقای موسوی رأی اعتماد ندادند به تعبیر آقای ناطق «طرفداران آقای موسوی این ۹۹ اسم را پیراهن عثمان کردند و هر کس را که می‌خواستند بکوبند می‌گفتند جزو این ۹۹ نفر است، تقریباً ۲۰۰ نفر را اینها جزو آن ۹۹ نفر حساب کردند.»

درنگ

عواقب غفلت از مصلحت

گرچه به نظر اینجانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان، که در تشخیص این امر مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط، در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشد، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام،خامنه‌ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی، موسوی‌خوئینی‌ها و جناب آقای میرحسین موسوی و وزیر مربوط، برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد و در صورت لزوم اگر کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع مورد عمل قرار گیرد. احمد در این مجمع شرکت می‌نماید تا گزارش جلسات به اینجانب سرپوش برسد.

حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان را اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل مضللات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرتنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی دشمنی و خراج آنان پیروز گرداند. از خدای تعالی می‌خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید.

۱۷ بهمن ماه ۱۳۶۶
روح‌الله الموسوی الخمینی

شاگرد قدیم امام و علامه

□ **سیدمهدی حسینی/ا**

در بهمن ماه ۱۳۲۷، در پی حادثه ترور نافرجام محمدرضا شاه که حزب توده غیرقانونی اعلام شد، مرحله جدیدی از فعالیت آن آغاز شد. این دوره که تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تجدید حاکمیت دربار امتداد یافت، از بغرنج‌ترین و پرحادثه‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر ایران است.

در این دوران، حزب توده، به طور حیات سیاسی‌اش ادامه می‌دهد و در حوادث کشور نقشی مهم ایفا می‌کند، تا اینکه سرانجام در پی کودتای ۲۸ مرداد و با تحکیم سلطه شاه ـ آمریکا است: «پیشنهاد کردم که به اتفاق

آقایان مهدوی، جنتی و یزدی خدمت امام برویم. این آقایان را دیدم و گفتم چهارتایی نزد امام می‌رویم و اگر امام جملهای گفت و قانع نشدید، زود بلند نشویم... ما چهار نفر خدمت امام رفتیم، ابتدا آقای مهدوی موضوع را طرح کردند و آقایان هم به نوبت صحبت کردند تا نوبت من شد... گفتم: «آقای خامنه‌ای می‌گویند که اگر نظر شما آقای مهندس موسوی است حکم کنید، من در روز قیامت جواب شرعی ندارم، اما اگر ولی‌فقیه به من دستور دهد، حجت دارم.»

از آنجا که در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۷ نقش حزب توده در مسائل سیاسی کشور نقش در خور اعتنا است و به اعتقاد برخی از محققان سهم مهمی در استقرار سلطه ۲۵ ساله نو استعمار غرب (۱۳۳۲-۱۳۵۷) بر ایران داشته است، می‌کوشیم تا به نحو مسبوط‌تر و با بهره از نوشته‌ت دو نفر از رهبران سابق آن؛ محمدمهدی پرتوی و احسان طبری که پس از گسست از حزب توده، صادقانه به ارزیابی گذشته نشتنند، این مقطع را واکاوی کنیم: محمدمهدی پرتوی درباره حادثه ترور شاه و نقش مرموز استعمار انگلیس و همکاری آن با سران حزب توده و مقامات اطلاعاتی شوروی که به غیر قانونی شدن حزب توده منجر شد، چنین نوشته است: «در دوران پس از جنگ رقابت شدیدی بین انگلستان و آمریکا بر سر حفظ و یا کسب مواضع و منافع در ایران در گرفته بود. جناحی از هیئت حاکمه‌از جمله در دربار با گرایش به سوی امپریالیسم تازه‌نفس آمریکا می‌کوشید آینده خود را هر چه بیشتر تحکیم نماید. شاه که در پی تأمین اختیارات مطلقه و احیای دیکتاتوری فردی خویش بود،

تاریخ جهان

بسم‌اللهالرحمن الرحیم) در گذشت عالم پارسا و سالک الی‌الله، مرحوم آیت‌الله آقای حاج سیدابراهیم خسروشاهی(رضوان‌الله‌علیه) را به شاگردان و ارادتمندان و به ویژه به خاندان و بازماندگان مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این عالم بزرگوار، از شاگردان قدیم حضرت امام خمینی و علامه طباطبائی(اعلی‌الله‌مقامها) و از مستفیدان سلوک معنوی در محضر بزرگان اخلاق و معرفت و خود، آراسته به پرهیزکاری و پارسایی بود. از خاوندن رحمت و مغفرت و علو درجه برای ایشان تسنلت می‌کنم.اسیدعلی خامنه‌ای ۲ بهمن ۱۳۹۵

ترور مشکوک شاه



می‌کوشید مناسبات خود را با هر دو امپریالیسم آمریکا و انگلیس حفظ کند و از تضاد میان آنها در جهت مقاصد قدرت‌طلبانه خویش بهره جوید. سیرسیر حوادث به زبان مواضع امپریالیسم انگلستان نمی‌توانست بدون واکنش باقی بماند. این واکنش با اقدام به ترور شاه در ۱۵ بهمن‌ماه در محوطه دانشگاه تهران صورت پذیرفت. ضارب فرخ‌آرایی بود که با کارت خبرنگاری روزنامه پرچم اسلام در مراسم سالروز تأسیس دانشگاه تهران شرکت کرده بود. تمام مدارک و شواهد حاکی از آن است که در پشت این حادثه مرد قدرتمند ارتش و عامل مؤثر و امید آینده انگلستان، یعنی سپهد زرم‌آرا، رئیس ستاد ارتش که فردی جاططلب و قدرت‌پرست بود و خود را برای کسب قدرت مطلقه کشور آماده می‌کرد، قرار داشت. در واقع، ترور شاه مقدمه یک کودتای تمام‌عیار بود که می‌بایست در صورت کشمکش شدن شاه انجام پذیرد و یک دیکتاتوری نظامی به ریاست زرم‌آرا سر کار بیاید تا مواضع متزلزل شده انگلستان را در ایران کاملاً تحکیم نماید. در ضمن پیش‌بینی شده بود که در صورت عدم موفقیت طرح ترور شاه، شاه و اطرافیان او چنان مرعوب و مطیع خواهند شد که باز هم زمینه برای تحقق خواسته‌های انگلستان فراهم خواهد گردید.

۱۵ بهمن روز حادثه مصادف بود با برگزاری مراسم سالروز گذشت ارانی در امامزاده عبدالله از سوی حزب توده که به تصمیم رهبری

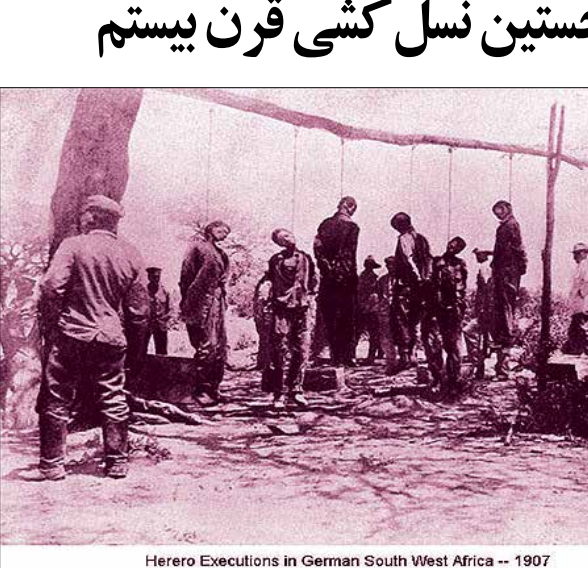
که ماشین‌نویس رکن دوم بوده، شب قبل در مطلب دکتر فقیهی ماشین کرده بود. این همه اصرار به اینکه کارت پرچم اسلام برای ضارب صادر شود، در حالی که قبلاً کارت خبرنگاری دیگری از روزنامه فریاد ملت داشته است، نشان می‌دهد که احتمالاً طراحان این برنامه در آغاز قصد داشته‌اند این ترور را به جمعیت‌ها و شخصیت‌های اسلامی، به ویژه آیت‌الله کاشانی نسبت دهند.» از نسوی دیگر در جریان حادثه، ناصر فرخ‌آرایی چند گلوله به سوی شاه شلیک می‌کند که تنها باعث جراحت سطحی در ناحیه لب او می‌شود و متقابلاً سرتیپ صفاری رئیس شهربانی گلوله‌ای به پای ضارب می‌زند و او را زخمی می‌کند و سرپاسبان عبدالرسل از پشت سر او را می‌گیرد. در این حال شوزه فریاد می‌زند او را نکشید و دکتر متین دفتری استاد دانشکده حقوق، فرمان شاه را تکرار می‌کند، اما افراد ناشناس از پشت سر پاسبان را آماج گلوله قرار می‌دهند و او خود را کنار می‌کشد آمد، بستن درب‌های سالن دانشکده حقوق و توقیف همه زعمای قوم بود… بعد از یک ساعت سرهنگ دفتری به سالن برگشت و مرده سلامتی شاه را به حضار داد و چون نقشه انجام شده بود، خواه ناخواه درهای سالن باز شد و مدعوین خارج گردیدند.»

ساعد نخست‌وزیر وقت نیز در خاطرات خود درباره این حادثه نوشته است: «چهارشنبه» چنین نظر داده است که «القائیان کشور اسرئیل را سرزمین اصلی خود دانسته و «چهارشنبه»(عضو دیگر ساواک) در گزارش خود تأیید کرده که شما علاقه‌ای به ایران نداشتید، بلکه می‌خواستید به اسرئیل بروید.» نماینده دادسرا افزود: «آقای القائیان، با این گزارش‌ها که پرورنده شما مضبوط است، دلیل ارتباط شما با اسرئیل و کمک مالی‌تان به صهیونیسم اسرئیل چیست؟ موضع اسرئیل در دنیا برای همه مشخص است، آیا نمی‌دانستید ارتباط شما با اسرئیل موجب از بین رفتن حقوق مردم ستم‌دیده مملکت می‌شود؟…»

القائیان در آخرین دفاع خود بار دیگر مدعی شد با صهیونیست‌ها ارتباطی نداشت‌ه و کمکی هم به آنها نکرده است تا اینکه ساعت یک بعد از ظهر روز هجدهم اردیبهشت ماه رئیس دادگاه به کفایت دادرسی رأی داد و دادگاه وارد شور شد. اعضای هیئت منصفه دادگاه به اتفاق آرا متهم را به اعدام محکوم کردند. این حکم بامداد ۱۹ اردیبهشت اجرا و حبیب‌الله القائیان تیرباران شد. از آنجا که القائیان، رئیس وقت انجمن کلیمیان و نخستین یهودی اعدامی پس از انقلاب بود، اعداشش با واکنش سریع دولت آمریکا روبرو شد و واشنگتن با محکوم کردن این حکم در ۲۸ اردیبهشت ۵۸، قطعنامه‌ای را در سنای آمریکا علیه ایران تصویب کرد. این قطعنامه با انتقاد شدید امام خمینی(ره) و نیز گروه‌ها و جریانات داخل کشور مواجه شد. دولت موقت در اثر این انتقادات از پذیرش «والتر کانتل» سفیر جدید آمریکا در ایران خودداری کرد. این امر به تیرگی روابط دو کشور انجامید و در ادامه با پذیرش شاه در آمریکا و اشغال سفارت این کشور به دست دانشجویان به اوج رسید و در اثر این وقایع روابط رسمی ایران و آمریکا در فروردین ۵۹ قطع شد.

منبع: حزب توده، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۴۱ تا ۱۴۵

نخستین نسل کشی قرن بیستم



Herero Executions in German South West Africa -- 1907

فراموش کرد که در آن روزگار این منطقه بسیار کم جمعیت بود و امروز نیز جمعیت نامیبیا به نسبت دیگر کشورهای آفریقایی برخلاف وسعت خاکش اندک است. در سال ۱۸۴۰ نخستین مسیونرهای آلمان وارد نامیبیا امروزی شدند و بسیاری از ساکنان منطقه از جمله هرروها و ناماها برای دریافت وسایل و ابزار از آنها استقبال کردند. در آوت سال ۱۸۸۴ میلادی تأسیس آفریقای جنوب غربی آلمان اعلام شد و نخستین فرماندار آلمانی در سال ۱۸۸۵ از سوی امپراتور وارد این منطقه شد. با افزایش تعداد مهاجران سفیدپوست اقوام محلی تحت فشار قرار گرفته و زمین‌های‌شان را از دست دادند.

دولت آلمان متصرفات لودریتس را تحت‌الحمایه خود اعلام کرد و ناوگانی فرستاد که لشکرهای اصلی کرانه آفریقا را از مرزهای آنکولا تا رودخانه اورنج گرفت. سپس آلمانی‌ها به داخل منطقه پیش رفتند و سرزمین وسیعی را در آفریقای جنوب غربی تا «چوگانالند» ضمیمه مستعمرات خود کردند. آنها نظام استعماری و زمین‌های‌شان را از دست دادند.

دولت آلمان متصرفات لودریتس را تحت‌الحمایه خود اعلام کرد و ناوگانی فرستاد که لشکرهای اصلی کرانه آفریقا را از مرزهای آنکولا تا رودخانه اورنج گرفت. سپس آلمانی‌ها به داخل منطقه پیش رفتند و سرزمین وسیعی را در آفریقای جنوب غربی تا «چوگانالند» ضمیمه مستعمرات خود کردند. آنها نظام استعماری و زمین‌های‌شان را از دست دادند.

نداشت و کشتنار را راه حل نهایی می‌دانست. ژنرال فون تروتا در فرمان سرکوب مردم خطاب به نیروهایش نوشت: «سیاست من در گذشته و امروز همه اعمال زور توأم با ایجاد وحشت مطلق و حتی بی‌رحمی است. من قبایل محلی را با ریختن اسلحه‌های خون و صرف پول نابود خواهم کرد. تنها پس از چنین پاکسازی است که چیز جدیدی ظهور کرده و دوام خواهد داشت.»

سرکوب اقوام محلی به دست آلمان‌ها بی‌رحمانه و خشونت‌بار بود. دستور این بود که همه اعم از زن، مرد و کودک از بین بروند. کشتار اقوام هررو و ناما کاملاً برنامه‌ریزی شده بود. بسیاری از آنها به اردوگاه‌های محصور، از جمله ویندهوک، اسواکوپوند و شاکر آیلند اعزام شدند. این اردوگاه‌ها در واقع قتلگاه این مردم بودند و همه آنها بر اثر بیماری، بدمغزاری و گرسنگی جان دادند. سرهای بریده قربانیان نیز برای انجام پژوهش‌های نژادی به آلمان فرستاده شد. این قتل عام که ۷۵ هزار نفر را قربانی کرد، سبب شد تا عملاً هیچ اثری از اقوام هررو و ناما و فرهنگ آنها باقی نماند.

پس از پایان جنگ جهانی اول، این مستعمره به تصرف بریتانیایی‌ها درآمد و آنها گزارشی را درباره فجایع استعمار آلمان تهیه کردند؛ اما این گزارش بسیار زود به نام «اتحاد سفیدها» به بایگانی راکد سپرده شد. تا اینکه با اقدام بازماندگان غیر مستقیم قربانیان، این جامعه در صحنه بین‌المللی مطرح شد.

به تازگی «نوربرت لامرت»، رئیس پارلمان آلمان اذعان کرده است یک قرن پیش کشورش در منطقه نامیبیا مرتکب نسل‌کشی شده است. او به مناسبت صدمین سالگرد پایان استعمار آلمان بر نامیبیا تصریح کرد که بر اساس قوانین حقوق بین‌المللی، اقدام نیروهای امپراتوری آلمان در سرکوب قیام اقوام «هررو» و «ناما» در صد سال پیش نسل‌کشی بوده است.

دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۵ | سال هفدهم | شماره ۲۸۶

بسم‌اللهالرحمن الرحیم) در گذشت عالم پارسا و سالک الی‌الله، مرحوم آیت‌الله آقای حاج سیدابراهیم خسروشاهی(رضوان‌الله‌علیه) را به شاگردان و ارادتمندان و به ویژه به خاندان و بازماندگان مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم. این عالم بزرگوار، از شاگردان قدیم حضرت امام خمینی و علامه طباطبائی(اعلی‌الله‌مقامها) و از مستفیدان سلوک معنوی در محضر بزرگان اخلاق و معرفت و خود، آراسته به پرهیزکاری و پارسایی بود. از خاوندن رحمت و مغفرت و علو درجه برای ایشان تسنلت می‌کنم.اسیدعلی خامنه‌ای ۲ بهمن ۱۳۹۵

تاریخ

صداق



تاریخ ایران

اعدام حبیب‌الله القائیان

□ **عبدالله شهبازی/ا** در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ حبیب‌الله القائیان، رئیس وقت انجمن کلیمیان و بنیانگذار شرکت پلاسکو به حکم شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران و به جرم ارتباط با رژیم صهیونیستی و خیانت به کشور اعدام شد.

حبیب‌الله القائیان در سال ۱۳۳۷ شرکت پلاستیک‌سازی پلاسکو را در تهران تأسیس کرد و به تدریج پلاسکو را به بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین شرکت پلاستیک ایران تبدیل کرد و صنایع پروفیل آلومینیوم را راهاندازی نمود. القائیان به دلیل موفقیت‌های اقتصادی‌اش به شهرت خاصی در ایران و سرزمین‌های اشغالی دست یافت. ساختمان پلاسکو واقع در چهارراه استانبول و ساختمان آلومینیوم واقع در خیابان جمهوری که نخستین برج‌های ایران بودند، بخشی از اموال وی پیش از انقلاب بود.

کمتر از چند ماه پس از انقلاب اسلامی، القائیان بازداشت و پس از مدتی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شد. روزنامه کیهان فردای آن روز، دادگاه القائیان را این چنین گزارش کرد: «بعداظهر دیروز شعبه سوم دادگاه انقلاب عدل اسلامی تشکیل جلسه داد. ابتدا متن کیفرخواست صادره از نسوی دادسرای دادگاه انقلاب برای

حبیب‌الله القائیان خوانده شد. پس از قرائت متن کیفرخواست، القائیان به دفاع از خود پرداخت و گفت: «احتراماً اینجانب حبیب‌الله القائیان افتخار می‌کنم. کلیمی ایرانی هستم، من مخالف دولت صهیونیسم اسرئیل هستم. ۸۵ درصد کلیمی‌ها اشکناز هستند و اشکنازی‌ها، یهودی‌ها را اصلاً به حساب نمی‌آورند. من خدای ناکرده هیچ‌وقت جاسوسی به نفع دولت غاصب صهیونیسم نداشته و نخواهم داشت. تا به حال هیچ‌گونه کمک یا اعانه‌ای به نفع اسرئیل و ارتش مخلص اسرئیل نداده و نخواهم داد. من موافق کشتار مردم فلسطین نیستم. من مخالف با صهیونیسم‌بودم و حاضر با جان و دل به جنگ با اسرئیل بروم. افتخار می‌کنم دارای سهمی از کارخانجات پلاستکو ملامین، پلاستیک شمال، لوله شمال و کارخانه یخچال جنرال الکتریک و پروفیل آلومینیوم می‌باشم.» پس از دفاع القائیان، نماینده دادسرا در دفاع از کیفرخواست گفت: «ما اسناد به گزارش ساواک، مهم‌ترین عامل امنیتی که با سازمان سیا همکاری نزدیک داشت، کرده‌ایم. ساواک در گزارش دیگری اعلام داشته است که بیش از یک میلیون دلار پرداخته‌اید و زمینی در نزدیکی تل‌آویو خریده‌اید که قیمت آنها هم افزایش پیدا کرده است و بخش تحقیق ساواک این نظریه را تأیید کرده است. در گزارش دیگری ساواک از آسمانخراش نیمه‌تمام شما نام برده که در تل‌آویو ساخته می‌شود و سه برابر پلاسکو بلندی دارد.»

نماینده دادسرا سپس به گزارش دیگری در رد تأیید اتهامات متهم بود، پرداخت و آن را برای اعضای دادگاه قرائت کرد. درباره جلسه‌ای که به اتفاق موشه دایان، آبا ایاب و چند نفر دیگر از سران رژیم صهیونیستی با حضور القائیان تشکیل شده بود و در آن درباره کمک مالی القائیان به یهودیان بحث و مشاوره شده بود، «سه‌شنبه» چنین نظر داده است که «القائیان کشور اسرئیل را سرزمین اصلی خود دانسته و «چهارشنبه»(عضو دیگر ساواک) در گزارش خود تأیید کرده که شما علاقه‌ای به ایران نداشتید، بلکه می‌خواستید به اسرئیل بروید.» نماینده دادسرا افزود: «آقای القائیان، با این گزارش‌ها که پرورنده شما مضبوط است، دلیل ارتباط شما با اسرئیل و کمک مالی‌تان به صهیونیسم اسرئیل چیست؟ موضع اسرئیل در دنیا برای همه مشخص است، آیا نمی‌دانستید ارتباط شما با اسرئیل موجب از بین رفتن حقوق مردم ستم‌دیده مملکت می‌شود؟…»

القائیان در آخرین دفاع خود بار دیگر مدعی شد با صهیونیست‌ها ارتباطی نداشت‌ه و کمکی هم به آنها نکرده است تا اینکه ساعت یک بعد از ظهر روز هجدهم اردیبهشت ماه رئیس دادگاه به کفایت دادرسی رأی داد و دادگاه وارد شور شد. اعضای هیئت منصفه دادگاه به اتفاق آرا متهم را به اعدام محکوم کردند. این حکم بامداد ۱۹ اردیبهشت اجرا و حبیب‌الله القائیان تیرباران شد. از آنجا که القائیان، رئیس وقت انجمن کلیمیان و نخستین یهودی اعدامی پس از انقلاب بود، اعداشش با واکنش سریع دولت آمریکا روبرو شد و واشنگتن با محکوم کردن این حکم در ۲۸ اردیبهشت ۵۸، قطعنامه‌ای را در سنای آمریکا علیه ایران تصویب کرد. این قطعنامه با انتقاد شدید امام خمینی(ره) و نیز گروه‌ها و جریانات داخل کشور مواجه شد. دولت موقت در اثر این انتقادات از پذیرش «والتر کانتل» سفیر جدید آمریکا در ایران خودداری کرد. این امر به تیرگی روابط دو کشور انجامید و در ادامه با پذیرش شاه در آمریکا و اشغال سفارت این کشور به دست دانشجویان به اوج رسید و در اثر این وقایع روابط رسمی ایران و آمریکا در فروردین ۵۹ قطع شد.

تاریخ حماسه

توسعه منازعه و بحران کردستان ۲

□ **محمد درودیان/حزب دموکرات** با استفاده از سلاح – و مهماتی که از: غارت پادگان مهاباد به دست آورده بود، در ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ به پادگان سندرچ مرکز لشکر ۲۸ پیاده کُردستان حمله کرد. دموکرات‌ها در این حمله، فرمانده پادگان را گروگان گرفتند و وی را با خود همراه کردند. همچنین آنها ۲۱ نفر از نظامیان را به شهادت رساندند. افزون بر این، حزب با اشغال ساختمان صداوسیما، سرپرست لشکر ۲۸ را–که از اهالی کردستان بود وادار کرد به اعضای لشکر خود پیام بدهد و از آنها بخواهد بدون مقاومت پسادگان را به حزب دموکرات واگذار کنند. در چنین وضعیتی امام خمینی در برابر حولات به پادگان‌ها واکنش نشان دادند و با صدور اطلاعیه‌ای خطاب به مردم کُردستان در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۵۷ نسبت به این اقدامات هشدار دادند. با صدور این پیام، این بار ارتش در مقابل حمله حزب دموکرات، ایستاد و پس از ۱۱ روز مقابله با نیروهای مسلح این حزب، پادگان سندرچ را از محاصره نجات داد.
یکی از اقدامات حزب دموکرات حمله به شهر پاوه واقع در کُردستان در ۲۵ مرداد ۱۳۵۸، اشغال این شهر و ایجاد ناامنی برای مردم آن بود.

امام خمینی(ره) برای حل این مشکل، طی پیامی در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، مطابق با ۲۴ رمضان ۱۳۹۹ چنین مرقوم فرمودند: «از اطراف ایران گروه‌های مختلف ارتش و پاسداران و مردم قدرتمند تقاضا کرده‌اند که من دستور بدهم به سوی پاوه رفته و غائله را ختم کنند. من از آنان تشکر می‌کنم و به دولت، ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم اگر با توبه، تانک‌ها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود، من همه را مسئول می‌دانم… به دولت دستور می‌دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم نکند… مگر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام ندادند.»

درگیری‌های کُردستان در ماه‌های قبل از آغاز جنگ تحمیلی، سبب شد تا علاوه بر نیروهای سپاه، لشکرهای ارتش در آن منطقه مانند لشکر ۶۴ ارومیه، ۲۸ سندرچ و ۸۱ کرمانشاه و همچنین قوای ژاندارمری و شهربانی در استان‌های همجوار با عراق، با گروه‌های مسلح که از طرف حکومت بعثی عراق پشتیبانی می‌شدند، مقابله کنند و واحدهایی از لشکرهای ۱ و ۱۶، سابق، ۱۶ و ۷۷ نیز به مرور به این مناطق اعزام شوند. درگیری‌های مسلحانه در کُردستان، حادثه مهمی بود که پیش از آغاز جنگ شروع شد و تا پس از پایان جنگ هم از جانب حکومت بعثی و احزاب کردی ادامه می‌یافت. در طول ۱۵ سال درگیری، حدود ۲۵ هزار نفر از رزمندگان در کُردستان شهید یا زخمی شدند. اگر جنگی بین ایران و عراق رخ نمی‌داد، بزرگ‌ترین حادثه ایران در دوران معاصر، هم از نظر زمان و هم از نظر گستردگی حمایت‌های دولت بعثی عراق از حزب دموکرات کُردستان ایران، درگیری‌ها و حوادث خونین کُردستان بود.



سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی مسلمانان—۲۷۹

گونه‌شناسی حکومت عدل و جور از منظر محقق قمی

□**فتح الله پریشان** / در شماره گذشته به تقسیم‌بندی اول حکومت‌ها از دیدگاه محقق قمی اشاره شد. در این مطلب، با دسته‌بندی دوم حکومت‌ها از منظر وی آشنا خواهیم شد. این تقسیم‌بندی که در اندیشه سیاسی بسیاری از فقها مطرح شده است، تقسیم کلی حکومت به دو نوع «عدل» و «جور» بر اساس عامل «مشروعیت حکومت» می‌باشد؛ اگرچه این دسته‌بندی را صاحب قوانین به صورت مستقیم، مطرح نکرده؛ اما در بسیاری از آثار وی به‌ویژه در کتاب معروف «جامع‌الشتات» و در ضمن مباحث مختلف، از جمله در کتاب جهاد، ذیل بحث «خراج»، به این موضوع پرداخته شده است.

الف – حکومت عدل

حکومت عدل و سلطان عادل از جمله مفاهیمی هستند که در فقه شیعه به کرات مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در آثار میرزای قمی، از جمله در ابواب مختلف «مناهج‌الحکام» و «جامع‌الشتات» نیز اصطلاح «سلطان عادل» و «امام عادل» در موارد متعددی به کار رفته و منظور اصلی ایشان از این عنوان، «امام معصوم» است. برای نمونه، در کتاب «الصلّاء مناهج‌الحکام»، یکی از شرایط وجوب نماز جمعه را وجود حاکم عادل دانسته و منظور از آن را امام یا نایب او می‌داند که مربوط به زمان حضور است.^(۱)

بنابراین، قدر متیقن از حکومت عدل، حکومت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) است؛ اما درباره عصر غیبت، میرزای قمی با عباراتی نظیر مجتهد عادل و حاکم عادل، فقیه عادل را نایب امام معصوم در زمان غیبت می‌داند و او را در مرتبه بعد از امام قرار می‌دهد. آنچه مسلم است این است که از دیدگاه وی، پس از امام معصوم(ع) و در عصر غیبت، فقیهای عادل، شایسته‌ترین افراد برای این منصب هستند؛ اگرچه در مقام عمل، امکان تصدی حکومت را نداشته باشند. از این رو است که ایشان اصطلاح امام عادل را فقط شایسته فقیه عادل می‌داند و از کاربرد عنوان سلطان عادل و نظایر آن برای پادشاهان و حاکمان، به شدت پرهیز کرده و گاه نیز به صراحت از عنوان جائر استفاده می‌کند که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهد شد.

ب – حکومت جور

محقق قمی در آثار خود به دو نوع حاکم جائر اشاره کرده است؛ ۱- حاکم جائر مخالف(اهل سنت) و ۲- حاکم جائر شیعه. احکام این دو در برخی موارد با یکدیگر متفاوت است و این تمایز را در بحث «خراج» و «جزیه» به خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ اگرچه میرزای قمی، مصادق خاصی برای حکومت جور ذکر نمی‌کند؛ اما از فتوای آثار وی می‌توان چنین استنباط کرد که میرزا، حکومت سلاطین و پادشاهان شیعه و اهل سنت را غالباً از این دسته می‌دانسته است.

میرزای قمی، معتقد به مشروع نبودن حکومت جور در عصر غیبت امام معصوم (ع) است و به‌ویژه در برخی آثار وی مانند «جامع‌الشتات» بر این موضوع، تصریح شده است. وی در موارد متعددی، تصدّی برخی امور، از جمله خراج، جزیه، قضاوت، جهاد و… را از سوی حاکم جائر، جایز نمی‌شمرد و در بُعد عملی نیز حکومت وقت را مشروع نمی‌داند و در مواردی به صورت صریح یا ضمنی به آن اشاره کرده است. محقق قمی، اطاعت از سلطان ظالم و ناآشنا به احکام الهی را قبیح دانسته و معتقد است: «تنها در صورتی که دفع دشمنان دین، منحصر به سلطان شیعیان باشد، اطاعت از او لازم است؛ آن هم نه از راه وجوب اطاعت او؛ بلکه از راه وجوب دفع سلطه دشمنان دین بر خود مکلف است.»^(۲) قبیح‌دانستن اطاعت از سلطان ظالم، دلیلی روشن بر مشروع ندانستن حکومت جائر است. محقق قمی قضاوت پادشاهان را نیز نامشروع دانسته و در پاسخ به پرسشی در این باره نوشته است: «در آیات قرآن و احادیث بسیار از ائمه اطهار(ع) حکم صریح شده بر حرمت محاکمه بردن به طاغوت و سلاطین جور؛ هر چند ظن بسیاری از اخبار، اراده حکام مخالفین است؛ لیکن عموم روایت ابی‌خدیدجه و…، شامل سلاطین جور شیعه هم هست و در بعضی اخبار تصریح شده به آنکه آنچه از حکم ایشان بگیرد سُحت است؛ هر چند حکم به حق کرده باشد…»^(۳)

میرزای قمی در این فرایز، به صراحت، دادرسی و درخواست قضاوت از سلاطین جور، حتی پادشاهان شیعه را حرام دانسته و این نیز یکی دیگر از دلایل وی برای مشروع ندانستن حکومت جور بوده است.
میرزای قمی در بحث خراج و جزیه نیز معتقد است که دریافت این وجوه و تصرف در آنها از سوی حاکم جائر، جایز نیست. البته در این مورد بین جائر مخالف و جائر شیعه، تفاوت قائل شده و معتقد است، طبق نظر مشهور، تصرفات جائر مخالف در شرایط اجبار در حکم امام عادل است؛ اما دریافت و تصرفات جائر شیعه را جایز ندانسته و اذن مجتهد عادل را در این مورد لازم می‌داند.^(۴) بنابراین، در مجموع باید گفت میرزای قمی اساساً حکومت جور را مشروع ندانسته و در این مورد، تمایزی بین جائر شیعه و سنی، قائل نیست.

***پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

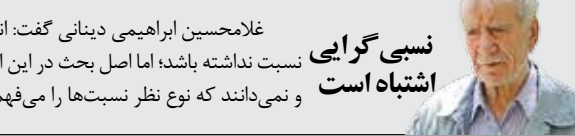
کتابخوان

شک‌گرایی و نسبی‌گرایی

کتاب «شک‌گرایی و نسبی‌گرایی» تألیف ابراهیم دادجو که سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به بازار نشر عرضه کرده است، جلد پنجم از مجموعه‌ای شش جلدی است که هر جلد آن به حوزه‌ای خاص از معرفت‌شناسی اختصاص دارد و بیشتر در قالب مقالات در شماره‌های گوناگون مجله علمی – پژوهشی ذهن منتشر شده‌اند. «شک و یقین»، «شک‌گرایی»، «بیرون شد از شک‌گرایی»، «شکاکیت معاصر»، «نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی» و «نسبی‌گرایی در فلسفه علم» از جمله موضوعاتی هستند که در این مجلد مورد نقد و نظر قرار گرفته‌اند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «یکی از انواع شکاکیت، نسبی‌گرایی در معرفت است. (نسبی‌گرایی) را می‌توان به طور مطلق، قول به عدم اعتبار مطلق چیزی و وابستگی آن به کسی یا امری دانست. در موضوع معرفت، نسبی‌گرایی شناختی به طور کلی این اعتقاد هست که معرفت به طور مطلق صائب و معتبر نیست؛ بلکه به فرد شناسنده یا فاعل شناسا یا دیگر عناصر دخیل در شناسایی وابسته است. نسبی‌گرایی در معرفت، در واقع، عنصر (صدق) را از عناصر تشکیل‌دهنده معرفت، نشانه قرار داده و امکان مطلق و ابدی بودن صدق یافته‌های ذهنی را انکار می‌کند.» بر اساس نسبی‌گرایی معرفتی، صدق یافته‌های ذهنی ما، به شرایط خاص و فضای معینی وابسته است. این شرایط ممکن است زمان، مکان، زبان، مذهب، نژاد، فرهنگ، یک دستگاه علمی خاص – مثل دستگاه لیدس – یا مؤلفه‌های دیگر باشد. بر این اساس، یک گزاره ممکن است در فضای یک فرهنگ خاص، درست و صادق باشد؛ اما در فضای فرهنگ دیگر، نادرست و ناهمگون با واقع باشد. در مقابل، در به طور کلی، مطلق‌گرایی، اعتقاد به صدق مطلق و دائمی گزاره‌هاست. نسبی‌گرایی نیز بنا به اعتبارات مختلف، انواع گوناگونی دارد و در حوزه‌های گوناگون معرفتی و فرهنگی، ظهور و نمودهای مختلفی یافته است. بحث درباره چیستی شکاکیت و نسبی‌گرایی و انواع آنها و مسائل جزئی که درباره این مسائل درگرفته است را به مطالعه مقالات این کتاب واگذار می‌کنیم. این کتاب در ۷۵۵ صفحه با قیمت ۶۰۰۰ تومان به بازار نشر عرضه شده است.

دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۵



سلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: انسان به نسبت‌ها می‌نگرد و نمی‌شود به نسبت اشیا به یکدیگر ننگریست و نمی‌توان به چیزی نگاه کرد که با سایر موجودات نسبت نداشته باشد؛ اما اصل بحث در این است که نگاه شما نسبت‌ها را می‌شناسد. اشخاص نسبی‌گرا نوع نظر را نسبی می‌دانند و این خطاست و نمی‌دانند که نوع نظر نسبت‌ها را می‌فهمد و بین این دو مرحله فاصله بسیاری وجود دارد. نظر، نسبت‌ها را می‌فهمد و می‌نگرد، اما خود نظر نسبی نیست.

□ **جعفر ساسان– داوود**

عسگری *ادر* شماره‌های گذشته با تاریخچه و نحوه ارتباط فرقه‌های ضالّه‌ای مانند شیخیه و بابیه آشنا شدیم و به سیاست استعمارگران مینا بر زمینه‌سازی و حمایت جدی از آنها اشاره کردیم، در ادامه عقاید فرقه ضاله بابیه، اشخاص و تمایزات فکری آن با شیخیه را بررسی خواهیم کرد.

عقایدباب

علی‌محمد باب، از آغاز دعوت خود، عقاید و آرای متناقضی ابراز داشت. وی ابتدا خود را امام زمان(مخ) خواند؛ ولی در نهایت پا را فراتر گذاشت و خود را برتر از همهٔ انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار دانست. او عقیده داشت که با ظهورش آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود بر قرآن، به پا شده است. همچنین علی‌محمد خود را مبشّر ظهور بعدی شمس‌دست او را «من بظهوره‌الله» خوانده است و در ایمان پیروانش بسه او، تأکید فراوان دارد.

افسکار سیدعلی‌محمد باب، مجموعه‌ای از برخی آرای شیخیان و باطنیان (تاویل‌گرایان) و صوفیان و کسانی بوده است که به علم حروف و اعداد گرایش داشته‌اند و پاره‌ای از دعای شخصی بوده است.

تفاوت‌های بابیه و شیخیه

درباره باب و فرقهٔ بابیه، چند نکتهٔ اساسی وجود دارد و چند تفاوت بین این فرقه و فرقهٔ شیخیه موجود است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد:
الف- رهبران شیخیه، یعنی احسائی و رشتی، تا حدودی سواد داشتند و با علوم دینی آشنا بودند و مجلس درس و بحث و شاگرد داشتند؛ حتی احسائی از برخی علما اجازهٔ روایت داشت؛ اما باب سواد چندانی نداشت. این موضوع، از آثار و افکار او کاملاً مشخص است. اگرچه پیروانش، به‌ویژه بهائیان مدعی‌اند که وی امی (درس‌نخوانده) بوده و مانند پیامبران دیگر، از علم لذتی برخوردار شده، اما شواهد تاریخی خلاف آن را نشان

آفاق

غلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: انسان به نسبت‌ها می‌نگرد و نمی‌شود به نسبت اشیا به یکدیگر ننگریست و نمی‌توان به چیزی نگاه کرد که با سایر موجودات نسبت نداشته باشد؛ اما اصل بحث در این است که نگاه شما نسبت‌ها را می‌شناسد. اشخاص نسبی‌گرا نوع نظر را نسبی می‌دانند و این خطاست و نمی‌دانند که نوع نظر نسبت‌ها را می‌فهمد و بین این دو مرحله فاصله بسیاری وجود دارد. نظر، نسبت‌ها را می‌فهمد و می‌نگرد، اما خود نظر نسبی نیست.

جریان‌شناسی فکری –فرهنگی ایران معاصر–۵۴

بررسی عقاید ضاله بابیه و تمایزات آن با شیخیه

اشکار است؛ یعنی استعمارگران که در آن زمان در ایران حضور داشته و شاهد و ناظر حوادث بوده‌اند، با توجه به ویژگی‌های باب و وضعیت جامعه، وی را غلّصم کردند تـسا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و شکافی در جامعهٔ شیعه ایجاد کنند. عبدالله شهبازی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این باره نوشته است:

«برخلاف نظر مورّختینی چون احمد کسروی و فریدون آدمیت، که بایگری اولیه را جنبشی خودجوش و نوابسته به قدرت‌های استعماری می‌دانند، پژوهش من بر پیوندهای اولیّهٔ علی‌محمد باب و پیروان او با کانون‌های معینی تأکید دارد که شبکه‌ای از خاندان‌های قدرتمند و ثروتمند یهودی، در زمرهٔ شرکای اصلی آن بودند. این تصویر، بایگری را از اساس و از بدو پیدایش، فرقه‌ای مشابه با دونمه‌های ترکیه و فرانکیست‌های اروپای شرقی جلوه‌گر می‌سازد.»^(۱)

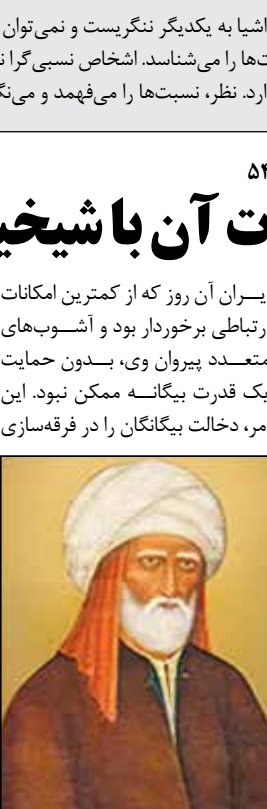
شخصیت‌های بابیه

شخصیت‌های تأثیرگذار و مطرح بابیه عبارتند از:

الف- سیدعلی محمد باب:

خاندان مادری باب که از سوی بهاءالله به «فنان» مشهور شده‌اند، در بوشهر با کمپانی ساسون که در امر تجارت تریاک فعال بود، مرتبط بودند و از این طریق، باب مورد شناسایی، حمایت و بزرگ‌نمایی قرار گرفت.

دو خانوادهٔ (مادر(فاطمه‌بیگم)، و همسر باب (خدیدجه‌بیگم) از تجار بزرگ شیراز و بوشهر بودند. این اگرچه زمینه‌ساز این فرقه است، اما تفاوت اساسی با آن دارد و رهبران شیخی، از ادعای بابتی یا رکنیت فراتر نرفتند. در واقع، شیخیه را می‌توان انحرافی در درون مذهب شیعه تلقی کرده، اما بابیه و بهائیت، با نسخ اسلام از اسلام خارج شدند و به ادعای خودشان، دین جدیدی بنا گذاشتند. ج–در جریان شکل‌گیری شیخیه، اثر چندان آشکاری از حضور بیگانگان وجود ندارد و نمی‌توان به‌راحتی رهبران آن را عمّال استعمار دانست؛ اما در خصوص بابیه، ردبای استعمار



آشکار می‌سازد. توطئهٔ قتل امیرکبیر که اعدام باب و سرکوب شورش بابیان نتیجهٔ تدبیر او بود، نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود.

در نحوهٔ برخورد حکومت و

علما با شیخیه و بابیه نیز تفاوت‌هایی

وجود دارد. شیخیه از حمایت حکومت

برخوردار بود و شخص فتحعلی‌شاه تقاضای ملاقات با شیخ‌احمد احسائی داشت و می‌خواست از او به عنوان جایگزین در برابر علما استفاده کند؛

درباره بابیه، اجماعی در حکومت مبنی بر حمایت از آن وجود نداشت؛ هرچند در اوایل کار، برخی از سران حکومتی، مانند آقاسی و معتمدالدوله از آن به صورت غیرعلنی حمایت می‌کردند،

که به نظر می‌رسد این حمایت نیز در راستای خواسته‌های قدرت‌های استعماری بود. اعدام باب و سرکوب شورش بابیان نیز برخورد حکومت با این فرقه را نشان می‌دهد. علما نیز در برخورد با شیخیه به اجماع نرسیدند و گروهی از احسائی استقبال کردند و گروهی نیز به دلیل بدعت‌های وی او را تکفیر کردند که در رأس آنان، آیت‌الله برغانی معروف به شهید ثالث بود؛ اما در برخورد با بابیه به اجماع بیشتری دست یافتند؛ به جز برخی از روحانیون دون‌پایه که از دوستان باب و شاگردان رشتی بودند، علمای بزرگ، نه تنها از باب حمایت نکردند، بلکه در جلسات جهانی، جامعه مدنی و شبکه رهبران جوان جهان (YGL) که مجمع جهانی فسوق عمل می‌کنند. وزارت خارجه آمریکا در دوره هیلاری کلینتون نیز به طور رسمی اعلام کرد: «دوره جداسازی نخبگان سایر کشورها برای دوام در خاک آمریکا به پایان رسیده و وقت تغییر سیاست‌ها برای رهبری جامع با استفاده از پتانسیل نخبگان فراملی است.»

به نقل از پایگاه اینترنتی وزارت خارجه آمریکا، دانشجویان بین‌المللی که به آمریکا سفر می‌کنند، «سالانه بیش از ۲۴ میلیارد دلار به اقتصاد آمریکا کمک می‌کنند که یکی از پرسودترین صادرات خدمات آمریکاست.» همچنین در این مطلب کشورها از طریق جذب آنها در سیستم آموزشی خود را دنبال می‌کنند؛ بلکه با انتقال سیستم آکادمیک خود به سایر کشورها، از این رهگذر انسان‌هایی در چهارچوب نظام آموزشی غربی (از متن و محتوا گرفته تا اساتید تحصیل‌کرده در غرب و فرایند آموزشی) تربیت می‌کند که بیش، گرایش و کنش آنها هم‌ق‌با باشد. این نوع نفوذ تربیتی، به تناسب تحولات در محیط بین‌المللی اشکال جدیدتری هم پیدا کرده است. ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد پوششی و استفاده از آنها برای نفوذ، جذب و هدایت جوانان یکی از اشکال جدید نفوذ و تربیت فکری آنهاست. یکی از این سازمان‌ها که با هدف افزایش ارتباط میان جوانان جهان فعالیت می‌کند، «آیسک» (AIESEC) است. این سازمان در ۱۳۳ کشور جهان فعالیت می‌کند. انجمن‌هایی مانند شرکای استراتژیک، بنیاد شواب، پیشگامان عرصه تکنولوژی، برنامه برابری جنسیتی، شکل‌دهندگان

غلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: انسان به نسبت‌ها می‌نگرد و نمی‌توان به چیزی نگاه کرد که با سایر موجودات نسبت نداشته باشد؛ اما اصل بحث در این است که نگاه شما نسبت‌ها را می‌شناسد. اشخاص نسبی‌گرا نوع نظر را نسبی می‌دانند و این خطاست و نمی‌دانند که نوع نظر نسبت‌ها را می‌فهمد و بین این دو مرحله فاصله بسیاری وجود دارد. نظر، نسبت‌ها را می‌فهمد و می‌نگرد، اما خود نظر نسبی نیست.

ایران آن روز که از کمترین امکانات ارتباطی برخوردار بود و آشوب‌های متعدد پیروان وی، بدون حمایت یک قدرت بیگانه ممکن نبود. این امر، دخالت بیگانگان را در فرقه‌سازی بابیه و ترقی او از بابتی به قائمیت و نبوت نیز انکارناشدنی است. اثرگذارترین آنها ملاحسین بشرویه و ملامحمدعلی بارفروش، معروف به قدّوس بودند؛ بشروهی در تحریک وی برای طرح ادعای بابتی نقش اساسی داشت و هر دو در تداوم این ادعا با فتنه‌گری و شورش، باب را به توهّم انداختند. تویّهٔ باب در مراحل مختلف و تزلزل وی کاملاً مشخص است و اگر می‌خواست از راهی که افراد اجازه نمی‌دادند. در واقع، این افراد فرصت‌طلبانی بودند که باب را برای فتنه‌گری مناسب می‌دیدند و شورش‌های متعددی در مازندران، زنجان، تبریز و… را انداختند و به قتل و غارت دست زدند.

ب– ملامحمدعلی زنجانی:

وی در سال ۱۲۲۷ دق متولد شد. تحصیلات خود را در کربلا به پایان رساند و به ایران بازگشت. وی که از «حروف حی» بود، از سوی باب به «حجت» ملقب شد. زنجانی که مدعی نیل به مرتبت اجتهاد بود، پیش از گرایش بـه بابیت، به علت فتواهای نادرست خود در مسائل مختلف احکام، همچون روزهٔ عید فطر و سجده بر بلور صافی، مورد نفرت و خشم علمای زنجان واقع شد. در زمان فتنهٔ بابیه، او نیز موقعیت را مناسب دید و با سیدعلی محمد باب مکاتباتی رد و بدل کرد و طریقهٔ او را پذیرفت و مردم را به او دعوت کرد. جاه‌طلبی‌ها و منازعات او با حکامان و عالمان محلی زنجان، به نزاع و کشماری وحشتناک و به خاک و خون کشیده شدن بسیاری از افراد بی‌گناه منجر شد. این شورش که در سال ۱۲۶۶ق اتفاق افتاد، به دست حکومت سرکوب شد.

***پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

اندیشه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها را شکل داده و همه جوامع را شبیه خود کند. به همین دلیل در عصر اطلاعات و شبکه شدن جوامع که ناشی از فناوری‌های ارتباطی تولید شده غربی است، نفوذ تربیتی عرصه بنیادهای تربیتی قدرت سیاسی، بسیار پیچیده‌تر، پنهان‌تر و خفی‌تر از دیگر الگوهای جنگ نرم در گذشته است.

در جنگ نرم تربیتی نوین، ساختن و تربیت انسان بر اساس رهیافت تمدن غربی از سطح نخبه‌پروری به سطوح دیگر آحاد جامعه تعمیم یافته است. در این فرایند آنچه رخ می‌دهد فراتر از سیمپلاسیون (شبیه شدن) و الیناسیون (خودباختگی) است؛ افراد تحت تأثیر جنگ نرم و نفوذ تربیتی، قالب، چهارچوب یا شاکل‌های پیدا می‌کنند که به جز نگاه غربی نمی‌توانند نگاه دیگری داشته باشند.

به بیان دیگر، ارزش‌ها و هنجارهای غربی در فرآیندهای ساختاری و سیستمیک آموزشی محسوس و نامحسوس، به گونه‌ای در ناخودآگاه انسان، درونی و نهادینه می‌شود که فرد نسبت به خود جهل مرکب پیدا می‌کند. چنین فردی در فرایند نفوذ تربیتی موصوف، آموزه‌های لیبرالیسم را وحی مُنزل می‌بیند، شاخص‌های حکمرانی مطلوب در نزد او همان شاخص‌هایی است که در غرب تعریف شده، سیاست و دیانت از سوی او آن گونه درک می‌شود که از غرب آموخته و نظام بین‌الملل و هنجارهای آن به نحوی تحلیل می‌شود که دست‌ساخته غرب است. همچنین منابع قدرت تلقی می‌شود. محدود و مادی و این جهانی تلقی می‌شود. از دیدگاه او توسعه سیاسی، همان نقشه‌ای است که غرب را به نقطه کنونی رسانده است و حقوق بشر، به مثابه مانیفست نهایی بشری و ملاک عمل همه سیستم‌ها تلقی می‌شود.

پردازش

نسبی‌گرایی

□**شهاب زمانی /** نسبی‌گرایی

از مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناسی و فلسفی با قدمت زیاد است که از گذشته تاکنون اندیشمندان مغرب زمین و اسلامی را به خود مشغول کرده است؛ اما در فرهنگ مباحث مدرن و روشنفکری عصر حاضر، به ویژه پس از ارائه نظریه نسبیت آلبرت اینشتین، مفهوم نسبی بودن پدیده‌ها و نظریه‌ها بسیار وسع وارد ادبیات فلسفی، کلامی و سیاسی انسان مدرن شد و به حوزه‌ها و ساحت‌های مختلف، از جمله معرفت‌شناسی، فرهنگ و اخلاقی راه یافت. اساساً، نسبی‌گرایان معتقدند که هیچ اصل وجود ندارد و از این نظر به میل و سلیقه افراد یا قراردادهای خود آنها وابسته است.

برای نمونه، یکی از ادله نسبی‌گرایان اخلاقی تمسک به اختلاف ارزش‌های اخلاقی افراد و جوامع مختلف است؛ مثلاً در جوامع اجساد مردگان را می‌سوزانند و آن را کار خوبی می‌دانند، ولی برخی جوامع این نوع رفتار با اجساد مردگان را بسیار بد و نادرست می‌دانند. نسبی‌گرایان این نوع موجود در ارزش‌های خوب و بد جوامع را دلیل بر نسبی بودن احکام اخلاقی می‌دانند و معتقدند که خوبی و بدی و درستی و نادرستی و پایدها و نیایدهای اخلاقی همه به سلیقه‌های فردی و گروهی وابسته است و هیچ بنیان واقعی و ثابتی ندارد.

استاد شهید مرتضی مطهری در آثار متنوع خود ضمن تعریف نسبیت و نسبی‌گرایی، به تمایز نسبیت هستی‌شناختی و نسبیت معرفت‌شناختی پرداخته است. وی نسبیت معرفت‌شناختی را به دلیل بی‌معنایی و تناقض‌گویی نقد می‌کند و نسبیت را در پاره‌ای از واقعیت‌های خارجی می‌پذیرد. از دیدگاه وی، نسبیت امر، صفت یا حالتی است که از مقایسه یک شیء با شیء معین دیگر یا از مقایسه یک زمان با زمان دیگر به دست می‌آید. پس کوچکی و بزرگی یا دوری و نزدیکی از امور نسبی هستند؛ لکن برخی از امور مطلق، مانند اعدا و مقادیر و زمان‌ها، برای نمونه، عدد بیست در همه جا ثابت است، بیست گردو با بیست ستاره فرقی ندارد، عدد آنها یکی است.

معنای دیگر نسبیت به حوزه معرفت‌شناسی مربوط است که برخی از دانشمندان جدید، منکر اطلاق حقایق و معرفت حقیقی هستند، در حالی که حقیقت نسبی، اساساً معنا ندارد. پس نسبیت پاره‌ای از واقعیت‌ها نزد مطهری پذیرفتنی است؛ اما نباید همانند پیروان ماتریالیسم دیالکتیک، این‌گونه نسبیت را به نسبیت معرفت‌شناختی نسبت داد و بر اساس تفاوت‌های مغز و اعصاب و ساختمان سلسله عصبی انسان به نسبی بودن معرفت‌ها حکم رساند و همه معرفت‌های متناقض و متضاد را حقیقت پنداشت.

نکته

نسبیت اجتهاد

یکی از مطالب جالبی که استاد شهید مرتضی مطهری به آن پرداخته، مسئله نسبی بودن اجتهاد و تفاوت استنباط‌های بشر در زمان‌های گوناگون و دلالت آن نسبی بودن واقعیت است. متکلمان شیعه، استنباط‌های متضاد و متناقض را حقیقت نمی‌دانند، به همین دلیل، خود را «مخطئه» معرفی می‌کنند؛ اما برخی از متکلمان اهل سنت، به تصویب اعتقاد داشته و خود را «صوبه» می‌نامند. مخطئه معتقدند که متن واقع اسلام و حکم‌الله واقعی، یک چیز بیش نیست و ما در استنباط آن ممکن است راه صحیح و مطابق واقع از طی کنیم، همچنان که امکان خطا و اشتباه نیز وجود دارد؛ ولی صوبه بر این باورند که هر مجتهدی، هر گونه که استنباط کند، واقعیت همان است؛ یعنی واقعیت امر نسبی است، پس اگر مجتهدی، فعلی را حرام دانست، واقعاً آن فعل هم حرام است و هم حلال. استناد مطهری با استمداد از اصل بدیهی و اولی استحاله اجتماع نقیضین، نظریه مخطئه را بر نظریه صوبه ترجیح می‌دهد و نسبیت اجتهاد را به این معنا نمی‌پذیرد.

شهید باقری و مکتب دلفانی امام خمینی (ره)

□ **علیرضا جلالیان** / نهم بهمن ماه سال ۱۳۶۱ با شهادت سردار «غلامحسین افشردی» موسوم به حسن باقری شوک عجیبی به فرماندهان جبهه‌های دفاع مقدس وارد شد. زمانی که بسیاری از فرماندهان دفاع مقدس به قصد دیدار با امام(ره) به جماران رفتند، حسن باقری و جمعی از نیروهایش به سبب مشکلات عجیبی که در طراحی عملیات در منطقه فکه وجود داشت، مانندان تا بتوانند طرحی در خور اجرا و اجرای عملیاتی بدهند که بعدها والفجر مقدماتی نام گرفت. او و عمده همراهانش در این مسیر در منطقه فکه میانی به شهادت رسیدند.

حسن باقری به تعبیر فرمانده معظم کل قوا و امام انقلاب معجزه انقلاب بود و به تعبیر بسیاری از فرماندهان هم‌رزمش نابغه دفاع مقدس به شمار می‌آمد. فرماندهی که به مدد الهی تفکر راهبردی داشت و با همین نگاه جنگ را هدایت کرد. او در کشاکش شروع جنگ وارد دفاع شد و در شرایطی که بسیاری برایش فرمز پهن نکرده بود با زحمت‌های فراوان چشم جنگ شد و واحدا اطلاعات و عملیات را تأسیس کرد. کاری که بسیاری از فرماندهان با دیدن نتایج آن تازه متوجه اهمیتش شدند. تسلط او بر دفاع مقدس و جبهه‌های جنگ موجب می‌شد تا در بالاترین سطح تصمیم‌سازی برای دفاع مقدس بتوانند بهترین طرح‌ها را ارائه کند. مقدمه‌سازی برای تبیین مکتب دلفانی امام خمینی(ره) به دست او صورت گرفت. زمانی که دست فرماندهان سپاه به دلیل عزل و فراری صدر باز شد، طراحی‌های او سبب شد طرف ۱۰ ساه با چهار عملیات اصلی و تعدادی عملیات‌های فرعی سرحداتی را که طی یک سال اشغال شده بود، از دشمن پس گرفته شود و راهبرد جنگ از دفاع به تعقیب و توبی نتوانز تغییر پیدا کند. تسلط وی روی نظامی و نیازهای آینده سپاه و نیروهای مسلح سبب شد او سازمان رزم سپاه را به شکل بومی طراحی کند و سراسازی بر باور «ما می‌توانیم» در عرصه طراحی‌های نظامی باشد؛ به صورتی که امروز نیروهای مسلح کشورمان مستقل‌ترین دستگاه‌های

کشور در هر عرصه‌ای هستند. توجه او به نبرد اعتقادی و قدرت ایمان در مقابل قدرت تسلیحات موجب شد تا امروز ما بتوانیم روی طرح‌های نوینی، همچون نبرد ناهم‌تراز کار کرده و بزرگ‌ترین برافزدرت نظامی جهان را در مقابل خود ناکارآمد کنیم. تفکر راهبردی و آینده‌نگر او سبب شد تا به جای کشته از دشمن اسیر و غنایم بیشتر گرفته شود و امروز همان اسیرها که در قالب سپاه بدر و مجاهدین عراقی سازمان‌دهی شدند، حاکمان کشور عراق شوند و جبهه مقاومتی از مرزهای شرقی ایران تا سواحل مدیترانه در همسایگی رژیم صهیونیستی داشته باشیم. غنیمت‌های جنگی نیز سبب شد که برای نمونه بدون خرید تانک و نفربر، سپاه یگان زرهی داشته باشد و مهمات عملیات‌های بعدی تأمین شود. ۲۸ ماه عمر پرپرکش در دفاع مقدس همراه بود با اخیر روزانه جنگ کاری که بی‌تفاوت پس از آن عاجز شدند.

به راستی، شهید باقری مسلط‌ترین فرمانده به جبهه خودی و جبهه دشمن بود. تفکر و عقلانیت در جنگ را در عین توجه به سایر ابعاد جاری کرد و با همین نگاه بود که از روز اول ورود به جنگ تمام توجهش را به اطلاعات عملیات معطوف کرد؛ چراکه اطلاعات مبنای هر نوع تصمیمی است. حسن باقری در تبعیت از دستور قرآن یک دشمن‌شناس بود و مسائلی را بنیان نهاد که پس از شهادتش بسیاری از فرماندهان برای تداوم جنگ متوجه ضرورت‌های آن شدند.

نقطه سرخط

بیت‌الماله…

توی معاونت بازرسی بودیم، مسئول ما همیشه دو تا خودکار داشت. همیشه ما که می‌گفتیم چرا همیشه دو تا خودکار هم رنگ و غیر هم‌شکل داری؟ می‌گفت لازم می‌شه. یک بار که با هم برای سر کشی از یک مجموعه رفته بودیم با یکی از دوستان قدیمی که در دوره عمومی پاسداری هم‌دوره بودیم، مواجه شدم و چون تلفن همراه نداشتم، از مسئولم خواستم که یک خودکار به من بدهد تا شماره دوستم را بنویسم. او امتناع کرد و گفت: خودکار بیت‌الماله. خودکار خودم را گم کرده‌ام. اینجا بود که تازه متوجه شدم چرا همیشه دو تا خودکار داشت…



بهترین محل حضور بسیج مساجد است

بررسی عملیات کربلای ۵ در گفت‌وگو با مهدی رضانی

تمام دانش پدافندی و رشو در شلمچه پیاده شده بود



پدافند ضعیف بودیم، هم هزینه داشت و هم اینکه نیروهای ما دنبال پدافند نبودند و نمی‌شد آنها را در پدافند نگه داشت؛ لذا کربلای ۵ سرنوشت جنگ را تغییر داد.»

وی ادامه داد: «کربلای ۴ که شروع شد و موج اول خط‌شکن‌ها که رفتند معلوم شد کل عملیات لو رفته است و حالا فرمانده دیده است که نیروهایش رفته‌اند و یکی یکی به شهادت رسیده‌اند، او دیگر نمی‌تواند در آن منطقه عملیات کند، چرا که دیگر روحیه‌ای ندارد برای اجرای عملیات، حالا قرار است که مابقی نیروهایش را ببرد و ممکن است آنها با بدتر از این وضعیت مواجه شوند. که این امر ادامه کار را برای فرمانده سپاه مشکل کرد.»

وی با اشاره به جلسات قرارگاه خاتم بین کربلای ۴ و ۵ گفت: «همه فرماندهان معترض هستند و نمی‌خواهند عملیات کنند و سه روز پشت سر هم جلسه برگزار می‌شود، همه معترضند؛ اما در نهایت آقای

حجت‌الاسلام محمدرضا توپسر کانی، مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان بسیج در مراسم اختتامیه نخستین جشنواره برترین‌های مساجد کشور گفت: جایگاه مساجد در انقلاب اسلامی جایگاه ویژه و اساسی است. همواره حرکت‌ها از مساجد آغاز شده و در نهایت به پیروزی رسیده‌اند، انقلاب در این کشورها با مساجد پیروز شد. بهترین جایی که محل حضور و ایفای نقش بسیج است، مساجد است. بسیجیان باید همواره رابطه خود را با امام جماعت و نمازگزاران حفظ کنند.

بررسی عملیات کربلای ۵ در گفت‌وگو با مهدی رضانی

تمام دانش پدافندی و رشو در شلمچه پیاده شده بود

وجود داشت؛ لذا همه پای کار آمدند و عملیات اتفاق افتاد و غافلگیری شکل گرفت و شرق کانال ماهی تصرف شد و سر پلی در غرب کانال گرفته شد و ملچراه‌های سهراهی مرگ که سهراهی شهادت نام گرفت، آنجا اتفاق افتاد.»

وی تأکید کرد: «کسانی که در میدان فیزیکی کربلای ۵ حضور داشتند، اگر الان زنده باشند و به آنها بگویسی رضای خدا را کنار بگذارید هر چقدر پول می‌خواهید می‌دهیم و ده دقیقه شرایط کربلای ۵ را ایجاد می‌کنیم، هیچ کس حاضر به این موضوع نخواهد شد، حتی برای چند لحظه!»

وی با تصویرسازی از منطقه گفت: «در یک منطقه محدود انواع سلاح‌های انفرادی شلیک می‌کنند، سلاح‌های روی تانک (توپ مستقیم و تیربار)، بعضی مواقع بالگردها و هواپیماها بمباران می‌کنند تمام توپخانه و ادوات شلیک می‌کنند و جان‌پناهی نیست. میدان رزم کربلای ۵ را تشتی تصور کنید پر نفرات دشمن می‌رفت. هرچه عراقی کشته می‌شد، دوباره از روی جنازه نیروهای جدید می‌آمدند. دشمن همه امکاناتش را آورده بود تا تکلیف مشخص شود، این نشان از اهمیت منطقه داشت.»

رضانی افزود: «وقتی گلوله کنارت فرود می‌آمد می‌دیدی چهار جای بدنست ضربه خورده، دو تا ترکش ریز و دو تای دیگر تکه‌های بدن هم‌رزم‌ان و رفاقت بود که کنارت فرود می‌آمد.»

وی افزود: «تش دشمن در این عملیات منحصربه‌فرد بود، هرچه دشمن داشت در این منطقه محدود آورد، اگر مقاومت صورت نمی‌گرفت تمام کربلای ۵ شکست می‌خورد. همه فرماندهان تانک داشتند که باید سرریل‌ها را نگه داشت، همه فرماندهان تلاش می‌کردند که

شده تا مقابل ما بایستد.»
وی در پایان یادآور شد: «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این عملیات نحوه جنگیدن بچه‌ها بود که با تمام وجود به صحنه آمدند و برای متر به متر این سرزمین تمام داشته خود را خرج کردند و با توسل و توکل پیش رفتند.»

قبیله عشق

چند صباحی برای خدا و کشورم

روزی را به یاد می‌آورم که پدرم از جبهه و جنگ سخن می‌گفت و مادرم می‌گفت نوجوانان و جوانان در حال جنگ هستند و در مقابله با دشمنان می‌جنگند و نیازی به شما نیست، ولی او تنها یک جمله گفت، اینکه؛ ۵۴ سال از عمرم را برای شما گذراندم، می‌خواهم این چند صباح را برای خدا و کشورم باشم و در راه میهنم جهاد کنم که پشتیبان نباشم.

سیدسعید فرزند شهید سیدمحمد فارسی

سیدمحمد در روستای ماهوزران حوالی شهر خمین در هشتم آبان سال ۱۳۱۱ در خانواده‌ای پرجمعیت، چشم به جهان گشود. می‌کوشید تا از فلقه علم عقب نماند؛ اما در این مسیر با مشکلی مواجه بود؛ روستای ماهوزران از نداشتن مکانی برای آموزش دانش روستاییان رنج می‌برد. محمد انگیزه کسب علم داشت، به همین خاطر تصمیم گرفت تا این مسیر را در فراگیری قرآن کریم دنبال کند. خیلی زود آیات نورانی قرآن کریم را تلاوت کرد و حتی به دیگران هم آموخت، تا دل مبارزه با طاغوتیان پیش رفت و بارها در صف اول راه‌پیمایان اعلان برات از ددمنشی‌های رژیم ستمشاهی حضوری فعال داشت. با شروع دفاع مقدس او در مسیر مجاهدت، ابتدا راه رساندن وسایل مورد نیاز رزمندگان را پیش گرفت. اما ورود به منطقه برای سیدمحمد از زمانی آغاز می‌شود که خبر شهادت برادرش سیدعلی را (در سال ۵۹) برای او می‌آورند. سیدمحمد به منطقه رفت تا بیکر برادرش را برگرداند، اما موفق نمی‌شود. حضور در جبهه سید را دلباخته جهاد و شهادت می‌کند. او در جبهه‌های غرب و جنوب فعالانه در خط مقدم جنگ می‌ماند. سال ۶۵ سیدمحمد پس از تک دشمن در منطقه فکه با فرزندش سیدسعید عازم جبهه می‌شود. بار دیگر در جریان عملیات کربلای ۱۰ به جبهه اعزام می‌شود؛ در این زمان در خط پدافندی در منطقه ریشن در خاک عراق بر اثر ترکش به شهادت می‌رسد.

معاون فرهنگی و تبلیغات سپاه خبر داد

پنجمین جشنواره فرهنگی و هنری سپاه ۱۳ و ۱۴ بهمن بر گزار می شود

سردار محبی عمق‌بخشی به ارزش‌ها و فرهنگ پاسداری و معرفی نخبگان هنری سپاه به جامعه و جشنواره‌های ملی و بین‌المللی را از جمله اهداف این جشنواره دانست و گفت: «ما در این جشنواره اهدافی نظیر انتقال فرهنگ نهادی و حرفه‌ای سپاه به نسل جدید در قالب هنرهای سرود و تواشیح و جهت‌دهی به فعالیت‌های هنری سپاه ونیز تبلیغ و ترویج فرهنگ نهادی و حرفه‌ای سپاه و ارزش‌های پاسداری را دنبال خواهیم کرد.» وی در ادامه با مقایسه جشنواره سال ۱۳۹۵ با سال‌های گذشته افزود: «چهار جشنواره فرهنگی و هنری که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ در سطح سپاه برگزار شده، در تقویت گروه‌های هنری سپاه نقش بسزایی داشت که امید است با برگزاری جشنواره پنجم، فعالیت‌های فرهنگی و هنری سپاه انسجام بیشتری یافته و گروه‌های هنری سپاه با تولید آثار هنری به تقویت هرچه بیشتر جبهه مؤمن انقلابی بپردازند.»

گفتنی است، در پنجمین جشنواره فرهنگی و هنری سپاه برای نخستین بار آثار هنری تک‌خوانی موسیقی در دو بخش سنتنی و پاپ (مردمی) پذیرش و داوری خواهد شد.

مقابله با جنگ نرم و هجوم فرهنگی دشمنان

اسلام، امت واحد استکباری و ضرورت بصیرت در برابر تفرقه‌افکنی استکباری، استقامت و روحیه جهادی رمز پیشرفت و پیروزی و محور اقتصاد مقاومتی و اتکا به قدرت و تولید داخلی برگزار می‌شود.»

صداقت



پاسداران خورشید

همسر شهید مدافع حرم مهدی طهماسبی

پسرم گفت بابا برود سوریه شهید می‌شود



□ **احسان امیری** / شهید «مهدی طهماسبی» ۱۶ خرداد ماه امسال در جبهه نبرد با دشمن تکفیری بر اثر یک انفجار در القرامی سوریه به شهادت رسید. از وی دو پسر به یادگار مانده است، در ادامه در گفت‌وگویی کوتاه با «فاطمه صالحی» همسر این شهید، ابعاد مختلف زندگی او با شهید طهماسبی بررسی می‌شود.

آشنایی / «من اهل خوزستان و شهر ایذه هستم. پدر من و پدر آقامهدی هر دو نظامی و در یک پادگان مشغول به خدمت بودند. لذا رفت‌وآمد خانوادگی پیدا کردیم و همین ارتباط خانوادگی سبب آشنایی بیشتر و ازدواج ما شد. از همان ابتدا من از حجب و حیای مهدی خوشم آمد و به پاکی ایشان یقین پیدا کردم. او پاسدار بود و در یکی از مراکز نظامی در قم مربیگری می‌کرد. مهدی در همان اولین صحبت‌هایش در جلسه خواستگاری از شرایط شغلی‌اش گفت و اینکه ممکن است هر مأموریتی برایش پیش آید. از مأموریت‌های طولانی، از جانباز نشدن تا شهادت. مهدی حتی درباره حقوق کم و نداشتن خانه و ماشین و مال دنیا هم برایم صحبت کرد.

مرا خوشبخت کرد / واقعاً آقای نیت آقامهدی و خوبی خانواده‌شان برایم اهمیت داشت. به دلیل اعتماد و شناخت کاملی که از خانواده ایشان داشتم با کمال میل همسر ایشان را پذیرفتم و در حال حاضر هم واقعاً از تصمیم رضایت دارم. آقامهدی من را واقعاً خوشبخت کرد. بر این اعتقاد بوده و هستم که اگر پاسداری در راه حفظ دین صدمه ببیند با خدا معامله می‌کند و اجر خود و خانواده‌اش ان‌شاءالله محفوظ است.

مشقات جهاد / از همان اولی که جنگ در سوریه آغاز شد، آقامهدی هم آمادگی شغلی‌اش را برای اعزام نشان داد. آقامهدی شخصاً خیلی پیگیر این موضوع شد تا در نهایت موفق به اعزام ششد. من وظیفه خودم می‌دانستم که زینب‌گونه مدافع عقایدم باشم و بگذارم همسرم به هدف و علاقش که حضور در جبهه نبرد حق علیه باطل بود، برسد. همیشه می‌گفت همسرم فاطمه در ثواب مجاهدتم شریک است.

حاصل زندگی / من و آقامهدی ۱۰ سال با هم عاشقانه زندگی کردیم. حاصل

این زندگی دو فرزند به نام‌های امیرمحمد و حسین است. امیرمحمد متولد مرداد ۸۹ است که در زمان شهادت پدر شش سال داشت و حسین پسر کوچکم متولد مرداد ۹۴ است. اربعین سال ۹۳ توفیق زیارت کربلا نصیب شد. همان‌جا نذر کردم که اگر فرزند دومم پسر باشد، نام حسین را بر او بگذارم و عاقبتش شهادت شود.

بابا شهید می‌شود / موقع رفتن مهدی پسر کوچکم شیرخوار بود، اما پسر بزرگم امیرمحمد خیلی مطمئن به من گمت که اگر بابا به سوریه برود، شهید می‌شود، ولی

اشکالی ندارد می‌رود پیش خدا، آنجا جایش خوب است. انگار خدا به دل امیرمحمد

انداخته بود.

مهدی دو مرتبه اعزام شده؛ اعزام اولش اول دی تا بهمن ماه سال ۱۳۹۴ بود و اعزام دومش خرداد ۱۳۹۵. سه روز آنجا بود. فقط یک بار صبح روز پیش از شهادتش (نزدیک ساعت ۸) تماس گرفت و دو دقیقه‌ای با هم صحبت کردیم، آن لحظه نمی‌دانستم آخرین باری است که صدای همسنگر زندگی‌ام را می‌شوم. **خادم مسجد جمکران** / مهدی حدود ۹ سال خادم افتخاری مسجد مقدس جمکران بود. پیش از رفتنش ۱۱ خرداد ماه به جمکران رفت و پنج‌شنبه ۱۳ خرداد اعزام شد. یک‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۵ هم بر اثر یک انفجار در القرامی سوریه به شهادت رسید.

تربیون

مهم‌ترین عامل تداوم انقلاب اسلامی را چه می‌دانید؟

با نزدیک شدن به سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و دهه مبارک فجر این شماره از تربیون را به موضوع علت تداوم انقلاب اسلامی اختصاص دادیم که در ادامه جمع‌بندی پاسخ‌های شما همراهان گرمی را می‌خوانید.

وحدت؛ وحدت و یکپارچگی مردم موضوعی است که «سمیه رستمی» از جوان‌ود،

«محمدمحمدی خاواسیسی» و «هنیره رستیان» از صحنه، «مهدی صدیقی» از خلال، «صمد حاجی‌زاده» از چاپیاره، «سیدمحمد خدایی» از اردکان، «علی‌اصغر رعیتی» از تهران، «قاسم نوروزی»، «فاطمه قاسمی»، «فاطمه ابوبی‌مهریزی»، «محمدجواد میهن‌آرا»، «فاطمه دانمی» و «محسن آذره» همگی از یزد بر آن تأکید کرده‌اند.

مردمی بودن انقلاب اسلامی؛ «مرتضی امیری‌نژاد» از بوئین‌زهرا، «محسن کریمی» از کردستان، «ناصر آقاسی» از شهرضا، «ایرج حسن‌پور» از یامسج، «علی قنبریان» از تهران و «ابوالفضل ابوبی‌مهریزی»، «یکانه نوروزی»، «اسماعیل دهقان طرزجانی»، «فاطمه زنجیر»، «علی‌محمد محمدپور»، «فواد قاسمی» و «علی فیضی عارفی» همگی از یزد مردمی بودن انقلاب را علت تداوم انقلاب اسلامی دانسته و بر آن تأکید کرده‌اند.

ولایت فقیه و پیروزی از آن؛ همراهان دیگری، همچون «سعود مهرنگ» از گرمی، «غلامرضا غدیری» از گیلان، «علی بوعباس» و «حمزه گیاهی» از صومعه‌سرا، «مهربانی» از گالیکش، «صفا» از ساوه، «مجید یحیایی» از سمنان، «سیدمحمد میرنینی‌زاده» از محمودآباد، «ابراهیم مهدی‌خانی» از اصفهان، «روحی» و «مسبب نامداری» از نجف‌آباد، «محمود عظمتی» از میناب، «مهناز پیری»، «جعفر ملکی» و «رویا قهرمان‌زاده» هر سه از ارومیه، «سیدعلی حسینی» و «علی‌رضا صدیقی‌پور» از بیرجند، «رستم‌محمد حسینی حاجپور» از جنت‌مکان، «رسول پاک» از تبریز، «سیدعین‌الله موسوی» از کرمانشاه، «جواد شاولی‌بر» از نیکشهر، «مهدی کوهی» از اهر، «شهربانو اکبری» از کرچ، «امیرعلی الیاسی» و «فرامرز الیاسی» از ثلاث باباجانی، «حمزه محمدپور» از اردبیل، «حسین عبدالله‌پور» از بابل، «محسن کوشکی» از خرم‌بید، «احمد کاظمی» از کوهنجان فارس، «سیدمحمدعلی حسینی» از دشتی، «جواد قاسمی» از اراک، «مجنتی منتشلو» از مروان، «آقایاری» از قزوین، «هریم وفایی»، «شهناز بیرانوند» و «علی شعبان» از بروجرد، «عیدی سوری» از رومشگان لرستان، «محمدرضا رحیمی یکتا» از لرستان، «مهدی محمدی» از مسجدسلیمان، «محمد باشی» از شیراز، «مراد قادری نور» و «مید ملازاده» از پیران‌شهر، «بختیار خدایاری» از ارومیه، «سجاد آقاسی» از شهرضا، «موسی اسفندیاری» از سپیدان، «مجید طولانی» از کرمانشاه و «مهدی میهن‌آرا»، «فاطمه نوروزی»، «هریم‌السادات روح‌الامینی» و «سعید نوروزی» همگی از یزد بر نقش ولایت فقیه و پیروزی مردم از آن تأکید داشته‌اند.

اتکا به خدا و ایمان به اسلام؛ «فرشته دهقان» از یزد، «علی شمسی» از پیرانشهر و «نوید دهقان نجم‌آبادی» از یزد به مسئله توکل و ایمان مردم به اسلام اشاره کرده‌اند.

خون شهدا و ایثارگری‌ها؛ «بدالله صادقی» از رودبار زیتون، «وحید محمدی» از خمین و «قلیچ» از شاهرود تأثیر خون شهدا و ایثارگری‌ها را عامل تداوم انقلاب اسلامی دانست‌اند.

تفکر بسیجی؛ تفکر بسیجی نیز موضوعی است که «صغری زنجیر» و «بی‌بی صدیقه میرفخرالدین» از یزد آن را بیان کرده‌اند.

انقلابی بودن و انقلابی ماندن؛ «میرعلی نورانی» از قزوین، «فرج‌زاده» از میاندوآب، «محمد زارعی برآبادی» از خواف، «کبر سیاهی» از بامچی، «سعید کریم‌خانی» از نهاوند و «حسین غیوری» از تبریز، انقلابی بودن و انقلابی ماندن مردم را مطرح کرده‌اند.

در این میان، «میری» از کرمانشاه به نکته جالبی اشاره کرده است و آن، مذاکره نکردن و رابطه نداشتن با آمریکا بوده است.

برندگان تربیون ۲۱

«مجید یحیایی» از سمنان / «میری» از کرمانشاه

«احمد کاظمی» از کوهنجان فارس

پرسش تربیون ۲۲

به عملکرد دولت در حوزه اقتصاد مقاومتی چه نمره‌ای می‌دهید؟

شماره پیامک ۳۳-۹۹-۰۰۰۰۳

صداق

دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۵
اول جمادی الاول ۱۴۳۸
سال هفدهم شماره ۷۸۶
صفحه ۱۲

www.sobhesadeghweekly.ir

Mon. 30 Jan 2017

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمادنگی ولی فقیه در سپاه

تلفن:۰۵-۴۴-۷۷۹۸۴۰۴۴ (۰۲۱)
صندوق پستی:۱۸۵/۱۳۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
ایرانه: sobhesadegh@iranix.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
کانال پیام‌رسان سروش: @ssweekly

کال **تلگرام** **@SobheSadaghWeekly**

یادداشت

دست‌های مهربان

□ **علی حدیدی** / غروب یک روز سرد زمستانی در همدان، به پرستاری که در حال مراه‌می ما برای انتقال بیمارمان به بیمارستان دیگری برای عمل جراحی بود، از سختی کارشان گفتم، با کمال نجابت اینطور پاسخ داد که؛ «همیشه فکر می‌کردم کار ما خیلی سخت و دشوار است؛ اما تازه فهمیدام که تلاش‌ها در برابر جانفشانی آتش‌نشانان هیچ نیست؛ چرا که آتش‌نشان وقتی صبح هنگام از خانه بیرون می‌رود خودش هم نمی‌داند که دوباره باز خواهد گشت یا نه…» این پاسخ اگر چه نشان از روح والای ایثار و از خود گذشتگی این قشر صبور و زحمتکش دارد؛ اما حاکی از این واقعیت استت که مشاغل و حرفه‌هایی وجود دارند که آسایش خود را فدای آرامش، آسودگی خاطر و امنیت دیگران می‌کنند و چه روزها و شب‌هایی که چشم به هم نمی‌گذارند تا مردان و زنان و کودکان این سرزمین با خطری آسوده بخوابند و احساس آرامش کنند.

بی‌شک پرستاری از بیماران در سخت‌ترین شرایط جسمی و مرهم نهادن بر

آلام و دردهای آنان یکی از ارزشمندترین و مقدس‌ترین کارهایی است که تنها از

عهده زنان و مردان راسخ در ایمان و انگیزه برمی‌آید. پرستار با هنر و تخصص توأم با عشق و محبت به همون، زلال امید را در کام تشنه بیمار می‌ریزد و تن رنجور او را آرام کرده و دردهایش را تسکین می‌دهد. دشواری‌های کار و شب‌بیداری‌هایش را

به قیمت کاستن از درد و زجر و صبر و بردباری در برابر عظیم‌ترین مصیبت‌ها و دردها شپره است؛ همو که اسوه عطوفت و مهربانی، شجاعت و عقانیت و ایستادی و پایداری در برابر ناملایمات است.

مناسبت میلاد عقیده بنی‌هاشم حضرت زینب‌کبری(س) و روز پرستار بهانه‌ای

شد تا برای قدردانی ناچیز از این جامعه کوشا و دلسوز به حکم «برگ سبزی تحفه

درویش…» قلمی بچرخانم تا ادای دین کرده باشم. حسن ختام این سطور نیز قطعه شعری است که نگارنده چندی پیش خطاب به این سفیدجامگان عاشق که با

دستان عطف خود، مرهم دردهای بیماران غمدیده و رنجور هستند، سروده است:

مانند یک نسیم، وقتی که می‌وزی
غم‌ها و درد‌ها، از یاد می‌رود
مانند آفتاب، وقتی که می‌دَمی
شب با سیاهی‌اش، چون باد می‌رود
سرسبزی بهار، اردیبهشت توست
فصل بهار با خرداد می‌رود
قلب رفوت تو، آیینه خداست
از مهربانی‌ات، اضداد می‌رود
با دست‌های خود، باران رحمتی
مرهم می‌نهی، فریاد می‌رود
بیدار تا سحر، چشمان مهر تو
با عطر و بوی مهر، مرداد می‌رود
حقا که زینبی در روزگار خود
با عشق و صبر تو، بیداد می‌رود

حرف تو حرف

فرجام اعتماد…

در زمان‌های نه چندان دور، دانشمندیام بیگانه، وزغی(قورباغی‌ا) را نشان کرد تا در آزمونی سهیمش کند و سازگاری‌اش را با تغییرات آرام محیط پیرامونش بیازماید. وزغ با وجود سفارش مهرب‌که‌ای‌هایش، با دیدن ابزار آزمایش، بر دانشمند

خوش خیال پوخندی زد و با اعلام آمادگی، اظهار کرد که با بالا گرفتن کار، قادر خواهد بود میدان را ترک کرده و دانشمند نادان را با همه هزینه‌ها تنها بگذارد.

چشم‌ها بر این اتفاق به ظاهر آزمایش خیره مانده بود و ابزار آزمایش آماده وزغ داستان ما، با شعار «ما رو چی فرض کردی؟!» قدم پیش گذاشت و تن به آزمایش داد و در ظرف آبی نشست که در زیر خود اجاقی از آتش داشت و ظرف و مافیها را آرام آرام گرم می‌کرد.

برخی دنیادیدگان آشنا و ناشنا، قهرمان داستان ما را نهیب زدند و از فرجام کار آگاهش کردند؛ ولی لبخند آرامش‌بخش دانشمند و همراهان آن طرف میز آزمایش و اطمینان‌بخش بودن قول ایشان به آینده‌ای روشن در پس خارج شدن از این آزمایش بزرگ، وزغ خوش‌باور و بی‌خبر از همه‌جا را به ادامه راه ترغیب می‌کرد و سیاست گام بر داشتن آرام و خزنده، کار را به آنجا رسانید که در جریانِ ظریف و به ظاهر لطیف و با شبِ ملایم، آرام آرام عرصه بر تارهای عصی وزغ تنگ آمد و در لحظه‌ای تاریخی موجود خوش‌باور غرق در آب جوش، متوجه شد که آب‌پز شده و هم اکنون گوشت لذیذی زیر دندان برخی مردمان آن طرف آبی است. وزغ بیچاره وقتی به واقعیت آزمون پی برد و فرجام اعتمادش را دید که دیگر نه نایی برای اعتراض داشت و نه قدرت و توانی برای مخالفت؛ از این‌رو چشم‌هایش بر گزینه‌های پوشالی روی میز بیگانه دوخته ماند…

کتیبه سبز

آفتاب از نگاه تو

وقتی تو آمدی
دریا به استغاثه نشست
و بغض آسمان ترکید
گویوی حضور تو انگیزه تکلم‌شان بود
بر گستران بال نسیم‌نشستی
و صبح را بشارت دادی
جنگل هنوز مدیون مهربانی توست
و ماه نور از نگاه تو می‌نوشت…
دربوز خانه از حضور پنجره خالی بود
و آفتاب نمی‌تایید
تو آمدی و سرودی
و ما به دست‌های تو پیوستیم
تو عشق را به خانه آوردی
و مهربانی دستانت ما را به باغ اینته‌ها برد
تو آمدی و آفتاب در نگاه تو بود…
مرضیه گلزاری

صبحانه

خدای عشق و زیبایی

خدای خوبم!
چه لذت‌بخش است گذر نسیم یاد تو بر دل‌ها
و چه زیباییت پرواز برنده خاطره تو بر قلب‌ها
و چه شیرین است پیومدن اندیشه در جاده
غیب‌ها به سوی تو
چه روح‌بخش است گام زدن در مسیر عرفان تو
و چه جان می‌دهد ایمان به غیب تو
محبوب من!
چه خوش است طعم عشق تو
و چه شوق آفرین است نگاه عاشقانه تو
چه شیرین است زندگی زیر سایه لطف تو
و چه لذت‌بخش است گرمای دست‌نواز شکر تو
معبود من!
گرمای وجودت را از سردی روزگارمان نگیر!
آمین

صادقانه

باز بچه قرار دادن آیات الهی
امام علی(ع) فرمودند:

کسی که از دنیا اندوهناک می‌باشد، از قضای الهی خشمناک است و آن کس که از مصیبت وارد شده شُکوه کند، از خدا شکایت کرده و کسی که نزد توانگری رفته و به خاطر سرمایه‌اش برابر او فروتنی کند، دو سوم دین خود را از دست داده است و آن کس که قرآن بخواند و وارد آتش جهنم شود، حتماً از کسانی است که آیات الهی را بازبچه قرار داده است.

نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۸



انقلاب علیه رژیم پهلوی و در حمایت از مبارزان و انقلابیون شعر می‌سرودند. یکی از قدیمی‌ترین شعرهای انقلاب که به سرود تبدیل شد، «خمینی ای امام» حمید سبزواری با آهنگسازی حمید ششاهنگیان بود. این سرود در زمان ورود امام خمینی(ره) در ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ اجرا شد. گروه گونهای که در یک مقطع کوتاه، فضای هنری کشور ما از سیطره مادی‌گرایی، پوچی و ابتذال و فساد، به خانه ایمان و مبارزه و پاک‌ی گام نهاد. شاید بتوان اولین و فعال‌ترین عرصه هنری را که به میدان انقلاب پا گذاشت، شعر، سرود و موسیقی دانست. برخی از شاعران، همچون مرحوم حمید سبزواری، مهرداد اوستا و طاهره صفارزاده از سال‌ها پیش از

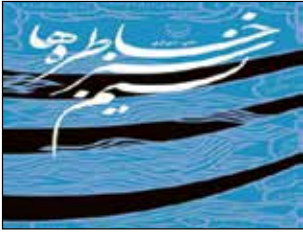
راش اضافه

بهبودی زندگی نامه امام‌خمینی (ره) را می‌نویسد



اوج آثار او کتاب «شرح اسم» است و این کتاب تابلوی تمام‌نمای ادبیات بهبودی است؛ چراکه تشخیص تاریخی، توان قلمی و تلفیق تاریخ و ادبیات در این کتاب به اوج خود رسیده است.» حجت‌الاسلام خزایی، مسئول مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی هم گفت: «جدیدترین همکاری این مؤسسه و بهبودی کتابی مشابه شرح اسم با محوریت زندگانی حضرت امام خمینی(ره) است که سال آینده تکمیل و منتشر می‌شود.» در پایان این مراسم نیز هدایت‌الله بهبودی در سخنان کوتاهی گفت: «بیش از آنکه برای تجلیل شدن به اینجا بیایم، به دلدادگی از شرح اسم آمده‌ام و کسانی که به اینجا آمده‌اند و تیر مخالفت با شرح اسم را به جان خریدند و دم نزدند. بهبودی در پایان ضمن تصریح این نکته که؛ «ارزش والای شرح اسم به واسطه قهرمانش است، نه نویسنده‌اش».

ترجمه تقریظ‌های رهبر معظم انقلاب به عربی



کتاب «نسیم سبز خاطره‌ها» که دربردارنده معرفی اجمالی تعدادی از عناوین شاخص دفاع مقدس و تقریظ‌های رهبر معظم انقلاب بر این آثار است، منتشر شد.

کتاب، «نسیم سبز خاطره‌ها» را که انتشارات سسوره مهر به چاپ رسانده، دربردارنده معرفی اجمالی تعدادی از کتاب‌های شاخص حوزه ادبیات دفاع مقدس به همراه تقریظ‌های رهبر معظم انقلاب بر این آثار است. به تازگی این اثر را یک گروه خودجوش مردمی به زبان عربی ترجمه کرده است و به گفته حجت‌الاسلام علی شیرازی، مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس و از کارشناسان حوزه خاطر‌نویسی، قرار است به زودی چاپ و در کشورهای عربی‌زبان منطقه توزیع شود.



طرح: عباس گودرزی

مقدمه‌ای بر تأثیر انقلاب اسلامی بر هنر

شکوفایی هنر ایرانی در میدان انقلاب

نویسندگان بسیاری در زمینه ادبیات انقلاب پا به میدان نهاندند که فعال‌ترین آنها مرحوم امیرحسین فردی بود؛ به گونه‌ای که تقریباً همه کتاب‌های وی، از جمله «اسماعیل» و «گرگسالی» وقایع انقلاب را به تصویر می‌کشند. در کنار وی می‌توان به نویسنده‌هایی، چون محمدرضا سرشار، رضا امیرخانی و محسن پرویز هم اشاره کرد که در ادبیات داستانی انقلاب مطرح هستند. هنرمندان عرصه هنرهای تجسمی هم که خود را در برابر یک تحول عظیم اجتماعی می‌دیدند، تحت تأثیر قرار گرفتند و آثارشان دچار نوعی رجعت به مردم و ارزش‌های بومی سرزمین‌مان شد. حسین پرتوی، تأثیر قابل توجهی در شتاب گرفتن انقلاب داشت و حتی توطئه‌های دشمنان کشورمان را در ضربه زدن به قیام اسلامی ملت ایران خنثی کرد. از دیگر عکس‌های به یادگار مانده این‌عکاس متعهد و انقلابی از دوران انقلاب اسلامی می‌توان به بسته شدن فرودگاه به منظور جلوگیری از ورود امام خمینی(ره) از پاریس در دوره بختیار و اعدام سران رژیم طاغوت در دبیرستان علوی اشاره کرد.

در ادبیات داستانی نیز

تلخند



نیروهای انقلابی به عرصه کاریکاتور، کم‌هزینه بودن این رشته نسبت به سایر رشته‌های تجسمی بود. معمولاً آموختن و کار در رشته‌هایی، چون گرافیک و مجسمه‌سازی نیازمند حضور در کلاس‌های مختلف و صرف هزینه‌های گزاف بود که چنین امکانی برای طبقات محروم اجتماعی فراهم نبود. رشته‌هایی چون طراحی و کارکارتور تنها به یک کاغذ و قلم نیاز دارند و حتی بدون کلاس و استاد نیز با تکیه بر ذوق، تلاش، تمرین و مطالعه امکان شکوفایی استعداد را فراهم می‌کند.

اما با فاصله گرفتن از سال‌های پرشور انقلاب و جنگ و ورود به دوران جدید اجتماعی در کشورمان، نقاشی انقلابی و دفاع مقدسی نیز کم‌رنگ شد. اکنون آنچه این عرصه را تهدید می‌کند، انزوای دوباره در گالری‌ها و نمایشگاه‌های سرد و مغرور، فاصله گرفتن از مردم و غرق شدن در رفتارهای شبه‌روشنفکرانه و فیلسوف‌آبانه است؛ تردید و تردد میان آفتاب و سایه. هنرهای تجسمی برای پویایی و تأثیر‌گذاری بیشتر بر جامعه امروز ایران، باید دوباره به سیاق سال‌های نخستین انقلاب و آرام و آرمان‌های مردمی بازگردند.

هنرمندان «حقوق بشر آمریکایی» را نمایش می‌دهند



و در بخش بین‌الملل در شاخه‌های پوستر و کاریکاتور آثار را دریافت می‌کند. در بخش علمی جشنواره نیز شاخه‌های کتاب، تألیف و ترجمه، رساله‌های علمی(پایان‌نامه و…) و متن‌های پژوهشی قرار دارند. برای هر یک از این بخش‌ها نیز کمیته داوران جداگانه در نظر گرفته می‌شود. تیرماه ۱۳۹۶ اختتامیه این جشنواره در حوزه هنری برگزار خواهد شد.

جمال شورجه، کارگردان سینما نیز گفت: «باید چندین جلد کتاب درباره جنایات آمریکا در طول تاریخ به همت حوزه هنری که امکانات و دانش این کار را دارد، نگاشته شود.»

در پایان با اهدای لوح تقدیر به پاسداشت سال‌ها تلاش جمال شورجه بر ضد استکبار و جنایات بشری آمریکا، در عرصه سینما، از این کارگردان تقدیر و تجلیل شد.

فتنه ۸۸

در یک سریال عاشقانه



باقر مفیدی‌کیا که پیش از این در فیلم نیمه‌بلند «لکه» به فتنه پرداخته بود، این بار یک سریال عاشقانه در بستر حوادث فتنه سال ۸۸ می‌سازد. کارگردان سریال «حسن یوسف»

درباره مضمون این سریال گفت: «حسن یوسف» یک سریال عاشقانه با مضمون انقلابی است. در این سریال با داستان عاشقانه‌ای روبه‌رو هستیم که شخصیت‌های آن در بستر حوادث مختلف اجتماعی و سیاسی کشور از سال ۸۸ تاکنون درگیر فراز و نشیب‌هایی می‌شوند.

مفیدی‌کیا درباره جزئیات این سریال خاطرنشان کرد: «در حال حاضر مشغول نوشتن فیلمنامه هستیم و بعد از نهایی شدن فیلمنامه به تولید کار آغاز می‌شود.»

یادداشت

خون تازه در رگ‌های سینما

□ **مهدی امیدی** / پیروزی انقلاب اسلامی، خون تازه‌ای را در رگ‌های هنر هفتم ایران جاری کرد. در تقویم، روز ۲۱ شهریور به نام روز ملی سینما ثبت شده است. این در حالی است که مبدأ اصلی رویش سینمای ملی در ایران، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ است؛ روزی که در آن امام خمینی(ره) با حکم تاریخی خود، حیات تازه‌ای به این هنر در ایران بخشید و مسیر و چشم‌انداز آن را مشخص کرد و گفت: «ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم، ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجنب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می‌دانید که جوان‌های ما را اینها به تباهی کشیده‌اند و همین‌طور سایر اینجها. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها به همه معنا خیان کرده‌اند به مملکت ما.»

ایمن چنین شد که بسا تکیه بر باورهای ایمانی جامعه انقلابی ایران و با الهام از حماسه‌هایی که در خلال مبارزات انقلابی و همچنین دفاع مقدس خلق می‌شد، دوران طلایی سینمای ایران در دهه ۶۰ و تا اواسط دهه ۷۰ رقم خورد. دورانی که سینما مماس با ارزش‌ها، فرهنگ و آرمان‌های مردم فعالیت می‌کرد. هم تنوع در موضوعات سینما دیده می‌شد و هم جذابیت و ارزش‌ها. به همین دلیل هم در آن روزگار، ایجاد صف‌های طولانی در مقابل گیشه سینماها، امری معمول و متداول بود.

شاید یکی از فتوحات انقلاب در حوزه سینما، ظهور نسلی از هنرمندان آزمانگار و انقلابی بود. برخلاف سینمای دوره ستمشاهی که فعالانش مایه ننگ و شرمندگی جامعه بودند، هنرمندان سینمای انقلاب، به سرمایه‌های ملی ما تبدیل شدند. برخی نیز همچون سیدمرتضی آوینی به شهادت رسیدند

و لقب «قهرمان ملی» را یافتند و ستاره آسمان تاریخ این سرزمین شدند. اما متأسفانه این پایان‌راه نبود و دوران طلایی سینمای ایران بار دیگر به تارکیسی گرایید. برخی از سیاست‌گذاری‌های غلط مدیران فرهنگی

و سینمایی در دهه ۶۰ در حمایت از

سینمای جشنواره‌ای و شبه روشنفکرانه

و نفی سینمای مردمی زمینه‌ساز انحطاط

دوباره سینمای ما شد؛ اما مبدأ اصلی این

سقوط را باید آغاز فعالیت دولت دوم

خرداد دانست.

همان‌گونه که عامل ترقی و تحول و

سینما و هنرهای تصویری ما در سال‌های

اولیه انقلاب اسلامی به دلیل اتصال به

ارزش‌های ایمانی جامعه بود، نزول سینما

پس از دوران موسوم به اصلاحات نیز به

دلیل فاصله گرفتن از آرمان‌های ملی و

حماسه‌های مردمی بود.

بنابراین، افاق و چشم‌انداز پیش‌روی

سینمای ایران برای رسیدن به هویت و

یافتن جایگاه جهانی، ترسیم نقشه راه

بر اساس آرای مترقی و متعالی حضرت

امام(ره) است. نکته مهم دیگر این است

که برای عملیاتی کردن اندیشه‌های

امام(ره)، در زمینه سینما باید وسعت

نگاه و همه‌جانبه‌نگری ایستادن در نظر

گرفته شود.

حسن ختام

ناچی که بیاید…

نون، الف، جیم، یا…
آری «ناچی»!
همان که از تبار نور است
و کون و مکان می‌بالد به قامت رعنایش
همو که دستانش بوی باران می‌دهد
او که همه اعتبار زمین است…
همان که قلب زمین از گام‌های
حصینش آبرو دارد
و شامه زمان از عطر دل‌انگیزش آکنده
یقین دارم!
ناچی که بیاید هبوط می‌کند محنت‌ها
و حلول می‌یابدن محبت‌ها
و چه دیدنی است غزل‌خوانی چکاوک‌ها
ناچی پیام‌آور ربیع است
او که بیاید حدوث می‌کند فصلی‌نو
وه که طلعت سپیده با او چه شکوهی
دارد!
ناچی به گلستان بشارت می‌دهد
به شقایق، به یاسمن، به افاق
او که بیاید دیگر حرمانی نیست
تیمار می‌کند و التیام می‌بخشد
ناچی خط پایانی است بر همه دردهای
زمین…
ای کاش ناجی زودتر بیاید!